دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی (ع)

از دیدگاه قرآن و حدیث

(تفسیر موضوعی المیزان)

به اهتمام: سید مهدی امین

با نظارت: دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحیم

دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی علیه السلام از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی (ع)از دیدگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث / به اهتمام مهدی امین ؛ با نظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : تهران: بیان جوان؛ مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۲۴۶ ص. .م‌س ۱۴/۵ × ۱۰

فروست : تفسیر موضوعی المیزان؛ [ج.] ۲۴.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۰-۶۹-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : این کتاب بر اساس کتاب" المیزان فی تفسیرالقرآن "تالیف محمدحسین طباطبایی است.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : المیزان فی تفسیرالقرآن.

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : مسیحیت در قرآن

شناسه افزوده : بیستونی محمد، ۱۳۳۷ - شناسه افزوده : طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ . المیزان فی تفسیرالقرآن

شناسه افزوده : شرکت به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

شناسه افزوده : تفسیر موضوعی المیزان؛ [ج.] ۲۴.

رده بندی کنگره : BP۹۸/الف۸۳ت۷ ۲۴.ج ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۱۱۵۸۴

فهـــرست مطـالـب

موضـوع صفحـه

(۲۸۰)

(۲۸۱)

فهـرست مطالـب

موضـوع صفحـه

(۲۸۲)

(۲۸۳)

فهـرست مطالـب

موضـوع صفحـه

(۲۸۴)

(۲۸۵)

فهـرست مطالـب

موضـوع صفحـه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهـرست مطـالـب

موضـوع صفحـه

فهـرست مطـالـب

موضـوع صفحـه

فهـرست مطـالـب

موضـوع صفحـه

(۳۰۲)

خصـــوصیـات دعـــــای نـــزول مـائـده ●●●۲۲۸

تقدیم به

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا
وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَةِ
الْمُصْطَفی وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ
شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الاْئِمَّةِ التِّسْعَةِ
الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّــةِاللّهِ فِی‌الاْرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ
الاْنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَةِ وَ الْمُدَّخِرِ لاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،
الْحُجَّةِبْنِ‌الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ
الاْوْلِیاءِوَیامُذِلَ‌الاْعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ‌الْمُتَّصِلُ‌بَیْنَ‌الاْرْضِ‌وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

(۴)

وَ اَهْلَنَا الضُّـــرَّ فی غَیْبَتِـــکَ وَ فِراقِـــکَ وَ جِئْنـا بِبِضاعَـةٍ
مُزْجاةٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ
فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْکَ
اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن تأئیدیه حضرت آیهٔاللّه محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رییس شورایعالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

قرآن کریـم ایـن بزرگ‌ترین هـدیه آسـمانی و عـالی‌ترین چراغ هـدایت که خداونـد عـالم به وسیله آخرین پیـامبرش برای بشـریت فروفرسـتاده است؛ همواره انسان‌ها را دسـتگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هسـتند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت

(۵)

ارتباط برقرار کننـد بیشتر بهره می‌گیرنـد. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خوانـدن، اندیشـیدن، فهمیـدن، شـناختن اهداف آن شـکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دسـتورالعمل‌های آن، سـطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسـهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هرکدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیسـتونی برای نسـل جوان در جهت این خـدمت بزرگ و امکـان ارتبـاط بهتر نسل‌جوان با قرآن انجام‌داده‌انـد؛ همگی قابل تقـدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

(۶)

متن تائیدیه حضرت آیهٔاللّه مرتضی مقتدایی

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پرگل و متنوع که به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن‌مجید مأنوس به‌طوری‌که مفاهیم بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه

(۷)

ویژه حضرت بقیت‌اللّه‌الاعظم ارواحنافداه باشد.

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان‌المبارک ۱۴۲۷

(۸)

متن‌تأییدیه حضرت آیهٔ‌اللّه‌سیدعلی‌اصغردستغیب‌نماینده محترم‌خبرگان‌رهبری‌دراستان‌فارس

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

«وَ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیانا لِکُلِّ شَیْءٍ» (۸۹ / نحل)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبهائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسان‌ها می‌باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هرکس عنوان و موضوع مدّنظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیا زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود.

این توفیق نیز در ادامه برنامه‌های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار

(۹)

قرآنی مفسّرین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمندم جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران قرآن‌پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب

۲۸/۹/۸۶

مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پرحجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و

نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفا برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای»

(۱۰)

کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیرترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع جیبی کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه گمشده و شیطانی همراه، موسیقی، تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد.

کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای‌سیدمهدی‌امین» می‌باشد.ایشان تمامی مجلدات تفسیرالمیزان را به

مقدمه ناشر (۱۱)

دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربردی‌است.

«تفسیر المیزان» به گفته شهید آیهٔ اللّه مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ه) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوّت علمی و مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به‌کارگیری تفسیر قرآن به

(۱۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسّر تنها در کنار هم‌گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبّری و اجتهادی توسل می‌جوید.

یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امّت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به‌طورعمیق مورد بحث و بررسی قرارداده است.

شیوه مرحوم علاّمه به‌این شرح است که در آغاز، چندآیه از یک‌سوره را می‌آورد و آیه، آیه،

مقدمه ناشر (۱۳)

نکات لُغوی و بیانی‌آن‌را شرح می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد.

ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش‌آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای

سیدمهدی امین اقدام نموده‌ام.

امیدوارم این قبیل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

(۱۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران ـ تابستان ۱۳۸۸

مقدمه ناشر (۱۵)

مقدمه مؤلف

اِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَریمٌ

فی کِتابٍ مَکْنُونٍ

لا یَمَسُّهُ اِلاَّ الْمُطَهَّروُنَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ ـ ۷۹/ واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یافرهنگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

(۱۶)

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از

مقدمه مؤلف (۱۷)

اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصا محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیهٔ اللّه طباطبایی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و

شرایع دین‌مان قرار می گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید

(۱۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس‌اللّه سرّه الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتمادِ فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرةالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرارگیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

مقدمه مؤلف (۱۹)

اصول این مطالب باتوضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.

ذکراین‌نکته لازم‌است که چون‌ترجمه‌تفسیرالمیزان به‌صورت دومجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰جلدی منتشرشده بهتراست درصورت نیازبه‌مراجعه به‌ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد موردنظر خود، صرف‌نظراز تعداد مجلدات بروید.

و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان،

(۲۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

تأسیس شده باشد، و استاد مسلّم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد...

و ما همه بندگانی هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست !

و صلوات خدا بر محمّد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این

مقدمه مؤلف (۲۱)

وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیـةاللّه طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

(۲۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

فصل اول :زکریای نبی علیه‌السلام

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم

«هُنالِکَ دَعا زَکَرِیّا رَبَّهُ....» (۳۸ تا ۴۱/ آل عمران)

از زندگی زکریای پیامبر غیر از مورد کفالت مریم علیهاالسلام و تولد یحیی علیه‌السلام ذکری در قرآن مجید نرفته است. اما تکرار بندهای مختلف شرح زندگی این پیامبر عظیم الشأن

(۲۳)

در سوره‌های مختلف با نشان دادن وضعیت تولد یحیی، در برگیرنده بسیاری از نکات مهم تاریخ حیات آن بزرگوار، و در عین حال نشان‌گر زمینه سازی خدای متعال برای به دنیا آوردن پیامبری اولوالعزم چون عیسی از مادری باکره و کرامت‌ها و اعجاز مشهور آن حضرت بوده است.

قسمتی عمده از شرح زندگی این پیامبر الهی مربوط می‌شود به زمانی که کفالت مریم را به عهده داشت. و این تکفل بر اساس قرعه کشی بین کسانی اتفاق افتاده بود که بر سر کفالت" مریم دختر عمران "با هم مخاصمه می‌کردند.

چنان که از روایات اسلامی برمی‌آید، عمران پدر مریم نیز از پیامبرانی بوده که بر قوم خود مبعوث شده بود.

مرحله‌حساس زندگی این پیامبر بزرگوار از آن‌جائی شروع می‌شود که برای

(۲۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سرکشی به مریم به محراب کلیسا رفت نزد مریم رزق شگفت‌انگیزی مشاهده کرد، موقعی که از مریم پرسید این روزی از کجاست؟

پاسخ شنید:

- از نزد خدای متعال و روزی رسان!

در این جا بود که زکریا از خدا فرزندی برای خود خواست و خداوند سبحان نیز دعای او را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید.

مطالب مربوط به تولد یحیی علیه‌السلام را در قسمت‌های دیگر مطالعه خواهید فرمود، این جا آن قسمت از این سرگذشت را به نقل از قرآن شریف پی‌گیری می‌کنیم که بیشتر نمایش‌گر شرح حال زکریا علیه‌السلام می‌باشد:

«زکریا، در آن هنگام که کرامت مریم را مشاهده کرد، گفت:

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۲۵)

- پروردگارا!

مرا به لطف خویش فرزندی پاک سرشت ذریه‌ای طیبه عطا فرما!

همانا، توئی مستجاب کننده دعا!

پس زکریا را هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود،

ملائکه ندا دادند:

- همانا خداوند تو را به ولادت یحیی بشارت می‌دهد،

در حالی که او نبوت عیسی" کلمه خدا "را تصدیق کند،

و خود هم پیشوای مردم و پارسا و پیغمبری از شایستگان باشد!

زکریا عرض کرد:

- پروردگارا!

(۲۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

چگونه مرا پسری تواند باشد،

در حالتی که مرا سن پیری فرا رسیده و عیالم نیز عجوزی نازاست؟

گفت:

- چنین است کار خدا، هر چه بخواهد می کند!

عرض کرد:

- پروردگارا! مرا نشانه‌ای مرحمت فرما!

گفت:

- نشانه‌توآن است که تاسه روز باکسی سخن گفتن‌نتوانی و جز بارمزچیزی نگوئی، پیوسته به یاد خدا باش،

و او را در صبح گاه و شام گاهان تسبیح گوی!»

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۲۷)

سؤال زکریا از خدا در این آیات سؤال تعجب است، برای فهمیدن حقیقت مطلب، نه این که سؤال استبعاد باشد، زیرا از طرفی تصریح به بشارت او - و این که خدا دعایش را اجابت فرموده و به زودی فرزندی به او عطا می‌شود - و از طرف دیگر خود این جهات که منشأ تعجب و پرسش اوست در ضمن دعا و درخواستش بوده است.

قسمتی از این صحنه را در سوره مریم چنین می‌خوانیم:

«خدایا!من‌استخوانم سست شده،

سرم از پیری سفید گردیده،

و در دعا و خواندنت خدایا تیره‌بخت نبوده‌ام،

من بعد از خویش از وارثان می‌ترسم،

و زنم نازاست،

(۲۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مرا از نزد خویش فرزندی ببخشای!»

به نظر می‌رسد که جهت ذکر نمودن پیری خود و نازا بودن عیالش در این مقام روی جریان دیگری می‌باشد.

توضیح این که: زکریا چون کرامت الهی را در حق مریم مشاهده کرد، و متذکر انقطاع نسل خود هم گردید، حالش منقلب شد و بدون درنگ از خدای متعال درخواست چنان ذریه‌ای کرد.

از طرف دیگر هم در دعا و خواستنش چیزهائی را که بیشتر موجب تأثرش می‌شد، یعنی رسیدنش به سن پیری و نازا بودن عیالش را از باب غمگین بودنش ذکر کرد. چون خدای متعال دعای او را مستجاب نمود و به او بشارت فرزند را داد، گوئی از آن حال

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۲۹)

انقلاب به خویش آمد و از آن بشارت - با در نظر گرفتن پیری خود و نازائی عیالش - اظهار تعجب نمود، چون چیزی که در سابق وسیله یأس و حزن او شده بود اکنون وسیله تعجب توأم با مسرت برایش می‌شود!

علاوه بر این می‌توان گفت: این که پس از بشارت ،جهات نقص مطلب را متذکر می‌شود، و کیفیت رفع آن موانع را یک یک استعلام می‌کند برای لذتی است که از فهمیدن خصوصیات افاضه آن نعمت می‌برد. آری ! هنگامی که

"سید "به بنده خود اقبال کرد، و بنده از آن اقبال قرب و انس مولی را درک نمود، چهره‌اش باز می‌شود و یک نحو خوشحالی او را فرا می‌گیرد که مایل است از هر حدیثی لذتی ببرد، و از هر بابی تمتعی بگیرد!

جمله «وَ قَدْ بَلَغَنِیَ الْکِبَرُ» (۴۰ / آل عمران) کنایه از نداشتن شهوت نکاح به واسطه

(۳۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

شیخوخت و پیری‌است. از این جمله مراعات ادب شده و زکریا علیه‌السلام نداشتن شهوت نکاح در خودش را در حضور الهی در لباس کنایه عرضه داشته است.

آن‌چه از ظاهر آیه «وَ کانَتِ امْرَأَتی عاقِرا» (۵ / مریم) فهمیده می‌شود، آن است که در عیالش پیری و نازائی هر دو بوده است، زیرا اگر تنها نازائی بود نه پیری، باید می‌گفت: زنم نازاست، و نمی‌گفت: زنم نازای بود.

«قالَ کَذلِکَ اللّهُ یَفْعَلُ ما یَشاءُ!» (۴۰ / آل عمران)

پاسخش داده شد، که -چنین است کار خدا، هر چه بخواهد می‌کند!

از ظاهر آیه استفاده می‌شود که این مطلب به واسطه" ملک "گفته شده است. زکریا صوت گوینده را از همان جا شنید که بار اول شنیده بود.

گوینده تصریح کرد آن‌چه به تو بشارت دادم از موهبت‌هائی است

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۳۱)

که حتما واقع می‌شود. در آن اشاره شده که موضوع مورد نظر از قضایای محتوم است که بدون شک واقع خواهد شد.

«زکریا عرض کرد:

- خدایا، برای من آیت و نشانه‌ای مرحمت فرما! فرمود:

- نشانه تو آن است که تا سه روز با کسی سخن گفتن نتوانی الّا به رمز و اشاره...! »

پیش آمدن این آیه و نشانه، یعنی قدرت نداشتن زکریا به سخن گفتن تا سه روز، از وجوه تشابهی است که ولادت یحیی با عیسی دارد، زیرا در داستان عیسی هم ذکر شده که عیسی به مادرش گفت:

«اگر از جنس بشر کسی را دیدی بگو من برای خدا نذر سکوت کرده‌ام،

و با کسی امروز تکلم نمی‌کنم!»

(۳۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا در ابتداء اطمینان پیدا کرد که نداء بشارت یک نداء رحمانی است، سپس کیفیت ولادت بچه را با همان جریان تعجب‌آمیز سؤال نمود و به او هم جوابی اطمینان بخش دادند. در مرتبه آخر آیه و علامتی خواست تا از مرتبه اطمینان به" یقین "برسد و به رحمانی بودن" نداء "قطع حاصل نماید.

در سوره مریم کیفیت این نداء روشن‌تر بیان گردیده است، آن جا که می‌فرماید:

«اِذْ نادی رَبَّهُ نِداءً خَفِیّا ـ آن دم که زکریا خدایش را ندا داد، ندای پنهانی!» (۳ / مریم) در این جا بر تکلم زکریا" نداء" اطلاق شده، به عنایت آن فروتنی و خواری که زکریا در پیشگاه عظمت و جلال حضرتش به خود گرفته و سپس ندایش به خفا و پنهانی توصیف شده است، و از آن فهمیده می‌شود که زکریا" ملکی "را که واسطه بشارت بوده، ندیده است، بلکه تنها صوتی را شنیده که هاتفی به آن سخن می‌گوید،

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۳۳)

لـذا درخـواست آیـه و عـلامـت را نمـود. (۱)

زکریا علیه‌السلام و تولد یحیی نبی

«ذِكْـرُ رَحْـمَتِ رَبِّـكَ عَبْـدَهُ زَكَـرِيّـا....» (۲ / مریم)

سوره مریم در قرآن مجیـد با ذکر رحمت پروردگار بر بنده خود زکریا آغاز می‌گردد، و قسـمتی از تاریخ زندگی این پیامبر خدا را زمانی که درخواست فرزند از خدا

۱- المیـــزان، ج ۵، ص ۳۱۴ .

(۳۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

می‌کرد، بیـان می‌کنـد، و آن‌گاه به شرح تولـد یحیی می‌پردازد:

«...آن دم کـه پـروردگارش را نـدا داد، نـدائی نهـانـی،

گفت: پروردگارا!

من از پیری استخوانم سست و سرم سفیـد شـده است،

و در خـوانـدن تـو ای پـروردگـار بی بهـره نبـــوده‌ام،

مـــن از بعـــد خــویــش از وارثــانـــم بیـــم دارم،

و زنـم نــازاست،

مـــــرا از نـــزد خـــــود فـــرزنـــدی عـطـا کـــن!

تا از من و از خـانـدان یعقـوب ارث بـرد،

زکریا علیه‌السلام و تولد یحیی نبی (۳۵)

و او را، پـروردگـارا، پسنــدیــده گــردان!»

زکــریـا ســابقـه استجـابت دعـاهـای خـود را پیـــش مـی‌کشـد و مـی‌گـــویـد:

- پروردگـارا، من هیـچ وقت در دعـای خود از ناحیه تو محروم و خائب نبوده‌ام، مرا به اجابت کردنت عادت داده‌ای، هر وقت تو را می‌خواندم قبول می‌نمودی، بدون این که مرا شقی و محروم سازی!

حضـرت زکریا می‌ترسیده از این که از دنیا برود و نسلی که از او ارث ببرند نداشته بـاشـد. همســر او عــلاوه بر این که تا آن روز کـه ایــن دعا را می‌کرده، فرزندی نیاوره بود، و از سن فرزنددار شدن نیــز گذشته بود.

مجموع زمینه چینی‌هائی که آن جناب برای دعای خودکرد،به دو فصل‌تقسیم شود:

(۳۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

اول، این که خدای عزوجل او را در طول زندگانی اش و تا امروزی که پیری سال‌خورده شده، به استجابت دعا عادت داده است. و این سّر در آیه زیبا و به یاد ماندنی «وَ لَمْ اَكُنْ بِدُعائِكَ شَقِيّا!» (۴ / مریم) نهفته است. در این آیه چنان بلاغتی است که ممکن نیست با هیچ مقیاسی اندازه‌گیری کرد!

دوم، ایـن کـه او از ورثـه بعـد از مـرگش می‌ترسد، چون همسرش عاقر و نازاست!

طـــــرز دعـــــای زکــریـــا علیه‌السلام

زکریا علیه‌السلام چنین دعا کرد:

«فَهَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّا...!»

طرز دعای زکریا علیه‌السلام (۳۷)

«مراار نزد خود فرزندی عطا کن! تا از من و از آل یعقوب ارث ببرد!» (۵ / مریم)

این همان دعائی است که برای ادای آن زمینه چینی کرد، و در آن موهبت الهیه‌ای را که درخواست کرد، مقید به قید «مِنْ لَدُنْکَ - از جانب خودت» کرد، چون از اسباب عادی مأیوس شده بود. او استعداد فرزنددار شدن را به خاطر پیری از دست داده بود و همسرش نیز ا ستعداد باردار شدن را نداشت، زیرا از جوانی عاقر بود چه رسد به امروز که پیر و سالخورده است.

او اگر از خدا ولیّی درخواست کرد بدین جهت بود که ولّی هر کس عبارت است از آن شخصی که متولی و عهده دار کار او باشد.

(۳۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام

خدای عزوجل در سوره آل عمران در ارتباط مریم با زکریا، که شوهر خواهر مریم بود، و سرپرستی مریم را نیز به عهده داشت، اشاره به مطالبی می‌فرماید که مبنای این دعای زکریاست:

«پروردگارش دختر او را قبول کرد، (اشاره به مریم دختر عمران است،) و او را به‌طرز نیکوئی نمو داد،

و زکریا سرپرست او شد،

هر وقت زکریا بر او در محرابش وارد می‌شد،

نزد او رزقی (خوردنی) می‌یافت ،و می‌پرسید:

ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام (۳۹)

- ای مریم، این از کجا برایت فراهم شده است؟

مریم می‌گفت:

- از نزد خداست،

خدا هر که را بخواهد بی‌حساب رزق می‌بخشد!

این جا بود که (امید زکریا به لطف خدا به جوشش در آمد،)

و پروردگار خود را ندا کرد:

- ای پروردگار من! مرا از نزد خودت ذریه پاکی عطا فرما!

که تو شنوای دعائی!»

کسی که در این دو آیه دقت کند جای شکی برایش باقی نمی‌ماند که تنها چیزی که

(۴۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا را به سوی دعایش تشویق کرد و آن دعای مشهور را نمود، همان کرامتی بود که از طرف خدا نسبت به مریم مشاهده کرد، و عبودیت و خلوصی بود که مریم نسبت به خدایش داشت!

زکریا از مشاهده این وضع لذت برد، و دوست داشت که ای کاش او هم فرزندی این چنین و دارای قرب و کرامتی این چنین می‌داشت، ولکن از سوی دیگر متوجه سالخوردگی و ناتوانی خود و پیری و نازائی همسرش، و وارثش که هیچ یک حال و وضع چون مریم را ندارند، افتاده و دچار وجد و عشقی سوزان گردید، وناگهان جرقه‌ای در دلش شعله

زد و به یاد این معنایش انداخت که خدای تعالی تا آن روز از زندگی‌اش وی را عادت داده بود به استجابت دعا و کفایت همه مهمات، لذا دست به دعا بلند کرد و با دلی سرشار از امید ذریه‌ای طیب

ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام (۴۱)

درخواست کرد!(۱)

شرح دعای زکریا علیه‌السلام

«قرآن مشتمل است بر داستان رحمتی که پروردگارت به عبد خود زکریا نمود، موقعی که پروردگار خود را به طور خفی ندا کرد و گفت:

- پروردگارا!

ضعف تا مغز استخوانم را سست کرده،

و سفیدی موی همه سرم را فرا گرفته،

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۱۲.

(۴۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و تاکنون سابقه ندارد که در دعاها و درخواست‌هایم از درگاه تو نومید و تهی دست برگشته باشم،

من به درستی که از بنی اعمام خود و سایر وراث دور می‌ترسم،

همسرم هم زنی نازاست،

پس از درگاه رحمت خود فرزندی ارزانیم بدار،

تا وارث من باشد،

و از من و از آل یعقوب ارث برد،

و او را ای پروردگار مرضیء و فرمانبر خود قرار ده!» (۶ / مریم)

تنها چیزی که آن جناب را وادار و ترغیب کرد تا چنین دعائی بکند و از

شرح دعای زکریا علیه‌السلام (۴۳)

پروردگار خود فرزندی بخواهد مشاهده وضع مریم دخترعمران و زهد و عبادت او بود،و همچنین ادب عبودیت و رزق غیبی آسمانی بود که خداوند سبحان به مریم کرامت کرده بود. «زکریا مریم را تحت تکفل گرفت، و هر وقت که بر محراب او وارد می‌شد نزد او رزقی می‌یافت ، می‌پرسید:

- ای مریم این غذا از کجا به تو رسیده است؟ می گفت:

- این از ناحیه خداست،

زیرا خداوند به هر که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد!

این جا بود که زکریا پروردگار خود را خوانده و گفت:

- پروردگارا! از ناحیه خود ذریه طیبه‌ای ارزانیم دار،

(۴۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

تو شنوای دعائی!» (۳۸ / آل عمران)

وقتی زکریا مژده استجابت دعایش را شنید از خود بی‌خود شد و از غرابت درخواستی که کرده بود و جوابی که شنیده بود

به حیرت فرو رفت تا حدی که به صورت استبعاد از این استجابت پرسش نمود و برای اطمینان خاطر درخواست نشانه و دلیلی بر آن نمود که آن هم به استجابت رسید.

ادبی که آن جناب در دعای خود به کار برده همان بیان حالی است که از اندوه درونی‌اش و حزنی که عنان را از کفش ربوده بود، کرده است. برای این که خود را در موقفی قرار دهد که هر بیننده دل‌سوزی بر او رقت کند مقدم بر دعا این جهت را ذکر کرد که حالش در راه عبادت به کجا انجامیده است، و چه‌طور تمامی عمر خود را در سلوک

شرح دعای زکریا علیه‌السلام (۴۵)

طریقه انابه و مسئلت سپری کرده است، آن‌گاه درخواست فرزند نمود، و آن را به این که پروردگارش شنوای دعاست موجه کرد!

غرضش از این مقدمه دعا این بود، نه این که خواسته باشد با عبادت‌های سالیان دراز خود بر خدا منت گذارد – حاشا از مقام نبوت او – لذا عرض کرد:

– پروردگارا تو شنوای دعای بندگانت هستی،

و پذیرای دعوت سائلین مضطر!

و اینک از ترس خویشاوندان بازمانده‌ام،

و هم‌چنین علاقه شدیدم به داشتن ذریه‌ای طیب،

که تو را بندگی کند،

مرا به چنین درخواستی واداشت! (۱)

(۴۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن

خدای تعالی زکریا علیه‌السلام را در کلام خود به صفت نبوت و وحی توصیف فرموده، و نیز در اول سوره مریم او را به عبودیت، و در سوره انعام در عداد انبیاء خود شمرده و از صالحین و مجتبین خوانده است، که عبارتند از مُخلَصون، و هم‌چنین او را از مهدیون دانسته است.

قرآن کریم از تاریخ زندگی آن حضرت غیر از دعای او در طلب فرزند و استجابت

۱– المیزان، ج ۱۲، ص ۱۵۸ .

داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن (۴۷)

دعای او و تولد فرزندش یحیی علیه‌السلام ، چیزی نیاورده است.

این قسمت از زندگی آن جناب را بعد از نقل سرگذشتش با مریم که چگونه عبادت می‌کند و چگونه خدا کرامت‌ها به او داده، نقل کرده است.

در این قسمت فرموده که زکریا متکفل امر مریم شد، و چون مریم پدرش عمران را از دست داده بود، و وقتی بزرگ شد از مردم کناره‌گیری کرد و در محرابی که در مسجد به خود اختصاص داده بود، مشغول عبادت شد، و تنها زکریا به او سر می‌زد، و هر وقت به محراب او می‌رفت می‌دید نزد او رزقی آماده است، و می‌پرسید: این غذا را چه کسی برایت آورده است؟ می گفت:

– این از ناحیه خدای تعالی است،

که خدای تعالی به هر که خواهد بدون حساب روزی می‌دهد!

(۴۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در این لحظه بود که طمع زکریا به رحمت خدای مهربان تحریک شد، و خدای خود را خواند، و از او فرزندی از همسرش درخواست کرد، و ذریه‌ای مسئلت نمود، با این که او خود مردی سال‌خورده، و همسرش زنی نازا بود، دعایش مستجاب شد، و در حالی که در محراب نماز ایستاده بود، ملائکه ندایش دادند:

- ای زکریا! خدای تعالی تو را به فرزندی که اسمش یحیی است بشارت می‌دهد!

زکریا برای این که قلبش اطمینان یابد و بفهمد این ندا از ناحیه خدا بوده و یا از جای دیگر پرسید: پروردگارا، آیتی به من ده که بفهمم این ندا از جانب تو بود!

خطاب آمد: آیت و نشانه تو این است که سه روز زبانت از تکلم با مردم می‌بندد، و سه روز جز با اشاره و رمز نمی‌توانی سخن گوئی! و همین‌طور هم شد، از محراب خود بیرون شد و نزد مردم آمد و به ایشان اشاره کرد که صبح و شام تسبیح خدا گوئید!

خدا همسر او را اصلاح نمود و یحیی رابزائید.

داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن (۴۹)

قرآن کریم درباره مآل کار و چگونگی درگذشت زکریا علیه‌السلام چیزی نفرموده است، ولی در اخبار بسیاری از طریق شیعه و سنی آمده که قومش او را به قتل رساندند، بدین صورت که وقتی تصمیم گرفتند او را بکشند، او فرار کرد و به درختی پناهنده شد، و درخت شکافته شد و او داخل درخت قرار گرفت، و درخت به حال اولش برگشت. شیطان ایشان را از نهانگاه وی خبر داد و گفت که باید درخت را اره کنید و ایشان هم همین کار را کردند و آن جناب را با اره دو نیم کردند و بدین وسیله از دنیا رفت.

در بعضی روایات آمده که سبب کشتن وی این بود که او را متهم کردند که (نعوذباللّه با حضرت مریم عمل منافی عفت انجام داده و از این راه مریم

(۵۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

به عیسی علیه‌السلام حامله شده است، و دلیلشان این بود که غیر از زکریا کسی به مریم سر نمی‌زد. جهات دیگری نیز روایت شده که از نقل آن صرف نظر می‌شود. (۱)

همزمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام

در کافی به سند خود از برید کناسی روایت کرده که گفت: من از امام جعفر الصادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا عیسی بن مریم در آن هنگامی که در گهواره بود با مردم سخن گفت حجت خدابرمردم زمان خودبود؟

فرمود: آن روز نبی و حجت خدا بود، ولی هنوز مرسل نبود، مگر کلام

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۴۳ .

همزمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام (۵۱)

خود او رانشنیده‌ای که می‌گوید:

«من بنده خدایم، به من کتاب داده و نبی‌ام کرده، و مبارکم گردانیده،

هر جا که باشم، و به نماز و زکات، مادام که زنده باشم، سفارشم فرموده است.»

عرض کردم: بنابراین، در همان کودکی و در آن حال، حجت خدا بر زکریا نیز بوده است ؟

فرمود: عیسی در آن حال آیت خدا و رحمتی از او بر مریم بود، آن‌گاه که سخن گفت و از مریم دفاع کرد، و نسبت به هر کس که

کلام او را می‌شنید نبی و حجت بود. البته تا سخن می گفت حجت بود، و بعد از سکوت او تا مدت دو سال که زبان باز کرد زکریا علیه‌السلام حجت بر مردم بود.

بعد از درگذشت زکریا، فرزندش یحیی کتاب و حکمت را از او به ارث برد، در حالی

(۵۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

که او نیز کودکی صغیر بود. مگر نشنیده‌ای کلام خدای تعالی را که می‌فرماید: «یا یَحْیی خُذِ الْکِتابَ بِقُوَّةٍ وَ ءَاتَیْناهُ الْحُکْمَ صَبِیّا!» (۱۲ / مریم)

و بعد از آن که به هفت سالگی رسید به نبوت و رسالت سخن گفت، چون در آن هنگام خداوند بر وی وحی فرستاد، و بنابراین عیسی علیه‌السلام حتی بر یحیی هم حجت بود، و در حقیقت بر همه مردم حجت بود.

- ای اباخالد!

از آغاز خلقت که خدا آدم را در روی زمین جای داد،

زمین حتی یک‌روز هم از حجت خدا بر مردم خالی نبود...!(۱)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۷۸ .

همزمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام (۵۳)

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل

انجیل لوقا در اصحاح اول می گوید: - در ایام سلطنت هرودوس پادشاه یهودیان کاهنی بود به نام زکریا، و از فرقه ابیاء و همسر او زنی بود از دختران هارون به نام الیصابات. این زن و شوهر هر دو نسبت به خدای تعالی فرمانبر و هر دو اهل عبادت و عمل به سفارشات رب و احکام او بودند، الیصابات زنی نازا بود، علاوه بر این عمری طولانی پشت سر گذاشته بودند.

روزی که سرگرم کهانت برای فرقه خود بود بر حسب عادت کاهنان قرعه به نامش اصابت کرد که آن روز بخوردادن هیکل رب (کلیسا) را عهده بگیرد. رسم مردم این بود که در موقع بخوردادن تمامی نمازگزاران از هیکل بیرون می‌آمدند.

(۵۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

وقتی زکریا داخل هیکل شد، فرشته پروردگار در حالی که طرف دست راست قربانگاه بخور ایستاده بود، برایش ظاهر شد. زکریا از دیدن او وحشت کرد و مضطرب شد. فرشته گفت: ای زکریا مترس که من خواهش تو و همسرت الیصابات را شنیدم، به زودی فرزندی برایت می‌آورد و باید او را" یوحنا "بنامی و از ولادت او فرحی و مسرتی به تو دست می‌دهد، و بسیاری از ولادت او خوشحال می‌شوند، زیرا او در برابر پروردگار مردی عظیم خواهد بود، نه خمری می‌نوشد، و نه مسکری، و از همان شکم مادر، با روح القدس به دنیا می‌آید، و بسیاری از بنی‌اسرائیل را به درگاه رب معبودشان برمی گرداند، و پیشاپیش او روح" ایلیا "و نیروی او در حرکت است، تا دل‌های پدران را به فرزندان، و عاصیان را به فکرت ابرار و نیکان برگرداند، تا حزبی مستعد و قوی برای رب فراهم شود.

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۵۵)

زکریا به فرشته گفت:

- چگونه اطمینان پیداکنم؟ چون من مردی سالخورده و همسرم زنی نازا و پیر است. فرشته پاسخش داد:

- من جبرئیلم که همواره در برابر خدا گوش به فرمانم، خدا مرا فرستاده تا با تو گفتگو کنم و تو را بدین مژده نوید دهم، و تو از همین الان لال می‌شوی و تا روزی که این فرزند متولد شود نمی‌توانی با کسی سخن گوئی، و این شکنجه به‌خاطر

این است که تو کلام مرا که به زودی صورت می‌بندد تصدیق ننمودی!

مردم بیرون هیکل منتظر آمدن زکریا بودند و از دیر کردنش تعجب می کردند، و وقتی بیرون آمد، دیدند که نمی‌تواند حرف بزند، فهمیدند که در هیکل خوابش برده و خوابی دیده است. زکریا با اشاره با ایشان حرف می‌زد و همچنین ساکت بود.

(۵۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

پس از آن که ایام خدمتش در هیکل تمام شد و به خانه‌اش رفت، چیزی نگذشت که همسرش الیصابات حامله شد، و مدت پنج ماه خود را پنهان می‌کرد و با خود می‌گفت: پروردگار من این طور با من رفتار کرد، و در ایامی که نظری به من داشت مرا از عار و ننگ که در مردم داشتم نجات داد.

انجیل سپس می گوید:

مدت حمل الیصابات تمام شد و پسری آورد. همسایگان و خویشان وقتی شنیدند که خدا رحمتش را نسبت به او فراوان کرده با او در مسرت شرکت کردند، و در همان روز دلاک آوردند تا او را ختنه کنند، و او را به اسم پدرش زکریا نامیدند، ولی مادرش قبول نکرد و گفت: نه ،باید" یوحنا "نامیده شود. گفتند: در میان قبیله و عشیره تو چنین نامی نیست. لذا از پدرش زکریا پرسیدند که میل دارد چه اسمی بر او بگذارد؟ اوکه تا آن

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۵۷)

روز قادر به حرف زدن نبود لوحی خواست تا در آن بنویسد. لوح را آوردند و در آن نوشت":یوحنا!"همه‌تعجب کردندو درهمان حال زبان زکریابازشد و خدای را شکر گفت: همسایگان همه و همه دچار دهشت و ترس شدند، و همه عجایبی را که دیده بودند به یکدیگر می گفتند تا در تمامی کوه‌های یهودی نشین پر شد، و همه در دل می‌گفتند تا عاقبت این بچه چه باشد! و قطعا دست پروردگار با اوست، چون زکریا هم پر از روح القدس بود و ادعای نبوت می کرد....

و باز در انجیل لوقا اصحاح سوم آمده که در سال پانزدهم از سلطنت طیبریوس قیصر که بیلاطس نبطی والی بر یهودیان، و هیرودس رئیس بر ربع حلیل، و فیلپس برادرش رئیس بر ربع ایطوریه و کورهٔ تراخوتینیس، و لیسانیوس رئیس بر ربع ابلیه بودند و در ایام ریاست حنان و قیافا بر کاهنان کلمه خدا بر یوحنا فرزند

(۵۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا در صحرا صورت گرفت.

و به همین مناسبت فرمانی به تمامی شهرهای پیرامون اردن رسید که مردم معمودیه توبه و مغفرت گناهان را انجام دهند، و این قصه در سفر اقوال اشعیاء پیغمبر نیز آمده که (آوازی از صحرا برآمد که آماده راه خدا باشید، و راه او را هموار سازید، و بدانید که همه بیابان‌ها پر می‌شود و همه کوه‌ها و تل‌ها به فرمان در می‌آید، و همه‌کجی‌ها راست می‌شود، و همه دره‌ها را ه هموار می گردد، و بشر خلاصی خدای را به چشم می‌بیند....)

در همان موقعی که مردم منتظر و همه در دل‌هایشان درباره یوحنا فکر می کردند که نکند او همان مسیح باشد، یوحنا به همه چنین جواب گفت:

- من شما را به آب تعمید می‌دهم، ولکن بعد از من کسی نزد شما می‌آید که از من

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۵۹)

قوی‌تر است، کسی است که من خود را قابل آن نمی‌دانم که بند کفشش را باز کنم.

- او به زودی شما را به روح القدس و آتش غسل خواهد داد که طبقش در دست اوست، و به زودی خرمن خود را پاکیزه کرده و گندم‌ها را در انبار خود جمع کنید و کاه را به آتشی که هرگز خاموش نشود و به چیزهای دیگر آتش می‌زند. او همین طور مردم

راموعظه می‌کرد و بشارت می‌داد.

و اما هیرودس رئیس ربع به خاطر این که آبرویش در میان مردم در مسئله هیرودیا همسر برادر فیلپس و نیز به خاطر شرارت هائی که داشت، به مخاطره افتاده بود، یک خطائی بزرگ‌تر از همه مرتکب شد و آن این بود که یوحنا را به زندان افکند.

در انجیل مرقس اصحاح ششم آمده که هیرودس خودش به دست خود یوحنا را به زندان می‌برد و بند بر او می‌نهاد و این کار را به خاطر هیرودیا همسر

(۶۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

برادرش فیلپس می‌کرد. چون خودش با او ازدواج کرده بود، و یوحنا با این عمل وی مخالفت می‌کرد که ازدواج تو با همسر برادرت حلال نیست. از همین روی هیرودیا کینه او را در دل داشت ومی خواست او را بکشد و نمی‌توانست. چون هیرودس از یوحنا حساب می‌برد و می‌دانست که او مردی نیکوکار و مقدس است و همواره او را محافظت می‌کرد، و کلامش را شنیده و اعمال بسیاری به جا می‌آورد و سخنش را به خوشی می‌شنید، تا آن که روزی چنین اتفاق افتاد که هیرودس برای جشن میلادش شامی تهیه کرده و بزرگان مملکت و افسران ارتش و هزاره‌های لشکر را دعوت کرده بود. موقعی که همه جمع شده بودند دختر هیرودیا وارد شده ودر مجلس رقصی کرد که هیردوس و کرسی نشینان او همه خوشحال شدند، شاه به او گفت: هر چه می‌خواهی بخواه تا به تو بدهم، و سوگند یاد کرد که هر چه از من بخواهی می‌دهم هرچند نصف مملکتم باشد!

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۶۱)

دختر بیرون آمد و به مادرش گفت چه بخواهم؟ گفت: سر بریده یوحنا معمدان را بخواه! دختر در همان لحظه نزد شاه شد و سر بریده یوحنا معمدان را خواست و شاه در اندوه شد ولی زود جلادی را فرستاد تا سر از بدن جدا شده یوحنا را بیاورد .او رفت و در زندان سر یوحنا را از بدن جدا کرد و در طبقی گذاشت و آورد نزد دختره و او هم آن را به مادرش داد. شاگردان یوحنا این بشنیدند و آمدند و بدن بی سر او را برداشته و دفن کردند.

این بود آن‌چه که در انجیل آمده است و البته در انجیل‌ها اخبار دیگری نیز راجع به یحیی علیه‌السلام هست که از نقل آن خودداری می‌شود، و خواننده متدبر خود می‌تواند این نقل‌ها را با آن‌چه قبلاً ما گفتیم تطبیق کند و موارد اختلاف

(۶۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

را به دست آورد.(۱)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۴۵ .

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۶۳)

(۶۴)

فصل دوم :حضرت یحیی علیه‌السلام(معجزه‌ای مقدمه تولد عیسی علیه‌السلام)

خلاصه تاریخ زندگی یحیی علیه‌السلام در قرآن

تاریخ حضرت یحیی در قرآن از لحاظ شخصی و شخصیتی او، همراه با شرح مختصری از زندگی و نحوه‌تولدش بیان گردیده است.

(۶۵)

خدای عزوجل یحیی علیه‌السلام را در چند جای قرآن کریم یاد فرموده و او را به ثنای جمیلی ستوده‌است، از آن جمله او را «تصدیق‌کننده کلمه‌ای از خدا» (نبوت مسیح علیه‌السلام) خوانده، و او را «سَیِّد» و «مایه آبروی قوم» و «حَصُور» (بدون همسر) معرفی

کرده و همچنین او را «پیغمبری از صالحین» ذکر فرموده است.

در جای دیگر قرآن، یحیی علیه‌السلام را از «مُخبتین»یعنی مُخلَصین و راه یافتگان خوانده و نام او را خودش انتخاب کرده و او را «یحیی» نامیده است، که قبل از وی هیچ کس بدین نام مسمی نشده بود، و او را مأمور به «اخذ کتاب به قوت» کرده، و در کودکی به او «حکم» داده است.

خداوند متعال بر یحیی علیه‌السلام در سه روز از زندگی‌اش سلام فرستاده:

روزی که متولد شد،

(۶۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

روزی که از دنیا می‌رود،

و روزی که دوباره زنده می‌شود !

قرآن مجید به طور کلی دودمان زکریا علیه‌السلام را مدح کرده و فرموده: «آن‌ها افرادی بودند که در خیرات پیش دستی می‌کردند و ما را به رغبت و از رهبت و خشوع می‌خواندند... .» (مقصود از آن‌ها - یحیی و پدر و مادر اوست.)

شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات

یحیی علیه‌السلام به طور معجزه آسا و خارق العاده برای پدر و مادرش متولد شد. چون پدرش پیری فرتوت و مادرش زنی نازا بود، و هر دو از فرزنددار شدن مأیوس

شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات (۶۷)

بودند. در چنین حالی خدای تعالی یحیی را به ایشان ارزانی داشت، و یحیی از همان کودکی مشغول عبادت شد، خدای تعالی از کودکی او را حکمت داده بود. او تمام عمر خود را به زهد و انقطاع گذرانید، و هرگز با زنان آمیزش نکرد و هیچ یک از لذاید دنیا او را از خدا به خود مشغول نساخت.

یحیی علیه‌السلام معاصر حضرت عیسی بن مریم علیهاالسلام بود، و نبوت او را تصدیق کرد. او در میان قوم خود سید و شریف بود، به طوری که دل‌ها همه به او توجه نمود و به سویش میل می‌کرد. مردم پیرامون او جمع می‌شدند، و او ایشان را موعظه می‌کرد، و به توبه از گناهان دعوت می‌نمود، و به تقوی دستور می‌داد تا روزی که کشته شد.

در قرآن کریم درباره کشته شدن یحیی چیزی نیامده است، ولی در اخبار آمده که سبب شهادت او این بود که زنی زناکار در عهد او می‌زیست و پادشاه بنی‌اسرائیل

(۶۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مفتون او شد و با او مراوده کرد و یحیی علیه‌السلام وی را از این کار نهی نمود و ملامتش کرد، و چون او در قلب شاه عظیم و محترم بود، لذا پادشاه ناگزیر از اطاعتش بود.

این معنا باعث شد که زن زانیه نسبت به آن جناب کینه توزی کند، و از آن به بعد به پادشاه اعتنا نمی‌کرد مگر بعد از آن که سر یحیی را از بدنش جدا نموده و برایش هدیه بفرستد.. پادشاه نیز چنین کرد و آن جناب را به قتل رسانید و سر مقدسش را برای زن هدیه فرستاد.

در بعض دیگر اخبار آمده که سبب قتل او این بود که پادشاه عاشق برادرزاده خود شد و می‌خواست که با او ازدواج کند یحیی علیه‌السلام او را نهی می‌کرد و مخالفت می‌نمود، تا آن که وقتی همسر برادرش دختر را آن چنان آرایش کرد که تمام قلب شاه را

مسخر کند

شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات (۶۹)

و با چنین وضعی دخترش را نزد پادشاه فرستاد. زن به او گفته بود که چون شاه خواست از تو کام بگیرد مخالفت کن و بگو شرطش این است که سر یحیی را برایم حاضر کنی. او نیز بی‌درنگ سر یحیی را از بدن جدا نمود و در طشتی طلا گذاشت و برای دختر برادر حاضر ساخت.

در روایات احادیث بسیاری درباره زهد و عبادت و گریه یحیی علیه‌السلام از ترس خدا، و هم‌چنین در مواعظ و حکمت‌های او وارد شده است. (۱)

یحیی پیامبر و اعجاز زندگی او

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۴۳ .

(۷۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«یا زَکَرِیّا اِنّا نُبَشِّرُکَ بِغُلامٍ اسْمُهُ یَحْیی....»

«ای زکریا! ما تو را مژده پسری می‌دهیم که نامش یحیی است، و از پیش همنامی برای وی قرار نداده‌ایم!» (۷ / مریم)

خداوند دعای زکریا را مستجاب کرد و او را ندا داد که ای زکریا....

این زمانی بود که زکریا از داشتن فرزند ناامید واز نازائی و پیری زنش آگاه بود، ولی با دیدن کیفیت اداره زندگی مریم به دست خدا و کرامات او دلش به وجد آمد و برای خود نیز پسری از خدا درخواست کرد و خداوند پاسخش را با مژده تولد یحیی و شرح شخصیت و اعجاز زندگی او داد.

آیه مورد بحث دلالت دارد که خدای تعالی خودش فرزند زکریا را به نام یحیی نام

یحیی پیامبر و اعجاز زندگی او (۷۱)

نهاد و فرمود: «اسمش یحیی است و ما قبل از او احدی را بدین نام ننامیده‌ایم، و کسی در این نام شریک او نیست.»

اوصافی که خداوند سبحان در کلام خود برای یحیی شمرده اوصافی است که در هیچ پیغمبری قبل‌از او نظیرش نیست، مثل: دارا شدن حکم در کودکی و سیادت، ترک ازدواج، (سَیِّدا وَ حَصُورا.) سلام‌کردن خدا بر او در روز ولادت و روز مرگ و روز قیامت! حضرت مسیح علیه‌السلام پسر خاله حضرت یحیی بود و او هر چند در این اوصاف با او شریک است لکن او بعد از یحیی متولد شده است، پس تا روز بشارت به ولادت یحیی هیچ پیغمبری در این اوصاف نظیر او نبوده است.

اعجاز تولد در غیر موقع

(۷۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا با شنیدن مژده الهی مبنی بر تولد یحیی علیه‌السلام با تعجبی که ناشی از خاصیت بشر است، عرض کرد:

- پروردگارا! کجادیگر توانم پسری داشته‌باشم،

با این که همسرم نازاست و خودم از پیری به فرتوتی رسیده‌ام؟

با این که زکریا از همان اول یقین داشت که این بشارت راست است، شروع کرد به پرسش از خصوصیات آن تا بدین وسیله آن اضطراب درونی را ساکن و آرام سازد.

پـــاسـخ شنیـــــــد:
- پروردگـار تـو چنیـن اسـت، و در ایـن بشارت هیچ شکی نیست!
همـو فـرمـوده کـه ایـن بـر مـن آسـان است،
اعجاز تولد در غیر موقع (۷۳)
از پیش نیز تو را که چیزی نبودی خلق کرده‌ام!

نشانه‌ای که زکریا از خدا خواست؟

زکریا درخواست نشانه‌ای کرد تا حق را از باطل تمیز دهد و بفهد که ندائی که شـنیده وحی ملائکه، بوده نه القائات شـیطانی، و لـذا در جـواب بـه او گفتـه شد:
- نشانه الهی بودن آن که شیطان در آن راهی ندارد، این است که:
سه روز زبانت جز به ذکرخدا به چیز دیگر بازنشود!
چـــون انبیــاء معصــوم بــه عصمــت الهــی هستنــــد، دیگـــر شیـطان نمــی‌تـــوانـــــد در نفـــــوس آنــــان تصــرفـی بکنـــد.
(۷۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
این که گفت: «خـدایا برایم نشـانه‌ای قرار بـده!» درخواست نشـانه‌ای است برای تمیز و جمله «نشـانه تو این است که سه روز تمـام با مردم حرف نزنی!» اجـابت آن درخـواست است، که سه روز هر چه جز ذکر خـدا بخواهـد بگـویـد زبـانش بـه کـار نیفتـد، در عیـن ایـن کـه زبـانش سـالـم اسـت و بـه مـرضـی مبتـــلا نشـده است.
مـراد به حـرف نـزدن ایـن است که نتواند حرف بزند.
زکریـا در ایـن سـه شبانه روز سـرگرم عبـــادت و ذکـر خـــدا بـود ولی نمی‌توانست بـا مـــردم حـرف بـزنـــد مگـــر بـا رمـــز و اشــــاره.
«پس از عبادتگاه نزد قوم خود شد،
و با اشاره بـه آنان دستـور داد که -
صبـح و شام خدا را تسبیح بگوئید!»
نشانه‌ای که زکریا از خدا خواست؟ (۷۵)

دستور الهی اخذ کتاب

«بعـد از آن کـه یحیـی را بـه زکـریـا دادیـم بـه وی گفتیـم:
- ای یحیی! کتاب را در دو ناحیه علم و عمل محکم بگیر!»
منظور از «اخـذ کتـاب به قوت» تحقق دادن به معـارف آن و عمـل به دسـتورات و احکـام آن است، بـا عنـایت و اهتمـام! و مـراد بـه کتـاب، تـورات اسـت و یـا تـورات و سـایـر کتـب انبیـاء زیـرا کتابی کـه در آن روز مشتمل بر شریعت بوده همان تورات بوده است.

علـــــم یحیـــی در ســن کـــــــودکی

(۷۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
خــداونـد تعـالی می‌فــرمــایـد:

«وَ ءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا،وَ حَنانا مِنْ لَدُنّا وَ زَكوةً»

«ما بـه یحیـی علـم بـه معارف حقیقی دادیـم،

در حـالی که او کـودکـی نـابـالغ بـود.

خـدا بـه او لطـف و عنـایـت دارد، و امور او را خـودش اصـلاح می‌کنـد، و به شأن او عنایت می‌ورزد،

و او هـم در زیر سایه عنـایت خـدا رشـد می‌کند،

او نسبـت به خـدا عشـق می‌ورزد، و مجذوب پروردگار خـویش اسـت!» (۱۲ و ۱۳ / مـریـم)

علم یحیی در سن کودکی (۷۷)

بر همین اساس جذبه و عشق رشد و نمو می‌کنـد، و این نمـو، نمو روح اسـت. می‌بینیـم خداونـد متعال کلمـه «حَنـان» را مقیـد بـه «" مِنْ لَدُنّا» کـرده اسـت، بـا در نظـر گـرفتن این کـه این کلمـه به کـار نمـی‌رود جز در مـواردی کـه اسبـاب طـبیعی و عـادی مؤثـر نیست و یـا در نظـر گـرفتـه نشـده است، لـذا مـراد از «حَنان» یـک نـوع عطـف الهـی و انجـذاب مخصـوصـی است بیـن یحیـی و پـروردگـارش، کـه در غیر او سـابقـه و مـاننـد نـدارد!

تقوی یحیی و صفات عالیه او

خداوند متعال در ادامه توصیف یحیی علیه‌السلام می‌فرماید:

(۷۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«وَ کـانَ تَقِيّـا وَ بَـرّا بِـولِـدَيْـهِ وَ لَـمْ يَكُـنْ جَـبّـارا عَصِـيّـا!» (۱۳ و ۱۴ / مریـم) ایـن سـه عبـارت بیـان کلیـات احـوال یحیـی علیه‌السلام است نسبت بـه خـالق و مخلوق:

- عبـارت «وَ کـانَ تَقِيّـا» حـال او را نسبت بـه پـروردگـارش بیـان می‌کنـد،

- عبـارت «بَـرّا بِـولِـدَيْـهِ» وضـع او را نسبت به پدر و مادرش حکایت می‌کند،

- و عبارت «وَ لَمْ يَكُنْ جَبّارا عَصِيّا» رفتار او را نسبت به سـایر مـردم شرح می‌دهد.

حاصل معنای جمله این است که آن جناب رؤف و رحیم به مردم، و خیرخواه و متواضع نسبت به آن‌ها بوده است. او ضعفای آن‌ها را یاری می‌کرده و آن هائی را که آمـادگی هـدایت و رشـد داشته‌اند، هدایت می‌نموده است.

سلام خدا بر یحیی علیه‌السلام

سلام خدا بر یحیی علیه‌السلام (۷۹)

خـدای سبحـان برای یحیی علیه‌السلام چنین سلام می‌کند:

«سـلام بـر او روزی کـه تـولد یافت،

و روزی کـه مـرد،

و روزی که زنده برانگیخته می‌شود!»

در این سه روز، خداوند سبحان سلامی فخیم و عظیم بر او می‌فرستد، در این ایام که هر کدامش ابتداء یکی از عوالم است، و آدمی در آن زنـدگی می‌کنـد، از هر مکروهی قرین سـلامت باشـد، روزی که متولـد می‌شود به هیـچ مکروهی که بـا سـعادت زنـدگی او ناسازگار باشد دچار نگردد، و روزی که می‌میرد و زندگی برزخی‌اش را شروع می‌کند قرین سلامت باشد، و روزی که دوباره زنده می‌شود و به حقیقت حیات می‌رسد،

(۸۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سلامت باشد، و دچار تعب و خستگی نگردد!

اختلاف تعبیر قرآن مجید در بیان «وُلِدَ، یَمُوتُ و یُبْعَثُ» که اولی را در صیغه ماضی و دومی و سومی را به صیغه آینده آورده برای این بوده که بفهماند این سلام را خداوند در حال حیات دنیوی یحیی به او فرستاده است نه این که در عصر رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله و زمان نزول قرآن. (۱)

جزئیات تولد یحیی در قرآن

«هُنالِکَ دَعا زَکَرِیّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً....»

(۳۸ / آل عمران)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۲۵ .

جزئیات تولد یحیی در قرآن (۸۱)

یکی از معجزات در تاریخ ادیان، تولد یحیی علیه‌السلام و مشابهت همه جانبه تولد و نام‌گذاری و زندگی او نسبت به عیسی علیه‌السلام است.

ظاهرا تولد یحیی علیه‌السلام قبل از تولد عیسی علیه‌السلام بوده و این پیامبر الهی در خانواده زکریا علیه‌السلام پیامبر گرامی خدا، در سن پیری و فرتوتی او به دنیا می‌آید، در حالی که تا آن زمان مادر او به سن پیری رسیده بود و در عین حال نیز زنی عاقر و نازا بوده است.

یحیی از زمره اتباع و پیروان «عیسی بن مریم» و از اوصیاء و جانشینان آن حضرت بوده است.

به نظر می‌رسد معجزات تولد یحیی علیه‌السلام و شخصیت و کیفیت رشد او زمینه ساز تولد اعجاب‌انگیزعیسی علیه‌السلام بوده‌استو مشاهده‌معجزاتی‌مشابه‌اعجازتولدعیسی علیه‌السلام

(۸۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ذهن مردم زمان آن حضرت را آماده قبول تولد اعجازآمیز عیسی علیه‌السلام نموده است.

آیات قرآنی در سوره فوق تولد یحیی علیه‌السلام را چنین توصیف می‌کند:

«زکریا مریم را کفالت می‌کرد،

او هر وقت وارد محراب عبادت مریم می‌شد،

در نزد او رزق شگفت‌انگیزی می‌یافت،

گفت: ـ ای مریم! این روزی از کجا به تو رسیده است؟

پاسخ داد: ـ از جانب خداست، که خدا به هر که خواهد روزی بی‌حساب دهد!»

در آن هنگام که زکریا کرامت مریم را مشاهده کرد، گفت:

«پروردگارا! مرا به لطف خود ذریه‌ای طیبه عطا فرما!

همانا توئی مستجاب کننده دعا!»

جزئیات تولد یحیی در قرآن (۸۳)

پس زکریا را هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ملائکه ندا دادند:

«همانا خداوند تو را به ولادت یحیی بشارت می‌دهد!

تا او کلمه خدا نبوت عیسی علیه‌السلام را تصدیق کننده باشد،
و همو پیشوای مردم، پارسا، و پیغمبری از شایستگان باشد!»
زکریا عرض کرد:
«پروردگارا! چگونه مرا پسری تواند شد در حالتی که مرا سن پیری فرا رسیده و عیالم نیز عجوزی نازاست؟
گفت: - چنین است کار خدا! هر چه بخواهد می‌کند!
عرض کرد: ـ پروردگارا! مرا نشانه‌ای مرحمت فرما!
(۸۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
گفت: ـ نشانه تو آن است که تا سه روز با کسی سخن گفتن نتوانی، و جز با رمز چیزی نگوئی، و پیوسته به یاد خدا باش، و او را صبح‌وشام تسبیح گوی!»

ارتباط زندگی مریم با تولد یحیی علیه‌السلام

سبب اصلی دعای زکریا و گفتن «پروردگارا از جانب خودت ذریه‌ای طیبه به من عطا فرما!» دیدن کرامت و عظمت «مریم» در نزد خدای تعالی بود.
«طیب بودن ذریه» اش در آن است که برای فرزند او هم همان مقامات و کراماتی که برای مریم مشاهده می‌کرد، باشد، لذا خداوند متعال هم به او «یحیی» را داد، که شبیه‌ترین انبیاء بود نسبت به عیسی علیه‌السلام و از هر جهت در صفات
ارتباط زندگی مریم با تولد یحیی علیه‌السلام (۸۵)
کمالیه شباهت‌تام و تمامی‌به «مریم» و فرزندش «عیسی» داشت.
لذا خداوند سبحان او را به نام «یحیی» نامید و او را «مُصَدِّق» و تصدیق کننده کلمه و آیت خدا و «آقا» و «حَصُور - بدون اهل» و «پیغمبری» از شایستگان قرار داد.
این‌ها خود بالاترین چیزی است که ممکن است یک انسان در آن‌ها به مریم و عیسی علیه‌السلام شباهت داشته باشد.

نام‌گذاری یحیی علیه‌السلام

از فرمایش خداوندی که می‌فرماید:
«اَنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی!» (۳۹ / آل عمران) استفاده می‌شود که نام‌گذاری فرزند زکریا به «یحیی» از طرف خداوند متعال بوده است. چنان
(۸۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
که از آیات سوره مریم استفاده می‌شود، که در آن سوره خدای سبحان می‌فرماید:
«ای زکریا! ما تو را به فرزندی که نامش یحیی است بشارت می‌دهیم که قبلاً کسی به این نام نبوده است،» و این که نام آن مولود «یحیی» نهاده شده، و بشارت به آن هم قبل از خلقتش بوده است.

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام

آن چه در حق مریم و عیسی علیه‌السلام رعایت شده، در حق یحیی علیه‌السلام هم رعایت شده است. روشن است که آن‌چه خداوند

متعال از صفات کمالیه و فضایل برای مریم قرار داده، شبیه و نظیر آن را عینا برای عیسی علیه‌السلام مقرر داشته است. پس بنابراین شباهت و

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۸۷)

محاذات کامل بین یحیی و عیسی وجود دارد، و در آن چه ممکن بوده به یکدیگر شباهت رسانیده‌اند.

ناگفته نماند که در همه اوصاف، حق تقدم با عیسی است، زیرا وجود آن حضرت پیش از دعای زکریا مقدر شده بود، لذا او را فضایل بخصوصی است که در آن‌ها یحیی را حظی نیست، مانند آن که عیسی از پیغمبران اولوالعزم شده و دارای کتاب آسمانی است.

تدبر در آیات وارده در قرآن کریم در سوره‌های زیر مطالب بالا را بیشتر روشن می کند:

سوره مریم آیه ۱۰ درباره یحیی علیه‌السلام

- ای زکریا! ما تو را به فرزندی که نامش یحیی است بشارت می‌دهیم

(۸۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

که هم‌نامی در سابق نداشته - ای یحیی! تو کتاب الهی را به قوت فراگیر!

- ما به یحیی در سن کودکی مقام نبوت بخشیدیم،

- و به او از نزد خود برکت و طهارت عطا کردیم،

- و او شخصی پرهیزکار بود،

- او را به پدر و مادرش مهربان نمودیم،

- او اصلاً به کسی ستم نکرد،

- و معصیت خدا را مرتکب نشد،

- سلام حق بر او باد در روز ولادت، در روز رحلت، و در روز بعثت!

سوره مریم آیه ۳۳ درباره عیسی علیه‌السلام

- ما روح‌القدس را به سوی مریم فرستادیم....

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۸۹)

- روح القدس به مریم گفت:

«من فرستاده پروردگار توام که به فرمان او برای بخشیدن فرزندی پاک به تو آمده‌ام!

....پروردگارت فرمود: - این کار بر من آسان است!

ما آن فرزند را نشانه‌ای برای مردم،

و رحمتی از جانب خود قرار می‌دهیم !»

....مریم اشاره به طفل کرد و به ملامت‌گران فهماند که با طفل سخن گویند: گفتند: « چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوئیم ؟»

در این هنگام طفل (به امر خدا گفت:)

- «همانا من بنده خاص خدایم، که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود!

(۹۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

هر کجا باشم مرا" مبارک "قرار داده است،

و تا زنده‌ام بـه نمـاز و زکـات دسـتـور داده است،
هـم‌چنین بـه نیکوئی با مـادرم مـرا سفـارش فرموده اسـت،
مـرا ستـم‌کـار و شقـی قـرار نـداده است.
درود حق در روز ولادت و در روز مـرگ و در روز قیـامـت بـر مـن اسـت !» چنـان کـه از آیات بـالا استفـاده مـی‌شـود:
۱ ـ خداونـد سـبحان نام فرزنـد زکریا علیه‌السـلام را یحیی نهاده، و در مقابل فرزنـد مریم را" عیسـی "که به‌معنای" زندگی‌می‌کند" است، نام‌گذاری کرده‌است.
۲ ـ به یحیی در عهد صباوت و بچگی مقام نبوت و علم کتاب کرامت فرمود، چنان که" عیسـی "راهـم در کوچکی و طفولیت مقام نبوت کـرامت فرمود.
شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۹۱)
۳ ـ خـدایحیی را از نزد خـود" برکـت و طهـارت "داد و او را بـه پـدر و مـادرش نیکـوکـار قـرار داد، چنـان کـه بـه عیســی هم "برکت و طهارت "بخشید و او را نسبــت بــه مــادرش نیکــوکار مقــرر فرمـود.
۴ ـ خدای سبحان در مواطن و مراحل سه گانه به یحیی سـلام و درود فرسـتاد - روز تـولـد، روز وفـات، و روز قیـامـت - چنـان کـه بـه عیسـی هـم در همـان مـواطـن سه‌گانه درود و سلام فرستـاد.
۵ ـ خداوند متعال یحیی را" سـیـد "یعنی بزرگ قوم و" حصـور "یعنی کسی کـه از روی زهـد زن اختیـار ننمـایـد، و" پیغمبر" قرار داد، چنان کـه تمـام آن‌هـا را به عیسـی علیه‌السلام هم مرحمت فرمود.
تمام این شباهت هائی که یحیی علیه‌السلام به عیسی علیه‌السلام داشت برای اجابت نمودن دعای
(۹۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
زکـریـا بـوده است، در آن جـا که ذریـه طیبـه و خلـف پسندیده و شایسته‌ای طلب کرد، در آن هنگـامی کـه از مشـاهـده وضع مـریم و کـرامتی که در پیشگاه خدا پیدا کرده بود، دلش لـبـریـز گشـت.
۶ ـ از این کـه خدای تعالی درباره یحیی می‌فرماید: «مُصَدِّقا بِکَلِمَـةٍ مِنَ اللّـهِ» (۳۹ / آل عمـــران)
روشن می‌شود که یحیی از زمره اتباع و پیروان عیسـی بن مریم علیهاالسلام و از اوصیاء و جانشینان آن حضرت بوده، زیرا کلمه‌ای را که یحیی مصدق اوست، همانا عیسی بن مـریـم، مـی‌باشد: (۱)
۱- الـمیزان، ج ۵، ص ۳۱۴ .
شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۹۳)
«یا مَرْیَـمُ اِنَّ اللهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَـةٍ مِنْـهُ اسْمُـهُ الْمَسیحُ عیسَـی ابْـنُ مَرْیَـمَ...!» (۴۵ / آل عمـــران)
(۹۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
(۹۵)

فصل سوم :حضرت مریم علیهاالسلام صدّیقه قانته

خلاصه تاریخ زندگی مریم علیهاالسلام در قرآن

آیـات ســوره‌هـای آل عمـران، مـریـم، انبیـاء و تحـریـم شــامـل مطالبی است درباره تاریخ زندگی مریم علیهاالسلام که مشروح آن در مباحث زیرین نقل خواهد شد، و

(۹۶)

خـــلاصـه آن‌ها بـه شـرح زیـر اسـت:

مادر عیسی علیه‌السلام «مریم» دختر عمران است. هنگامی که مادر مریم به او حامله شد، بـه خیـال ایـن کـه آن‌چـه در شکـم دارد پسر اسـت، نـذر کـرد کـه او را پـس از بـه دنیـا آمـدن در راه خـدا آزاد کنـد، تا پسرش بـه خـدمـت مسجـد مشغول شـود.

چـون بـار خـود را به زمین نهـاد و روشن شـد که او دختـر است، غم و حزن او را فراگرفت، لیکن دخترش را به نـام" مریم "که به معنی" خادمه "است، نامید، تا او را به‌خدمت مسجد وادارد.

"عمران "پـدر مریم پیش از ولادت او از دنیا رخت بر بسـته بود. مادرش او را به مسـجد آورد تا به کاهنان آن که" زکریا "هم جزو آنان بود، تسلیم کند. کاهنان راجع به کفالت مریم با یکدیگر نزاع و گفتگو کردند، تا بالاخره بنا را بر قرعه نهادند و قرعه به

خلاصه تاریخ زندگی مریم در قرآن (۹۷)

نام" زکریا "اصابت کرد. زکریا کفالت مریم را به عهده گرفت، و او هم به خدمت مسـجد مشـغول بود، تا هنگامی که مریم به سـن بلوغ رسـید. آن زمـان زکریـا برای مریم حجابی بر پا کرد تا مریم در میان آن مشـغول عبادت خداونـد شود. جز زکریا کس دیگری داخل آن حجاب نمی‌شد. هر وقت زکریا وارد محراب مریم می‌شد، رزق حاضـری در محراب او مـی‌دیـد، از او پـرسـیـد: ای مـریـم ایـن روزی از کجاسـت؟ مـریـم گفـت: از نـزد خـدائـی اسـت کـه بـدون حساب بـه هـر کـه خـواهـد روزی بخشـــد!

مــریـم علیهاالسلام" صـدیقـه "و" معصـومـه "و" طاهـره "و" بـرگـزیـده "بود.

او" محدثه"ای است که ملائکه با او سخن گفتند و به او خبر دادند که:

«خدا وی را برگزیده و پاکیزه نموده، و از عبادت کاران قرار داده، و او را برای جهانیان از آیات و نشانه‌های خود مقرر داشته است.»

(۹۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سپس خدای متعال" روح "را به سوی مریم ـ در حالی که در حجاب مسـتور بود ـ فرسـتاد". روح "به صورت بشر کاملی برای مریم مجسم شـد، و به او گفت: من فرسـتاده پروردگار توام، و برای بخشـیدن پسری که پـدر ندارد به اذن الهی به سوی تو آمده‌ام. به او بشارت داد که به زودی از فرزنـدش معجزات باهره‌ای ظاهر خواهـد شد، و خداوند او را به" روح القدس "تأئید می‌کند. و هم‌چنین "کتاب و حکمت و تورات وانجیل "را به او می‌آموزد، و او را بـا آیـات و نشـانه‌های آشکار به سوی" بنی‌اسرائیل "خواهد فرستاد.

"روح "داسـتان عیسی را برای مریم گفت و سپس در او" دمید "و مریم در حال مانند سایر زنانی که حامله می‌شوند، به فرزند خود حامله شد.

مریم در مکانی دور خلوت گزیـد، و چون او را درد زائیـدن فرارسید زیر شاخ درخت خرمائی رفت واز شـدت حزن واندوه با خود می‌گفت: کاش پیش از این مرده بودم، و از

خلاصه تاریخ زندگی مریم در قرآن (۹۹)

صفحه دل‌ها نامم فراموش شـده بود. در آن حال (روح القدس یا فرزندش عیسی) او را ندا داد: غمگین مباش که خدا از زیر قدمت چشـمه آبی جاری نمود، و تو خود تنه درخت راتکان بده تا از آن برایت رطب تازه فرو ریزد. از این رطب تناول کن واز آن چشمه بیـاشـــام، و چشـــم خود بــه" عیســـی "روشـــن دار، و اگــر از جنــس بشـــر کسـی را دیدی به" اشـــاره "به او بگــو: من بــرای خـدا نـذر" روزه سکـوت "کـرده‌ام، و بـا هیچ‌کس تا روزه هستم سخن نمی‌گویم!

مریم فرزنـد خود را گرفته و به سوی قومش روان شـد. (موضوع" حمـل "و" بارنهادن "و" سـخن گفتن "و سایر شـئون وجودی او، تماما از سـنخ آن‌چه نزد دیگران یافت می‌شود، بوده است.) چون قومش او را بـدان حال دیدند مشغول طعن و سـرزنش او شدند و گفتند: ای مریم عجب کار منکر و شگفت آوری کردی! ای خواهر هارون تو را نه پدر ناصالح و

نه مادر بدکار بود، (که خودت چنین کاری را مرتکب شدی؟!)

مریم پاسخ آنان را به اشاره حواله طفل کرد. آن‌ها گفتند:

- ما چگـونه بـا طفـل گهـواره‌ای سخـن گـوئیـم؟

طفل به امر خدا به زبان آمد و گفت:

- من بنـده خاص خدایم، که مرا کتاب آسـمانی و شـرف نبوت عطاء فرموده است، من هر کجا که باشم، مرا مبارک گردانیده، و تا زنـده‌ام به نماز و زکات سـفارش نموده، و هم‌چنین به نیکوئی با مادرم توصـیه فرموده، و مرا سـتم‌کار و شـقی نگردانیـده است. روز ولادت و مرگ و هم‌چنین روزی که برانگیختـه شـوم، سـلام و درود حق بـر مـن اسـت! این جملات خود اشاره‌ای بود به آینـده عیسـی که علیه بیدادگری‌ها و ستم‌کاری‌ها قیام می‌کند، و برای زنده کردن دین موسی و از بین بردن کجی‌ها که در آن پدید آمده و

تجـدیـد معـارف و حقـایقـش و بـرافکندن اختـلافـات و مشـاجـرات، به پا می‌خیزد.

عیسی رشد و نمو کرد تا به سن جوانی رسید. او و مادرش مریم هر دو روی عادت جاری در زندگی بشر - از خـوردن و آشـامیـدن و سـایـر عـوارض وجـودی - تـا آخـر عمـرشـان زنـدگـی مـی‌کـردنـد.

سپس عیسی مبعوث به رسالت شد.

(جزئیات زندگی عیسی علیه‌السلام بعد از رسیدن به رسالت را در مباحث بعدی خواهیـم آورد.) (۱)

شرح ولادت حضرت مریم در قرآن

۱- المیـزان، ج ۶، ص ۱۴۷ .

«اِذْ قالَتِ امْـرَأَتُ عِمْـرانَ رَبِّ اِنّـی نَـذَرْتُ لَکَ ما فــی بَطْنــی مُحَـرَّرا!»

«یاد کن زمانی را که زوجه عمران گفت:

- پروردگـارا عهـد کـردم فـرزنـدی را کـه در رحـم دارم در راه تـو آزاد گـردانم!

- نذر مرا بپذیر! که تو دعای بندگان بشنوی و بـه اسـرار و احـوال همه آگاهی! چون فرزند بزاد، از روی حسـرت گفت:

- پــروردگـــارا! فــرزنــدی کــه زاده‌ام دختـر است!؟

خـدا بـه آن‌چـه زائیــده دانــاتـر اسـت،

و می‌داند که چـه حکمت‌ها در وجود آن دختر نهان است!؟

و پســری کــه او مـی‌خـواسـت مثل ایـن دختـر نیست.

سپـس زن عمـران گفـت:

- مـن ایـن دختـر را" مریم "نـام نهـادم!

و"او "و" فرزندش "را از شر شیطان رجیم در پناه تو آوردم!

پس خداوند او را بـه نیکـوئی پذیرفت،

و او را به ترتیبی نیکو پرورش داد....» (۳۵ / آل عمران)

پدر و مادر مریم

اولین عبارتی که" همسر عمران "بیان کرد - پروردگارا عهد کردم فرزندی را که در رحم دارم در راه تو آزاد گردانم! دلالت دارد که آن سخن را زمانی گفته که حامله بوده،

(۱۰۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و حملش هم از" عمران "بوده است.

آن سخن اشعاری بر وفات" عمران "و رحلت او دارد، زیرا اگر" عمران "در قید حیات بود، زوجه‌اش چنین استقلالی در آزاد نمودن بچه داخل شکمش را نداشت. دلیل دیگر بر وفات" عمران "قبل از تولد" مریم "مطلبی است که قرآن کریم می‌فرماید: «زمانی برای کفالت مریم قرعه می‌کشیدند...،» نشان می‌دهد که مریم قبل از تولد خود پدرش را از دست داده بود و نیاز به کفالت داشت.

در قرآن مجید اسم پدر مریم" عمران "در چند جا ذکر شده و اسم مادر او را روایات اسلامی" حنه "و برخی آن را" مرثار" ذکر کرده‌اند. بر اساس این روایات" عمران "پیغمبری بوده که به قوم خود مبعوث شده بود.

پدر و مادر مریم (۱۰۵)

مفهوم" آزاد ساختن"

در عصر تولد مریم، وقتی پدر و مادری فرزند خود را" آزاد "می‌کرد، بدین معنی نبود که او را از قید بندگی آزاد می‌کردند بلکه منظور آزاد نمودن از" قید سرپرستی و ولایت خود پدر و مادر "بود که نسبت به اولاد خود داشتند.

پس او را به واسطه" تحریر و آزاد سازی "از تحت ولایت خود خارج می‌کردند. این آزادگی اگر برای خدا بود به معنی این بود که او را تحت ولایت خداوندی وارد می‌کردند، یعنی او را مخصوص بندگی و پرستش خدا و خدمت نمودن کنیسه‌ها و پرستش گاه‌هامی کردند.

گویند آنان وقتی فرزند خود را در راه خدای تعالی آزاد می‌کردند، دیگر او را در

(۱۰۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

منافع خودشان وادار به کار نمی‌کردند، و از فرزندان خود استفاده شخصی نمی‌بردند، بلکه آن‌ها به خدمت و تمیز کردن" کنیسه" و امثال آن مشغول می‌شدند. این کار ادامه داشت تا آن که آن‌ها به مرحله بلوغ می‌رسیدند و اختیار با بچه بود که اگر می‌خواست به کار خودش ادامه می‌داد وگرنه از آن دست برداشته و به کاری که دل‌خواه خودش بود، مشغول می‌شد.

چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد؟

از عبارتی که مادر مریم گفت: - پروردگارا نذر کردم که فرزندی که در رحم دارم در راه تو آزاد گردانم - این نکته نیز برمی‌آید که او به طور قطع عقیده داشت که بچه‌ای که در شکم دارد" پسر "است!

چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد؟ (۱۰۷)

آیه شریفه سخن زوجه عمران را بدون قید و شرط و تعلیق ذکر فرموده است. از این که خدای متعال سخنی را که" زوجه عمران "از روی قطع به پیشگاه خداوندی عرضه داشته، حکایت فرموده است، روشن می‌شود، که اعتقاد او از روی قرائنی حدسی که

به ذهن مادران – به وسیله تجربه و امثال آن – می‌رسد، نبوده است، زیرا از آن حدسیات جز" گمان "حاصل نخواهد شد، و پرواضح است که کلام الهی از اشتمال بر این گونه حدسیات دور می‌باشد.

اعتقادی که زوجه عمران راجع به" پسر بودن "جنین خود داشته از جهتی منتهی به" وحی "بوده است، و لذا پس از وضع حمل و روشن شدن مطلب باز مأیوس از" پسر"نشده و با کمال صراحت و قطعیت می گوید:

«او و فرزندش را از شر شیطان رجیم در پناه تو می‌آورم!»

(۱۰۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بدین ترتیب، برای آن دختر" ذریه "ثابت می‌نماید، با این که به حسب ظاهر راهی برای علم و دانائی بدان نبوده است. در این کلام که زوجه عمران بدون هیچ قید و شرطی به خداوند متعال می گوید، (با این که موضوع فرزند پیدا کردن آن دختر داخل در علم غیب و مربوط به آینده بوده،) روشن می‌شود که او به وجهی از روی" وحی "می‌دانست که از" عمران "خدا به او پسری کرامت می کند". عمران "وفات کرد و او از عمران حمل داشت، روی آن حساب قطعیت پیدا کرد که حتما آن‌چه در شکم دارد، همان پسر است، لکن پس از وضع حمل و فهمیدن اشتباه خود، دانست که حتما آن پسر از نسل این دختر است، لذا بدون تردید و قید و شرط برای آن دختر" ذریه "و فرزند ثابت نمود و آن را به خدای متعال سپرد!

این بود آن‌چه که از تدبر در کلام الهی به دست آمد.

چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد؟ (۱۰۹)

امتیازات مریم علیهاالسلام

قرآن کریم با عبارت – خدا به آن‌چه زوجه عمران زائیده داناتر است، و پسری که او می‌خواست چون این دختر نیست – از قول خدای تعالی نکات ظریفی را بیان فرموده که شامل امتیازات مریم بر دیگران و حتی بر پسر خود" عیسی "علیه‌السلام نیز می‌باشد.

آن جا که جمله – خدایا فرزندی که زاده‌ام دختر است!؟ زوجه عمران برای اظهار تحسر به پیشگاه خداوندی عرضه داشت، خداوند متعال با فرمودن جمله – خدا داناتر است به آن‌چه او زائیده – می‌خواهد بیان دارد که ما هم می‌دانستیم که او دختر است لکن خواستیم آرزوی او را به وجه احسن و طریق بهتری عملی سازیم، و اگر زوجه

(۱۱۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

عمران منظور ما را در آن قسمت می‌دانست، ابدا اظهار تحسر و حزن نمی‌نمود، با این که پسری که او آرزویش را می‌داشت، ممکن نبود که چون این دختر، و آن‌چه بر وجود او مترتب است، باشد.

زیرا بالاترین چیزی که در حق آن پسر امکان داشت، آن بود که چون عیسی پسری شود که کور مادرزاد را بینا و کر مادرزاد را شنوا سازد، و مرده را زنده نماید.

لکن بر وجود این دختر آثار بالاتر از آن مترتب است:

۱ ـ وجود این دختر وسیله‌ای است که از او پسری بدون پدر به وجود آید،

۲ ـ خود مریم و پسرش دو" آیت "الهی برای جهانیان باشند،

۳ ـ کودك او در گهواره با مردم تکلم کند،

۴ ـ کودك او" روح اللّه "و" کلمهٔ اللّه "باشد، و مَثَل او در نزد خدا مثل آدم شود!

امتیازات مریم (س) (۱۱۱)

این‌ها و سایر آیات و علامات، همان قسمت‌هائی است که بر وجود این دختر و فـرزنـد مبارکش " عیسی علیه‌السلام مترتب شـده است.

نام‌گذاری مریم

"مریم "در لغت عبری به معنی" عابده و خادمه "است. از این جا روشن می‌شود که به چه دلیل زوجه عمران اسم دختر خودش را مریم گذاشت.

او وقتی وضـع حمل نمود، و از پسـر بودن حمل خود مأیوس شـد. فورا این نام را به دختر نوزاد خود نهاد، تا او را به کاری که از پسر انتظار داشت، وادارد. پس جمله «اِنّی سَمَّیْتُها مَرْیَمَ» (۳۶ / آل عمران) به منزله آن است که گفته باشد من

(۱۱۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

دختر خود را" محرره "نمودم، یعنی نذر کردم که این دختر را در راه خدا آزاد نمایم، که به عبادت و بندگی حق مخصوص شود.

روشن‌ترین دلیلی که می‌رساند سخن او افاده" نذر "می‌کند، عبارت قرآن مجید است که می‌فرماید: «خداوند او را به نیکوئی پـذیرفت و او را به تربیتی نیکو پرورش داد.» سپس دختر و ذریه‌اش را به خداوند متعال سپرد تا از شر شیطان در امن و در کار عبادت و خدمت ثابت قدم باشند و اسم با مسمی مطابق باشد.

عبارت اول یعنی: «خداوند او را به نیکوئی پذیرفت،» قبول و پذیرفتن سخن اول زوجه عمران است که گفت: «من او را مریم نام نهادم،» و عبارت دوم، یعنی: «او را به پرورشی نیکو پرورش داد،» قبول و اجابت نمودن سخن دوم اوست که گفت: «من او و ذریه‌اش را از شر شیطان رجیم، در پناه تو آوردم،» در عبارت اول منظور پذیرفتن و

نام‌گذاری مریم (۱۱۳)

قبول کردن خود آن دختر یعنی" مریم "می‌باشد، زیرا قرآن نسبت" قبول "را به دختر داده نه به" نذر. "بنابراین قبول نمودن" مریم "عبارت است از" اِصْطِفاء "و اختیار نمودن او، و مراد از «اَنْبَتَها نَباتا حَسَنا» (۳۷ / آل عمران) بخشیدن رشد و طهارت به او و ذریه او، و افاضه نمودن یک رقم حیات و زندگی است که وسوسه شیطان در آن راه پیدا نکند، و آن عبارت است از "طهارت "

این دو، یعنی" اصطفاء "و" طهارت "همان است که در آیه شریفه دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

«وَ اِذْ قالَتِ الْمَلائِکَةُ یا مَرْیَمُ اِنَّ اللّهَ اصْطَفیکِ وَ طَهَّرَکِ....» (۴۲ / آل عمران)

از بیانات بالا روشن می‌شود که" اصطفاء "و برگزیدن مریم، و هم‌چنین" تطهیر "و پاک نمودن او از پلیدی معصیت، هر دو اجابت و پذیرفتن دعای مادر

(۱۱۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

او می‌باشد. چنان که در برگزیدن مریم بر زنان عالم از نظر ولادت عیسی علیه‌السلام از او و آیت شدن این مادر و فرزند برای عالمیان،تصدیق قول خدای‌تعالی است که‌می‌فرماید: - پسر مانند دختر نیست! (۱)

زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام

«وَ اَنْبَتَها نَباتا حَسَنا وَ کَفَّلَها زَکَرِیّا....» (۳۷/آل عمران)

قرآن مجید دوران اولیه زندگی مریم علیهاالسلام از زمان تولد خودش تا زمان تولد پسرش عیسی علیه‌السلام را، در

چند جمله بیان فرموده است. با همین جمله‌های

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۰۶.

زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام (۱۱۵)

کوتاه عظمت و امتیازی را برای این بانو نشان داده که حتی پسرش عیسی علیه‌السلام به آن امتیازات مفتخر نشده است. قسمتی از این مطالب را در مورد" نام‌گذاری "و" امتیازات مریم "ذکر کردیم. اینک آن قسمت از زندگی این بانوی عظیم الشأن را که در آیات فوق بدان اشاره شده، شرح می‌دهیم، و خاطرنشان می‌سازیم که از زندگی مریم بعد از تولد عیسی علیه‌السلام در قرآن ذکری نرفته است، زیرا آن‌چه لازمه ذکر این تاریخ ممتاز حیات بشری است، در همان حیات قبل از تولد و زمان تولد فرزند گرانمایه‌اش، نهفته است.

آیات قرآنی در این سوره در این زمینه به شرح زیر است:

«- پس خداوند او را به نیکوئی پذیرفت،

و او را به تربیتی نیکو پرورش داد.

(۱۱۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا او را کفالت کرد.

هر وقت زکریا وارد محراب عبادت مریم می‌شد نزد او رزق شگفت‌آوری می‌یافت. گفت:

- ای مریم این روزی ازکجا به تو می‌رسد؟ پاسخ داد:

- از جانب خداست! که خداوند به هر که خواهد روزی بی‌حساب دهد!»

مراد از" تربیتی نیکو "که خداوند با عبارت «وَ اَنْبَتَها نَباتا حَسَنا» از آن یاد می‌کند، بخشیدن رشد و" طهارت "به او و ذریه او، و افاضه نمودن یک نوع زندگی است که وسوسه شیطان در آن راه پیدا نکند... و" پذیرفتن به نیکوئی "همانا" اِصْطِفاء "و برگزیدن و انتخاب نمودن او بوده که در قرآن کریم از آن با عبارت «فَتَقَبَّلَها رَبُّها بِقَبُولٍ حَسَنٍ» (۳۷ / آل عمران) یاد می‌کند.

زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام (۱۱۷)

زندگی مریم تحت تکفل زکریا علیه‌السلام

از آیه زیر استفاده می‌شود که کفالت" زکریا "از مریم به واسطه اصابت نمودن قرعه به نام او بوده است:

«تو حاضر نبودی زمانی که آنان برای کفالت و نگهداری مریم قرعه می‌کشیدند؟ و نبودی که چگونه با یکدیگر مخاصمه می‌کردند؟»

آنان در موضوع تکفل و نگهداری مریم با یکدیگر مخاصمه کردند تا آن که بنا را به قرعه کشیدن گذاشتند و قرعه به نام" زکریا" اصابت نمود.

در روایات اسلامی آمده که: «مریم طبق نذر مادرش آزاد شده بود. آن زمان رسم بر این بود که فرزندی که آزاد می‌شد در "کنیسه "یعنی کلیسا بود و از آن خارج نمی‌شد. و

(۱۱۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

همین بود که زوجه عمران پس از وضع حمل گفت: خدایا فرزند من دختر است، و پسر چون دختر نیست، زیرا دختر وقتی حائض می‌شود از مسجد بیرون می‌آید... .

زوجه عمران فرزندش را نذر کنیسه نمود تا در آن جا خدمت" عابدان "را نماید.... مریم خدمت آن‌ها را می‌کرد تا به سن بلوغ

رسید، در آن هنگام زکریا دستور داد تا برایش حجابی قرار دادند تا از" عابدان "جدا شود....»

(نقل از امام باقر و صادق علیه‌السلام در تفسیرعیاشی و قمی)

محـراب عبـادت مـریـم، محل نزول مائده آسمانی

روایات اسلامی چنین نقـل مـی‌کننـد کـه:

محراب عبادت مریم، محل نزول مائده آسمانی (۱۱۹)

«چون مریم بالغ شد به محراب رفت و حجابی برخودانداخت،دیگرکسی‌اورا نمی‌دید. زکریا بـه محرابـش وارد مـی‌شـد و در نزد او میوه تابستانی را در زمستان و میـوه زمستـانی را در تـابستان می‌دید، به او گفت:

- ای مریم این از کجاست؟

مــریـــم گفـــــــت:

- از نزدخداست! خدا به هر که خواهد روزی بی‌حساب دهد.»

(نقــل از امــام بـاقر و صـادق علیه‌السلام در تفسیر عیـاشـی و قمــی)

ذکر عبـارت" رِزْقـا "در قرآن مجیـد (به صورت نکره) دلیـل بر آن است که آن" رزق "رزق غیر معهودی بوده است. چنـان که در روایات دیدیم زکریا نزد مریم میوه تابستانی

(۱۲۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

را در زمسـتان و میوه زمسـتانی رادر تابسـتان می‌دیـد، اگر این رزق یک رزق معمولی بود قطعا زکریا به جوابی که مریم به او داد و گفت" این از نزد خـداست "قنـاعت نمی‌کرد، زیرا ممکن بود که آن را برخی از مردمی که بـه مسـجد مـی‌آمـدنـد بـرایـش آورده بـاشنـد.

علاوه بر ایـن، آیه شـریفه بعـدی دلالـت دارد بر این که زکریـا وجـود آن رزق را در نزد مـریـم از کـرامـات الهـی و خـارق عـادت تلقـی کـرده بـود، لـذا از خـدای تعـالـی بـرای خـودش نیـز درخـواست ذریـه طیبه‌ای نمـود کـه مقـامش چـون مقـام مـریـم بـاشـد.

ضمنا از سیاق آیه فهمیده می‌شود که زکریا آن پرسش را از مریم بیش از یک بار ننموده‌است، و به‌همان جوابی‌که از او شنیده قانع شد و یقین به صدق گفتارش پیدا کرد.

جـائی که مریم در کلیسا اتخاذ کرده بود، یعنی" محراب "همان است که اهل کتاب به آن" مذبـح "گوینـد، و آن" مقصوره "یعنی خانه کوچکی است که در مقدم معبدشان درست

محراب عبادت مریم، محل نزول مائده آسمانی (۱۲۱)

می‌کنند، و دارای دری است که به وسیله نردبان کـوچکـی وارد آن مـی‌شـونـد. کسـی کـه در آن بـاشــد اهـالـی میـان معبـد او را نمی‌بیننـــد. (۱)

مریم، مــادر عیسی علیه‌السلام

«وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ مَرْیَمَ....» (۱۶تا۴۰ / مریم)

سوره مـریـم بـا ذکـر جـریـان‌هـای مهـم زنـدگـی دو تـن از پیـامبـران بـزرگ

۱- الـمیــزان، ج ۵، ص ۳۱۲.

(۱۲۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بنی‌اسرائیل، یعنی زکریا و یحیی علیه‌السلام آغاز شده و سپس شرح روزهائی را می‌دهد که مریم علیهاالسلام از اهل خود کناره می‌گیرد و در مکان شرقی اعتزال می‌جوید و سپس به عیسی علیه‌السلام حامله می‌شود، و عیسی متولد می‌شود.

میان دو داستان تولد یحیی و عیسی علیه‌السلام شباهت تمامی هست، چون ولادت هر دو بزرگوار به طور خارق العاده صورت گرفته است، و این هر دو در کودکی حکم و نبوت داده شدند، آن یکی خبر داد که مأمور به احسان به مادر شده و جبار و شقی نیست، و برخود در روز ولادتش و روز مرگش و روز مبعوث شدنش سلام داده است، این یکی نیز همین مطالب را گفته و قرآن هم از آن دو نقل کرده است. شباهت‌های دیگری نیز آن دو داشته‌اند.

یحیی علیه‌السلام نبوت عیسی علیه‌السلام را تصدیق کرده و به او ایمان آورده است. در این

مریم، مادر عیسی علیه‌السلام (۱۲۳)

سوره خداوند سبحان به رسول گرامی خود حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«- ای محمد!

در این کتاب ذکر کن: داستان مریم را در آن زمان که از مردم اهل خود کناره گرفت و در مکان شرقی (که گویا همان سمت شرقی مسجد باشد،) اعتزال جست. مریم در مقابل آنان حجابی آویخت،

پس ما روح خود نزد او فرستادیم که به صورت انسانی تمام عیار بر او مجسم گشت.»

از این آیه چنین برمی‌آید که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشیده داشت تا قلبش فارغ‌تر برای اعتکاف و عبادت باشد. این مطلب را آیه دیگر تأکید می‌کند که می‌فرماید: «هر وقت که زکریا وارد محراب او می‌شد می‌دید نزد او رزقی هست.»

روحی که به سوی مریم فرستاده شده بود به صورت بشر ممثل شد.

(۱۲۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

معنای تمثل و تجسم به صورت بشر این است که در حواس بینائی مریم به این صورت محسوس شود، وگرنه در واقع باز همان روح است نه بشر!

روحی که به سوی مریم فرستاده شده بود از جنس بشر و جن نبود بلکه از جنس ملک و نوع سوم مخلوقات صاحب شعور بود که خدا او را در کتابش وصف نموده و" ملک "نامیده اشت. آن فردی را که مأمور وحی است" جبرئیل "خوانده است. و جای دیگر قرآن او را روح" رُوحُ الْقُدُس یا رُوحُ الْامین "خوانده، و در یک جا نیز او را" رسول "نامیده است.

لذا از همه این‌ها می‌توان فهمید که آن روحی که برای مریم مجسم شد همان" جبرئیل "بوده است. اگر در آیه فوق روح را به خدا نسبت داده و فرموده": روح ما "به منظور تشریف و احترام بوده است.

مریم، مادر عیسی علیه‌السلام (۱۲۵)

کلمه" تمثل "در قرآن کریم جز در داستان مریم در جای دیگر نیامده است، و آیت بعدی که در آن جبرئیل خود رابرای مریم معرفی می‌کند بهترین شاهد است بر این که وی در همان حال هم که به صورت بشر مجسم شده بود، باز فرشته بود، نه این که بشر شده باشد، بلکه فرشته‌ای بود به صورت بشر و مریم او را به صورت بشر دید، یعنی در حاسه و ادراک مریم به آن صورت محسوس شد، ولی در خارج از ادراک وی صورتی غیر صورت بشر داشت.

برخورد اولیه مریم با فرشته وحی و رسول پروردگار

مریم همین که ملک را بدید بترسید و گفت:

(۱۲۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- اگر مردی پرهیزکاری من از سوءقصد تو به خدای رحمان پناه می‌برم! مریم علیهاالسلام از شدت وحشتی که از حضور جبرئیل عارضش شده بود مبادرت به سخن کرد. او خیال می‌کرد که وی بشری است که به قصد سوء بدان‌جا وارد شده است، لذا خود را به پناه رحمان سپرد تا رحمت عام الهی را که هدف نهائی منقطعین عباد است متوجه خود سازد!

و اگر این پناهندگی خود را مشروط به تقوای طرف نمود بدین دلیل بود که هر انسانی کراهت دارد از این که وصف جمیل تقوی را از خود نفی کند و بر هر انسانی گران است که به نداشتن آن اعتراف نماید! مریم نیز خواست بگوید که اگر تو تقوی داشته باشی من از تو به رحمن پناه می‌برم، و چون باید با تقوی باشی، پس همان تقوایت باید تو را از سوء قصد به من و متعرض من شدنت باز دارد!

برخورد اولیه مریم بافرشته وحی و رسول‌پروردگار (۱۲۷)

روح به مریم جواب داد:

- من رسول پروردگار تو هستم،

تا فرزند شایسته‌ای را به تو عطا نمایم!

(از لطافت هائی که در سوره مریم در نقل داستان‌های زکریا و مریم و ابراهیم و موسی به کار رفته، همه جا فرموده: «وَهَبَ» یعنی یحیی را به زکریا، عیسی را به مریم، اسحاق و یعقوب را به ابراهیم، و هارون را به موسی " عطا "کردیم!)

مریم گفت:

- چگونه برای من فرزندی آید که قبل از این با هیچ مردی نیامیخته‌ام، نه از راه حلال و ازدواج و نه از راه حرام!؟

سیاق آیه این معنا را می‌رساند که مریم از کلام جبرئیل که گفت:

(۱۲۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«تا به تو پسری ببخشم!» فهمیده بود که این پسر را در همین حالا می‌بخشد، و لذا گفت: «هیچ بشری با من تماس نگرفته و زناکار هم نبوده‌ام!» و در این جمله فهماند که فرزنددار شدن من در الان منوط به این است که چند ماه قبل از نکاح و یا نصاحی صورت گرفته باشد، و حال این که نگرفته است:

روح بدو گفت: - مطلب از همین قرار است، که به تو گفتم!

پروردگارت گفته: که آن برای من آسان است،

تا آن را برای مردم از جانب خویش آیتی و رحمتی کنیم،

و کاری است مقرر شده!

این جمله،بدین‌وسیله،بعضی از اغراض خلقت مسیح علیه‌السلام را به این طرز خارق‌العاده خاطرنشان می‌سازد، و معنایش این است که ما او را با نفخ روح، و بدون پدر، به خاطر

برخورد اولیه مریم بافرشته وحی و رسول‌پروردگار (۱۲۹)

این منظور، خلق کردیم، و نیز به خاطر این که آیتی باشد برای مردم، و رحمتی باشد از ما، با خلقتش آیتی باشد، و با رسالتش و معجزاتش رحمتی!

این تعبیرها اشاره به این معناست که غرض‌های الهی اموری نیست که فهم بشر بدان احاطه یابد و الفاظ گنجایش همه آن‌ها را داشته باشد.

«وَ کانَ اَمْرامَقْضِیّا ـ کاری است مقرر شده!» (۲۱ / مریم)

این عبارت اشاره به حتمی بودن قضائی است که خدا درباره ولادت این غلام زکی رانده، و دیگر نه امتناع مریم جلو آن را می گیرد و نه دعایش!

باردار شدن مریم

(۱۳۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سپس قرآن کریم بیان می کند که:

«مریم باردار شد به فرزند،

پس انفراد و اعتزال جست،

و او را به محل دوری از خانواده‌اش برد.»

بعد از آن که از اهل خود اعتزال جست و به محل دوری آمد، درد زائیدن او را مجبور نمود، و به کنار تنه درخت خرمائی آمد تا در آن جا حمل خود را بزاید، (از این که تعبیر به تنه درخت کرد نه خود درخت، فهمیده می‌شود که درخت مزبور خشکیده بود.) مریم از خجالتش و شرم از مردم گفت: - ای کاش قبل از این مرده بودم و چیزی غیرقابل اعتنابودم،و فراموش می‌شدم،تامردم درباره‌ام حرف نمی‌زدند،که به‌زودی‌خواهند زد.

باردار شدن مریم (۱۳۱)

به سخن در آمدن عیسی نوزاد

«فَناديها مِنْ تَحْتِهَا اَلّا تَحْزَنی!» (۲۴ / مریم)

«عیسی نوزاد از طرف پائین مریم را ندا داد که غم مخور!

که پروردگارت جلوی تو نهری جاری ساخت،

تنه درخت را به سوی خود تکان بده که خرمای تازه بر تو افکند،

بخور و بنوش، و چشمت را روشن‌دار!

اگر از آدمیان کسی را دیدی، بگو!

- من برای خدا روزه (کلام) نذر کرده‌ام،

و امروز با بشری سخن نکنم!»

(۱۳۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

عبارت" غم مخور "تسلیتی است به مادرش، از آن اندوه و غم شدیدی که به وی دست داده بود. آری برای زنی عابد و زاهد هیچ مصیبتی تلخ‌تر و سخت‌تر از این نیست که او رادر ناموسش متهم کنند، آن هم زنی باکره، آن هم از خاندانی که در گذشته و حال معروف به عفت و پاکی است، و مخصوصا تهمتی که بچسبد، و هیچ راهی برای انکار نباشد، بلکه حجت و دلیل همه در دست خصم باشد، لذا عیسی علیه‌السلام به اشاره سفارش کرد که با احدی حرف نزن و در مقام دفاع برنیا، چون حجت خصم آن قدر سست نبود که چیزی بتواند آن را دفع کند.

یکی از معجزات تولد عیسی در عبارت" تنه درخت را به سوی خود تکان بده که خرمای تازه بر تو افکند "، می‌باشد، که در آن تکان دادن را به ساقه درخت، و خرما

به سخن درآمدن عیسی نوزاد (۱۳۳)

ریختن را به نخله نسبت داده است. و ایـن خـود خـالی از اشـعار بـه این نکتـه نیست کـه نخلـه خشـک بـوده، و در همـان سـاعت سبز شـده و بـرگ و بـار آورده و رطب داده است کـه خـرمای پخته و رسیـده از آن ریختــه اسـت.

عیسی علیه‌السلام به مادرش چشم روشنی می‌دهد و می گوید:

- از رطب تـازه بخور، و از جوی آبی کـه زیـر پـایت جـاری شـده بیاشام، و بـدون ایـن کـه انـدوهـی به خود راه دهی، خوشنود بـاش!

(اگر عیسی علیه‌السلام مادرش را به خوردن و آشامیدن سفارش کرد بدین جهت بوده که این دو از نشانه‌های مسرت و خوشوقتی است، و کسـی کـه گرفتـار مصـیبت است دیگر نمی‌توانـد از غـذای لـذیـذ و آب گـوارا لـذت ببرد، و مصیبت شاغـل او از این کارهاست.)

عیسی گفت:

(۱۳۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- اما این که می‌ترسی مردم به تو تهمت بزننـد و از تو بازخواست کننـد که این فرزنـد را از کجا آورده‌ای، در پاسخ آن‌ها سکوت کن و با احدی حرف مزن، و من جـــوابشـــان را مـی‌دهـــم!

(در آن دوره روزه سکوت مرسـوم بـوده است و مـریـم نیز این را پـذیـرفـت.)

مــریم در مقابل تهمت مــردم

مـریـم مـولـود را در بغـل گـرفتـه بـود و نـزد کسـان خـود آورد.

گفتنـــد: - ای مـــریم حقـــا کـــه چیزی شگفـت‌انگیـز آورده‌ای!؟

ای خواهر هارون! آخر پدرت مرد بدی نبود و مادرت زناکار نبود!

مریم در مقابل تهمت مردم (۱۳۵)

مریم به مولود اشاره کرد:

گفتند: - چگونه با کسی که در گهواره و نـوزاد است، سخـن کنیـم؟

در این جـا عکس العمـل مـردم را نشـان می‌دهـد که بـه مـریم می گـوینـد چیز نوظهور و عظیمی آورده‌ای؟ مـردم در نظر خود کار مریم را تقبیـح می کردنـد و منشأ آن همان امر عجیبـی اسـت کـه بـا آن سابقه زهـد و محجوبی، از مریم دختر عمران و آل هـارون قـدیس مشـاهـده کـردنـد.

(ایـن هـارون کـه قرآن کریـم از او اسـم می‌برد و مردم مریـم را" خـواهر هـارون "می‌خواننـد بـه قـولـی مـردی صـالـح در بیـن بنی‌اسرائیل بوده که هر صالح دیگری را به او نسبت مـی‌دادنـد، و بـه قـول دیگـر، مـریم بـرادر تنی پـدری داشتـه به نام هارون.

دو قـول دیگر نیز گفته‌اند کـه مـراد بـه او همـان هـارون بـرادر مـوسـی علیه‌السلام

(۱۳۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

اســت، و ایـن نـامیـدن صــرف انتســاب بـوده اســت، نـه خـواهـر واقعـی، و قـول آخـر ایـن کـه مـردی در آن زمـان بـوده کـه معـروف بـه فسـاد و زنـا بـوده اسـت.)

ولی مریم هم‌چنـان که عیسی به او یـاد داده بـود، مردم را اشـاره به عیسـی کرد تـا جـواب خود را از او بگیرنـد، و او حقیقت امر را برایشان روشن نمایـد. مردم نیز تعجب زده پـرسیـدنـد: چگـونـه با کودکـی که در گهـواره است یعنـی واقعـا کودک و نـوزاد است گفـتگـو کنیـــم؟!

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود

در این جا عیسی نوزاد به پاسخ در می‌آید و بدون این که متعرض مسئله ولادت

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود (۱۳۷)

خـود شود،سخن خـود را با عبارت:

«اِنّی عَبْدُاللّهِ ـ منـم بنده خدا!»

آغـاز می‌کنـد، تـا بـه عبـودیـت خـود بـرای خـدا اعتـراف کنـد و از غلـو غلـو کننـدگـان جلـوگیـری نمـایـد، و حجـت را بـر آنـان تمـام سـازد.

با این که مشکل مردم مسئله تولد او بود آن جناب بدان جهت به آن موضوع اشاره نکرد که سخن گفتن مولود خود معجزه است، و معجزه‌ای که هر چه بگویـد جـای تردیـدی نمی‌گـذارد در این که حق است. در آخر کلامـش بر خود سـلام کرد یعنی بر نزاهت و ایمنی خود از هر قذارت و خباثتی شهادت داد و از پاکی و طهارت مولود خبر داد:

«گفت:

- مـن بنـده خـدایـم!

(۱۳۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مـرا کتـاب داده،

و پیغمبر کـرده است،

هـر جـا کـه بـاشـم بابرکتم کرده است،

و به نماز و زکات، مادام که زنـده بـاشـم ، سفـارشم فـرمـوده است،

نسبت به مـادرم نیکوکارم کرده، و گردن‌کش و نافرمان نکرده است،

سـلام بـر مـن روزی کـه تـولـد یـافتـه‌ام و روزی کـه بمیـرم،

و روزی کـه زنـده بـرانگیختـه شـوم!»

عیسی در این آیـات، اول از" کتاب "دادن خـدا به خود خبر داد که ظاهرا همان انجیل اسـت، و سـپس به" نبـوت "خـود تأئیـد کـرد.

(عیسـی علیه‌السـلام در آن روز فقط نبی بوده که نبوتش در همان روز به او داده شـده بود و بعـدها خداونـد سـبحان او را به رسالت بـرگـزیـد.)

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود (۱۳۹)

آن‌گـاه عیسـی ادامـه داد کـه: «مـن هـر جـا کـه بـاشـم خـدای تعـالی آن جـا را بـا بـرکـت کرده است.» معنـای مبـارک بـودنش، هر جـا که باشـد، ایـن اسـت که محل برای هر برکـتی باشـد. برکت به معنـای نمـو خیـر است، یعنـی او بـرای مـردم بسیـار مناعف دارد و علم نافع به ایشـان می‌آموزد، و به عمل صالحشان دعوت می‌کند، و به ادبی پاکیزه تربیتشان می‌کند، و کور و پیس را شفا می‌دهد، و اقویا را اصـلاح و ضعفـا را تقـویت و یـاری می‌نمـاید.

عبـارت «اَوْصانی بِالصَّلوةِ وَ الزَّکوةِ» (۳۱ / مریم) اشـاره به این است که در شـریعت او نمـاز و زکـات تشـریع شـده است. نماز عبارت است از: توجه بندگی مخصوص به سوی خدای سبحان. زکـات عبارت است از: «انفـاق مـالـی» و ایـن دو حکـم در بیسـت و

(۱۴۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

چندجای قرآن مجید قرین هم ذکر شده است.

عیسی علیه‌السلام در سه موطن تکون و هستی‌اش به خودش سلام کرده است. بر یحیی نیز در این مواطن سلام شده است، ولی سلام عیسی دلالت بر نوعی سلام خاص ندارد و سلام عمومی است. در داستان یحیی علیه‌السلام سلام کننده خدای سبحان بود، ولی در این داستان خود عیسی بوده است.

«ذلِکَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذی فیهِ یَمْتَرُونَ!» (۳۴ / مریم)

این جا اشاره به سراپای داستانی است که قرآن کریم از سرگذشت و اوصاف عیسی آورده است، و می گوید:

«این شخصی که ما درباره ولادتش سخن گفتیم،

او خود را به عبودیت و نبوت و کتاب معرفی کرد،

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود (۱۴۱)

همان عیسی بن مریم است!

این همان عیسی بن مریم است که درباره‌اش شک و نزاع می کنند،

نشاید که خداوند فرزندی بگیرد!

او منزه است، چون کاری را اراده فرماید،

فقط به او گوید: باش! و وجود یابد!

خدای یک‌تا پروردگار من و پروردگار شماست!

او را بپرستید! راه راست این است!

در این آیات گفتار نصاری راجع به فرزند بودن مسیح برای خدا ابطال و نفی شده است. (۱)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۵۱ .

(۱۴۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

دیدار و گفتگوی مریم با ملک

«وَ اِذْ قالَتِ الْمَلائِکَةُ یا مَرْیَمُ....»

«آن‌گاه که فرشتگان گفتند:

- ای مریم... .» (۴۲ / آل عمران)

آیه شریفه فوق در قرآن مجید دلالت بر آن دارد که مریم علیهاالسلام «محدَّثه» بوده است، یعنی «کلام ملائکه» را می‌شنیده است.

در سوره مریم در همین قسمت، گوینده کلام با مریم «روح» نامیده شده است، و گفتگوی زیر بین آنان در قرآن مجید نقل شده است:

دیدار و گفتگوی مریم با ملک (۱۴۳)

«گفت:

- من رسول پروردگارت هستم که برای بخشیدن فرزندی پاک به سوی تو نازل شده‌ام!

مریم گفت:

- کجا مرا پسری پدید آید با آن که دست بشری به من نرسیده است،

و من کار ناشایسته‌ای نکرده‌ام؟!

روح القـــــــدس گفـــت:

- ایـن کـار خـواهـد شـد!

پــروردگـــارت فــرمــوده: ایـن کـــار بـر مـــن آســان اســت!»

همان‌گونه کـه مـلاحظه مـی‌شود، مـریـم عـلاوه بـر شنیـدن صـدای

(۱۴۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

روح‌القـدس با او صحبـت نیـز کرده است.

از آیه شریفه زیر در سوره مریم نیز برمی‌آید که مریم علاوه بر گفتگو با ملك، خـود آن را هم مشاهـده نمـــوده است.

قرآن مجید چگونگی این رؤیت را بدین شرح بیان می‌فرماید:

«پس، مـا روح خــود را بـر او فــرستــادیـم،

کـه به صـورت بشـر کاملی برای او متمثـل گردید.»

وظایف و مقامات مریم علیهاالسلام

قبـل از نقـل واقعـه تـولـد عیسی علیه‌السلام در قـرآن مجیـد، خـداونـد متعـال

وظایف و مقامات مریم (۱۴۵)

مقام و وظـایف مـریـم را از طرق مـلائکه بـه شـرح زیـر بـه او تـذکـر مـی‌دهـد:

«آن گـاه کـه فرشتگـان گفتنـد:

ای مریم!

- خـدای تعالی تـو را برگـزیـد!

- پــــاکیـــزه گــردانیـــد!

- و بر زنـان جهـان برتری بخشیـد!

ای مریم!

- مـلازم اطاعـت خــدایت بــاش!

- سجــده نمــا!

- و نماز را با اهل طاعت به جای آر!»

(۱۴۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ملائکـه بـا ایـن بیان، اخباری را کـه بـه مـریم داده‌انـد، مقـام و منـزلت و وظایف او را در قبـال خـــدای تعــالی شــرح داده‌انــد:

"بـرگـزیـدن "عبـارت از قبول نمـودن او بـرای عبادت است.

"تطهیر "عبارت از داشتن عصمت، و معصومه بودن اوست.

برگزیـدن و اصطفاء و اختیار نمودن مریم بر زنان عالم، تقدمی است که او بر آنان پیدا کرده است. اینک در مقابل، این سؤال پیش می‌آیـد که" آیا تقدم مریم بر زنان جهان در جمیع جهات بوده یا در بعض آن "؟ آنچه از آیات مربوط به ولادت حضرت عیسـی ظاهر می‌شود، این" تقـدم "در شـأن عجیبی اسـت، کـه راجع بـه ولادت عیسـی علیه‌السلام نصیب او شــده اسـت، زیـرا آیـات مـزبـور از مـوضـوعـات راجع بـه زنـان، غیـر از آن قسمـت و مطلب را ذکـر نکـرده است.

وظایف و مقامات مریم (۱۴۷)

اما موضوعات دیگری که در ضمن آیات مربوطه ذکر گردیده، مانند: پاك بودن، تصدیق کلمات الهی و کتب آسمانی، و هم‌چنین محدثه بودن و غیره، اموری است که اختصاصی به مریم ندارد بلکه برای غیر او هم پیدا شده است.

این که می گویند، مریم بر زنان جهان عصر خود تقدم پیدا کرده بود، مطلق بودن آیه آن را دفع می کند.

اما، وظایف مریم را در قبال این مقام و درجه‌ای که از طرف الهی اعطاء شده، آیات چنین شرح می کنند:

«ای مریم!

اکنون که خدا چنین مقامی به تو کرامت کرده است،

تو هم" قنوت "و" سجده "و" رکوع "برای خداوند را ترک مکن!»

(۱۴۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بعید نیست که هر یك از این سه نحوه عمل به ترتیب در برابر یکی از آن سه منزلتی است که خدایش ارزانی داشته است. یعنی:

- چون خدایت برگزید، ملازم عبودیت و بندگی او باش!

- و چون تو را پاك گردانید، سجده‌اش کن!

- و چون بر زنان جهان برتری دادت، باراکعان رکوعش کن!(۱)

مریم، و نام و ذکر او در قرآن

«وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتی اَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فیهِ مِنْ روُحِنا....»

(۱۲/ تحریم)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۳.

مریم، و نام و ذکر او در قرآن (۱۴۹)

از زنانی که خداوند سبحان در قرآن شریف مثل می‌زند، به خاطر ایمان خالص‌شان به خدا و رسول و قنوتشان و حسن اطاعتشان، در تاریخ، دو زن هستند: یکی آسیه زن فرعون، و دومی مریم دختر عمران.

مریم"، صدیقه و قانته "بود، که خدا به کرامت خود گرامی‌اش داشت، و از روح خود در او دمید:

«وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذینَ امَنُوا....» (۱۱ / تحریم)

«مریم است دختر عمران که بانوئی پاك بود،

ما در رحم او از روح خود بدمیدیم،

و او کلمات پروردگار خود را،

(۱۵۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و کتب او را تصدیق داشت،

و از خاشعان بود!»

در خصوص مریم علیهاالسلام می‌بینیم که به نام مبارکش در آیه فوق تصریح فرموده‌است.اصولاً در قرآن کریم جز" مریم "نام هیچ زنی برده‌نشده‌است،و تنهاآن صدیقه قانته‌است که درحدود بیست و چند سوره و در سی و چندآیه‌نام اورا برده‌است.

خداوند سبحان مریم را به خاطر عفتش می‌ستاید و می‌فرماید:

«الَّتی اَحْصَنَتْ فَرْجَها !» (۹۱ / انبیاء)

ستایش مریم علیهاالسلام در قرآن مکرر آمده است، و شاید این به خاطر رفتار ناپسندی باشد که یهودیان نسبت به آن جناب روا داشته‌اند، و تهمتی باشد که به وی زده‌اند، و قرآن کریم در حکایت آن می‌فرماید:

مریم، و نام و ذکر او در قرآن (۱۵۱)

«وَ قَوْلِهِمْ عَلی مَرْیَمَ بُهْتانا عَظیما !» (۱۵۶ / نساء)

سپس، قرآن مجید از تصدیق او به کلمات پروردگارش ستایش می‌کند و می‌فرماید:«وَ صَدَّقَتْ بِکَلِماتِ رَبِّها!» (۱۲ / تحریم)

یعنی مریم کلمات پروردگار خود را که به قول بعضی همان وحی انبیاء باشد، تصدیق کرد. بعضی دیگر گفته‌اند که مراد به کلمات خدای تعالی در ا ین جا وعده و تهدید و امر و نهی خداست، ولی این وجه درست نیست زیرا بنابراین دیگر احتیاج نبود نام کتب خدا را ببرد، چون کتب آسمانی همان وعد و وعید و امر و نهی است.

سپس، قرآن مجید از تصدیق مریم نسبت به کتب الهی یاد و ستایش می‌کند. منظور از کتب الهی همان کتب است که شرایع خدای تعالی در آن‌هاست، شرایعی که از آسمان نازل شده است، مانند: کتاب تورات و انجیل، و در اصطلاح قرآن کریم هم کتب

(۱۵۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

آسمانی همین است، و شاید منظور از تصدیق کلمات پروردگارش و تصدیق کتب الهی این باشد که مریم علیهاالسلام صدیقه بوده است، که در آیه دیگر قرآن (۷۵ / مائده) می‌فرماید:

«مسیح پسر مریم غیر از فرستاده‌ای نبود،

فرستاده‌ای که قبل از او هم فرستادگانی بودند،

و مادرش صدیقه و راستگو بود.»

یکی دیگر از تعریف‌هائی که قرآن مجید از مریم علیهاالسلام می‌فرماید، قانت بودن اوست ، یعنی مریم از زمره مردمی بود که مطیع خدا و خاضع در برابر اویند، و دائما بر این حال هستند.

اگر مریم علیهاالسلام را با این که زن بود فردی از قانتین خواند (با این که کلمه قانتین جمع مذکر است،) بدین جهت بود که بیشتر قانتین مردان هستند.

مریم، و نام و ذکر او در قرآن (۱۵۳)

در جای دیگر قرآن (۴۳ / آل عمران) آمده که ملائکه به مریم ندا دادند و گفتند:

«ای مریم! برای پروردگارت قنوت و سجده کن و با راکعان رکوع نما!» در مجمع‌البیان از ابی موسی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که فرمود:

- از مردان بسیاری به حد کمال رسیدند ولی از زنان به جز چهار نفر به حد کمال نرسیدند: اول آن‌ها آسیه زن فرعون بود، دومی مریم دختر عمران، سومی خدیجه دختر خویلد، چهارمی فاطمه دختر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله !

در درمنثور این روایت از طریق ابن عباس به نحو دیگر نقل شده که در آن جا از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که افضل زنان اهل بهشت این چهار زن هستند. (۱)

۱- المیزان، ج ۳۸، ص ۳۴۰ .

(۱۵۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

آل عمـــران کیستند؟

«اِنَّ اللّهَ اصْطَفی ادَمَ وَ نُوحا وَ الَ اِبْراهیمَ وَ الَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمینَ....»

(۳۳ / آل عمران)

آیه مبارکه فوق می‌فرماید:

«خدا، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید!»

به حسب ظاهر به نظر می‌رسد که منظور از عمران، همان پدر مریم است، نه پدر

آل عمران کیستند؟ (۱۵۵)

موسی علیه‌السلام . چنان که ذکر نمودن داستان" زن عمران "و" مریم دختر عمران "پس از دو آیه فوق‌الذکر در سوره آل عمران در قرآن مجید اشعار به آن دارد.

در قرآن شریف چند جا که نام" عِمْران "برده شده، همه‌اش منظور" عمران پدر مریم "است ولی حتی در یک مورد هم صراحتا نام" عمران پدر موسی "ذکر نگردیده است.

این‌ها خود مؤید این است که: مقصود از" آل عمران "عبارتند از" مریم "و" عیسی "و یا آن دو با" زوجه عمران. "

(اما این که گفته می‌شود، نصاری معترف به این که پدر مریم" عمران "باشد، نشده‌اند، لزومی ندارد که قرآن شریف تابع هوس‌ها و گفته‌های بی‌پایه آن‌ها باشد.) (۱)

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۰۳.

(۱۵۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن

«اِذْ قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ رَبِّ اِنّی نَذَرْتُ لَکَ ما فی بَطْنی مُحَرَّرا!»

(۳۵ تا۳۷/آل عمران)

شرح زندگی مریم در سوره مریم از آن جا آغاز می‌شود که زکریا از خدا درخواست فرزندی کرد که از او و از خاندان یعقوب ارث ببرد و خداوند متعال یحیی را به او داد.

هدف کلی سوره مریم، به طوری که در آخرش بدان اشاره شده، عبارت است از بشارت و انذار:

هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن (۱۵۷)

- «این قرآن را به زبان تو جاری ساختیم،

تا پرهیزکاران را نوید دهی و سخت سران را انذار نمائی!»

چیزی که هست این است که همین غرض را در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته است. نخست به داستان زکریا و یحیی، قصه مریم و عیسی، سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب، ماجرای موسی و هارون، داستان اسماعیل و حکایت ادریس علیهم‌السلام پرداخته و سهمی را که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - خاطرنشان ساخته، و آن‌گاه علت این عنایت را چنین تبیین فرموده است که این بزرگواران خصلت‌های برجسته‌ای داشته‌اند، از آن جمله: نسبت به پروردگار خود خاضع و خاشع بودند.

ولی متأسفانه اخلاف ایشان از یاد خدا اعراض نمودند، و به مسئله توجه به

(۱۵۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

پروردگار به کلی بی‌اعتناء شدند، و به جای آن دنبال شهوت را گرفتند، و به همین جهت به زودی حالت" غی "را که همان از دست دادن رشد بوده باشد، دیدار می‌کنند، مگر آن که کسی از ایشان توبه کند و به پروردگار خود بازگشت داشته باشد، که او سرانجام به" اهل نعمت "می‌پیوندد.

سپس نمونه هائی از لغزش‌های اهل غی و زورگوئی‌های آنان و آراء خارج از منطق‌شان را از قبیل: نفی معاد، و نسبت داشتن فرزند به خدا دادن، و بت‌پرستی، و آن‌چه که از لوازم این لغزش‌هاست از نکبت و عذاب، خاطرنشان می‌سازد.

این سوره، مردم را به سه طائفه تقسیم می‌کند:

۱ ـ آن‌هائی که خداوند انعامشان کرد، که یا انبیاء بودند و یا اهل اجتباء و هدایت،

هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن (۱۵۹)

۲ ـ اهل غی، یعنی آن‌هائی که مایه و استعداد رشد خود را از دست دادند،

۳ ـ آن کسانی که توبه نموده و ایمان آوردند، و عمل صالح کردند، که به زودی به اهل نعمت و رشد می‌پیوندند. (۱)

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی

اعتقاد به الوهیت مریم از نیاکان مسیحیت به اخلاف آنان رسیده و اینک در میان آنان مشهور است.

خدای متعال در قرآن شریف می‌فرماید:

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۰۶ .

(۱۶۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«- ای عیسی!

آیا تو به مردم گفته‌ای که مرا و مادرم را به غیر از خدا دو معبود دیگر اتخاذ کنید؟»

از برخی از نصاری حکایت کرده‌اند که در قرون گذشته قومی بودند به نام" مریمیه "که‌معتقدبودند به الوهیت حضرت مریم علیهاالسلام (نقل از روح‌المعانی)

این که مسیحیان حضرت مسیح را خدا اتخاذ کرده‌اند در آیات قرآنی به وفور بیان گردیده است، اما پرستش مادر مسیح، در کلیساهای شرقی و غربی بعد از قسطنطنین متفق علیه بوده‌است. تنها فرقه پروتستان، که پس از چند قرن بعد از اسلام پیدا شده است، این موضوع را انکار کرده است. کما این‌که در این اواخر اعتقاد به" رسالت "مسیح و این که او" خدا "نیست، روز به روز در میان مسیحیان آمریکا رو به انتشار

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۱)

و توسعه است.

"اچ، جی، ولز "نویسنده مشهور انگلیسی در" مجمل التاریخ "می‌نویسد: این عبادتی که امروزه عامه مسیحیان برای مسیح و مادرش انجام می‌دهند، با تعلیمات خود مسیح مغایر است، برای این که خود مسیح در انجیل" مرقس "نهی کرده از این که غیر خدای یکتا را عبادت و پرستش کنند.

(رجوع شود به صفحه ۵۲۶ و صفحه ۵۳۹ کتاب نام‌برده)

این عبادت که گفتیم مسیحیان نسبت به مریم مادر عیسی علیه‌السلام انجام می‌دهند چند قسم است:

۱ ـ بعضی از آن‌ها نمازی است مشتمل بر دعا و ثنا و استغاثه و استشفاء

(۱۶۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

۲ ـ بعض دیگر عبارت است از روزه‌ای که آن را نسبت می‌دهند به خود مریم، و به نام وی نامیده می‌شود.

همه این عبادات توأم با خضوع و خشوع در برابر صورت و مجسمه و بلکه صورت خیالی مریم انجام می‌شود.

معتقدند به این که مریم دارای سلطنتی است غیبی که با داشتن این قدرت می‌تواند (البته به اعتقاد آنان) خودش، بدون وساطت فرزندش ،نسبت به امور دنیا و آخرت مردم نفع و ضـرر بـرسـانـد.

آنان تصریح کرده‌اند به این که پرستش مریم واجب است.

لازم به تذکر است که از هیچ یک از فرق آن‌ها دیده نشده که کلمه" اله "را بر مریم اطلاق کنند، بلکه همه از مریم تعبیر می‌کنند به": مادر اله!؟ "

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۳)

و بعضی از فرقه‌هایشان تصریح دارند به این که این اطلاق" مادر خدا "اطلاق مجازی و از باب" مبالغه در تعظیم "نیست، بلکه اطـلاقی اسـت حقیقـی!؟

البته اگر چه هم مریم را" اله "ننامند به طور قطع در عمل با مریم معامله" اله "می‌کنند.

و هم‌چنین است که آن‌ها در حلال و حرام پیروی" احبار "و" رهبان "خود می‌کنند، و طوری عمل می‌نمایند که با آنان عملاً معامله" ارباب - خدایان "می‌نمایند، هر چند که آنان را" ارباب "نخوانند.

صریح‌ترین مطلبی که از علمای مسیحیت راجع به این مطلب که نصاری به حقیقت مریم را می‌پرستند، دیده شده، عبارتی است در کتاب" السواعی "از کتاب‌های روم ارتدکس، که در" دیر تلمید "نگهداری می‌شود.

البته، طوائف کاتولیک هم به این معنی تصریح دارند و به آن افتخار می‌کنند.

(۱۶۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در شماره نهم سال هفتم مجله"المشرق "چاپ بیروت، عکس مریم را با نقش و نگارهای رنگارنگ زینت داده و آن را یادبودی برای پنجاهمین سالی که پاپ" پیوس نهم "عصمت مریم را اعلام کرده بود، قرار دادند - وی گفته بود که" آبستنی مریم بدون هیچ خطا و تبه‌کاری صورت گرفته است "!

علاوه بر احترام وی، عبادت‌های کلیساهای مریم را در شرق مانند کلیساهای غرب در عدد" پنجاه "تثبیت نموده‌اند.

(پیوس "نام عده‌ای از پاپ هاست، و یکی از یادگارهای نهمین" پاپ پیوس "برای مسیحیت این بود که" روم "را عاصمه مملکت ایتالیا اعلام نمود، و همین باعث شد که در عهد پاپ پیوس یازدهم، روحانیت مسیح به طور کلی و در تمامی شئون استقلال یافته و "واتیکان "را عاصمه روحانیت اعلام نمودند. یکی از یادگارهای همین پاپ پیوس نهم" اعلام عصمت مریم "است)

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۵)

"پدر لوئیز شنچو "ضمن مقاله‌ای که راجع به کلیساهای شرقی نوشته، چنین می‌گوید: «عبادتی که در کلیساهای ارمنی برای بتول طاهره" مادر خدا "انجام می‌شود، معروف است.»

و نیز می‌گوید: «کلیساهای قبطیه به همین امتیاز که در آن‌ها برای آن بتوله مغبوطه" مادر خدا "عبادت هائی انجام می‌شود، ممتاز می‌گردد.»

"پدر انستاس کرملی "در شماره چهاردهم سال پنجم مجله" المشرق الکاتولیکیه البیروتیه "تحت عنوان (پرستش عذرا عبادتی است قدیمی) عباداتی را ذکر کرده و پس از نقل عبارتی از" سفر تکوین "درباره دشمنی مارها با زن و نسل زن، و این که مراد از زن در این کتاب" مریم عذرا "است، گفته است:

(۱۶۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«... مگر نمی‌بینی کـه قبل از ظهـور" ایلیا "کـه هنـوز هم زنـده است، در هیـچ جا از کتاب آسـمانی اشاره و تصـریحی بـه ایـن کـه مقصـود از زن" مریم "است، دیـده نمی‌شود. و تنها پس از ظهور ایـن نبـی اعظـم پـرده از روی ایـن راز نهانی برداشـته شـد و او بـود کـه ایـن معنا را صـریح و روشـن بیان نمود؟!»

سپس" پـدر انسـتاس "صـاحب مقـاله مزبور، این پرده‌برداری را عبارت دانسـته از مطلبی که در" سـفر ملوک سوم (برحسب تقسیم کاتولیک‌ها ")است، و با آن تطبیق نموده، و آن این است که: «ایلیا موقعی که با غلامش در بالای کرمل ایسـتاده بود، هفت مرتبه به غلامش گفت: به دریا مشرف شو، و نگاه کن ببین در دریا چه می‌بینی؟ در مرتبه هفتم، غلام پس از آن که به دریا مشرف شد و به آن جا نگریست، خبر داد: اینک لکه ابری می‌بینم به قدر کف دست، یک مرد که از دریا طلوع کرده است.»

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۷)

سپس صاحب مقاله گفته است: «همین" پاره ابر "صورت مریم بود. کما این که مفسـرین هم این حدس ما را محقق دانسته‌اند، بلکه هم صورت مریم بوده، و هم صورت طنـاب پاکیزه از پلیـدی‌های اصـلی.» آن‌گاه گفت: «سـبب اصـلی پرسـتش مریم در شـرق عزیز همین مطلب بوده است. و این حادثه تقریبا در حـدود ده قرن قبل از میلاد مسیح رخ داده است. و برگشت این فضیلت در حقیقـت بـه ایـن پیغمبـر عظیـم یعنـی" ایلیـا "است.» آن‌گـاه گفته: «و از همین جهت، اجـداد" کرملی‌هـا "اولین طـایفه‌ای بوده‌انـد که بعـد از پیغمبران و شـاگردان آن‌هـا به الوهیت مسـیح ایمـان آورده‌انـد؟! و اولین طایفه‌ای بودنـد که برای مریم بعـد از عروج جان و تنش به آسمان معبدها به پا کردند.» (نقل از کتاب المنار)

این بود شواهدی از کلمات علمای مسیحیت بر این که بسیاری از ایشان مریم را نیز می‌پرسـتند، و این چنین در دین به گزافه گوئی مبتلا شده‌اند!!!! (۱)

(۱۶۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

۱- الـمیزان، ج ۱۲، ص ۸۵ .

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۹)

فصل چهارم :حضرت عیسی علیه‌السلام از تـولـد تا رسـالـت

عیسیِ قرآن کیست؟

- عیسی" بنده خدا "و هم" پیغمبر "بود.

- او از جانب خدای تعالی به سوی" بنی‌اسرائیل " "مبعوث "شد.

(۱۷۰)

- او یکـی از پیـامبران پنج‌گـانـه است کـه" اولواالعـزم "و" صـاحب شـریعت و کتـاب "بودنـد. کتاب او" انجیـل "نـام دارد.

- خـدای تعـالی او را بـه" مسیح عیسی "نـامیـده اسـت.

- او کلمـهٔ اللّه و" روح اللّه مـی‌بـاشـد.

- او" امـام و پیشوا "و از" شهدای اعمال "است.

- عیسی علیه‌السلام آمدن رسول گرامی اسلام را" بشارت "داده است.

- او در دنیا و آخرت" وجیه "و آبرومند است.

- او از" مقـربیـن "و از" بـرگـزیـدگـان "است.

- خدا او را" اختیار"نمود، و از" صالحین "است.
- او در هر حال" مبارک "و همچنین از" پاکیزگان "است.
اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۷۱)
- خدا او را" نشانه‌ای "برای مردم قرارداد، و او" رحمتی "از جانب خدای‌سبحان است.
- عیسی نسبت به مادرش" نیکوکار "بود، و همچنین خدا بر او" درود "فرستاده است.
- او از کسانی است که خدا به او" کتاب و حکمت "آموخت.
این‌ها بیست و دو وصف از مقامات" ولایت "است که خدای تعالی در قرآن شریف پیغمبر مکرمش" عیسی"را به آن‌ها توصیف فرموده است. چنان که ملاحظه می‌شود صفات فوق‌الذکر بر دو دسته‌اند:
۱ ـ صفات اکتسابی: مانند" بندگی خدا "و" قرب حق "و" نیکوکار شدن. "
۲ ـ صفات اختصاصی که در قسمتی از لیست بالا آن‌ها را شرح دادیم. (۱)
۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۵۰ .
(۱۷۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن

آیات سوره‌های مریم، آل عمران، احزاب، شوری، مائده، نساء، صف، انعام، انبیاء و تحریم شامل مطالبی است درباره تاریخ زندگی مریم علیهاالسلام و فرزندش عیسی علیه‌السلام که مشروح آن در مباحث بعدی نقل خواهد شد. خلاصه‌ای از این مطالب که مربوط به زندگی مریم بود در اول فصل سوم همین بخش ذکر گردید، و ذیلاً خلاصه قسمتی که مربوط به زندگی عیسی علیه‌السلام است با تکرار مواردی از مبحث قبلی دنبال می‌شود:
خلاصه زندگی عیسی علیه‌السلام را از لحظه تولد او ذکر می‌کنیم، زمانی که مریم طفل
خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن (۱۷۳)
نوزاد را به خانه آورد، و مردم از شنیدن این که دختر عمران دارای نوزادی شده او را مورد شماتت قرار دادند، و مریم بدون این که حرف بزند اشاره به کودکی کرد که در گهواره بود، و در این لحظه ...
طفل به امر خدا به زبان آمد و گفت:
- من بنده خاص خدایم، که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطاء فرموده است، من هر کجا که باشم، مرا مبارک گردانیده، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش نموده، و همچنین به نیکوئی با مادرم توصیه فرموده، و مرا ستمکار و شقی نگردانیده است. روز ولادت و مرگ و همچنین روزی که برانگیخته شوم، سلام و درود حق بر من است!
این جملات خود اشاره‌ای بود به آینده عیسی که علیه بیدادگری‌ها و ستمکاری‌ها قیام می‌کند، و برای زنده کردن دین موسی و از بین بردن کجی‌ها که در آن پدید آمده و
(۱۷۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
تجدید معارف و حقایقش و برافکندن اختلافات و مشاجرات، به پا می‌خیزد.
عیسی رشد و نمو کرد تا به سن جوانی رسید. او و مادرش مریم هر دو روی عادت جاری در زندگی بشر - از خوردن و آشامیدن و سایر عوارض وجودی - تا آخر عمرشان زندگی می‌کردند.
سپس عیسی علیه‌السلام مبعوث به رسالت شد.

عیسی بنی‌اسرائیل را به دین توحید دعوت می‌نمود، و بـه آنان می گفت:

«... من از طرف خدای تعالی معجزه‌ای آورده‌ام، و آن معجزه این است که: از گِل مجسـمه مرغی می‌سازم و در آن می‌دمم تا به امر خدای سبحان مرغی گردد. مـن کر مـادرزاد و مبتلاـی به پیسـی را بـه امـر خـدا شـفـا می‌دهـم، و مـردگـان را بـه امـر خـدا زنـده مـی کنـم، و بـه شمـا از غیـب خبـر مـی‌دهـم کـه در خـانـه‌هـایتـان

خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن (۱۷۵)

چـه مـی‌خوریـد و چه ذخیره مـی کنیـد.

این معجزات برای شما حجت و نشانه حقانیت من است.

همانا پروردگار من و شما خداست، پس او را بپرستیـد!»

عیسـی علیه‌السـلام آنان را به شریعت جدید خود - که عبارت از تصدیق شریعت موسی علیه‌السلام بود، و تنها بعضی از چیزهائی را که بر یهود در تورات حرام شده بود، حلال فرمود - دعوت می کرد، و به بنی‌اسرائیل می‌فرمود:

«مـن بـرای شمـا حکمـت آورده‌ام. آمـده‌ام تـا بعض چیـزهـائـی کـه در آن‌هـا بـا یکدیگر اختلاف دارید، رفع اختلاف نمـایم.»

هـــم‌چنیـــن بـــه آنـــان مـی گفـــت:

«ای بنـی‌اسـرائیل ! مـن فـرستـاده خـدا بـه سوی شمـایـم.

(۱۷۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

تـــورات را تـصـــدیـق مـــی‌نمـــایـــم،

و به رسولی که بعد از من می‌آید، و نامش" احمد "است، بشارت می‌دهم!»

عیسی علیه‌السلام معجزاتی را که بر آنان ذکر نمود، (از آفریدن پرنده، زنده کردن مردگان، بینـا کـردن کـوران مـادرزاد، شفـا دادن مبتلـایـان بـه پیسـی و خبر دادن از غیـب) همـــه را بـــه اذن الهـی بـرایشـان عملـی کـرد.

او پیوسته آنان را به یگانگی خدا و شریعت جدید خود دعوت می‌کرد، تا در اثر دشمنی بنی‌اسرائیل و تکبر ورزیدن علمای آنان، از ایمان آوردنشان مأیوس شـد، و پس از مأیوس شـدن، از عـده کمی که به او ایمان آورده بودند (حواریون) را انتخاب کرد تا در راه خدا و دعوت به دین یار و انصار او باشند.

سرانجام، یهود بر آن حضرت هجوم آورده و خواستند او را به قتل برسانند،

خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن (۱۷۷)

خـداونـد سبحـان او را از دست یهـودیـان نجـات داد و به آسمان بالا برد.

موضوع او برای یهودیان مشتبه شد. بعضی گمان کردند او را کشته‌اند، و برخی دیگر گمان بردند که او را به دار آویخته‌اند.

این بود خلاصه مطالبی که قرآن شریف در آیات سوره‌های مبارک خود درباره داسـتـان حیات و زنـدگی عیســی علیه‌السلام بیـان فـرمـوده اسـت. و مشروح آن‌هـا در مباحث بعـدی شـرح داده خـواهـد شـد. (۱)

جـــزئیـــات تـــولـــد عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن

۱- الـمیـزان، ج ۶، ص ۱۴۷ .

(۱۷۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«اِذْ قالَتِ الْمَـلائِکَـةُ یا مَـرْیَـمُ اِنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ » (۴۵ تا ۵۱ / آل عمران)

«آن گـاه که مـلائکـــه بـــه مریـــم گفتنـــد:

- ای مریم! خدا تو را به کلمه‌ای از خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است،
بشارت می‌دهد.
او در دنیا و آخرت دارای وجاهت است،
و از مقربان درگاه الهی است.
فرزند تو در گهواره، و در سن کهولت، با مردم سخن گوید،
و او از جمله صالحین است!
جزئیات تولد عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن (۱۷۹)
مریم عرض کرد:
- پروردگارا!
چگونه مرا فرزندی تواند بود،
با این که دست بشری به من نرسیده است!؟
گفت:
- چنین است کار خدا!
که او هر چه را بخواهد می‌آفریند،
و چون مشیتش به خلقت چیزی تعلق گیرد،
به محض گفتن : موجود باش!
همانده موجود می‌شود!»
(۱۸۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
شرح این گفتگوی مریم با ملائکه در سوره مریم آمده که، متعاقبا شرح داده خواهد شد، اما نکته‌ای که این جا قابل ذکر است، این است که در سوره مریم خدای تعالی می‌فرماید:
«ما روح خود را بر او فرستادیم، که به صورت بشر کاملی برای او مجسم شد.
مریم گفت:
- من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر پرهیزکار باشی!؟ روح القدس گفت:
- من رسول پروردگارت هستم، که برای بخشیدن فرزندی پاک به سوی تو نازل شده‌ام!»
از این که" ملائکه "و" روح "با مریم تکلم نموده‌اند روشن می‌شود که مریم" محدثه "
جزئیات تولد عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن (۱۸۱)
بوده و از آن بالاتر ملک به صورت انسانی کامل عیار بر مریم متمثل شده، و مریم او را دیده است.
این‌که مریم علیهاالسلام پروردگارش را مخاطب قرار داده و سخنش را با او چنین گفت:
«پروردگارا! چگونه مرا فرزندی تواند بود،
با این که دست بشری به من نرسیده است!؟»
با این که متکلم با او به حسب ظاهر" روحی "است که به صورت انسان مجسم شده، و اگر چه از ناحیه روح خطاب متوجه مریم شده، لکن چون کلام ملائکه و روح و جبرئیل تماما کلام خدای تعالی است، حضرت مریم می‌دانست کسی که با او سخن می‌گوید در واقع خداست، لذا رسما خطاب را به حضرت او متوجه نمود و گفت:

ـ پـروردگـــارا...!(۱)

(۱۸۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام

«...بِکَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ... .»

«... ای مریم! خدا تو را به" کلمه‌ای "از خود، که نامش " مسیح، عیسی بن مریم "اســت، بشــارت مـی‌دهـــد!» (۴۵ / آل عمـران)

۱ ـ کلمــــــــــه

"کلمه "در اصطلاح قرآن، کلمه‌ای است که منسوب به خداست، و آن عبارت است از

۱– الـمیـــــزان، ج ۵، ص ۷ .

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام (۱۸۳)

چیـزی که اراده الهـی با آن ظـاهـر می‌شـود. مـاننـد": کلمـه ایجاد "و" کلمه وحی...."

مــراد از" کلمـــه "در ایــن آیــه خـود" عیسی "است، از آن جهـت کـه عیســی" کلمــه ایجـاد "می‌بـاشد.

و این که تنهـا عیسـی را به کلمه ایجـاد اختصـاص داده، بـا این که هر انسـان، بلکه هر شئی دیگر در عـالم" کلمه ایجاد "در حقش صادق است، برای این است که سایر افراد انسانی ولادتشان روی اسباب عادی و از طریق مراحل زناشوئی است، لکن چون در مورد عیسی علیه‌السـلام بعض اسباب عادی و تدریجی، مفقود بوده، و تنها وجودش به وسـیله" کلمه تکوین "صورت گرفته است، نفس کلمه تکوین شده است، چنان که آیات زیر آن را تـأئیـد می‌کننـد:

«عیسی کلمه الهـی و روحـی از عـالـم الوهیت است کـه بـه مریم القاء شده است!»

(۱۸۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«مثـال خلقت عیسـی در نزد خـدا، مثـال خلقت آدم است، که او را از خـاک بســاخـت و سـپس بـه آن گفت، بشـری تمـام عیـار و کـامل بـاش، همـانـدم موجود گردید!»

۲ ـ مسیح

"مسیح "عبارت است از" ممسوح "یعنی" مسح شده، "و این که عیسی را مسیح گویند وجــوه زیــادی در تـوجیـه آن گفتـه شــده است:

ـ برای آن است که با" یمن و برکت "مسح شده،

ـ یا به روغن زیتونی است که انبیاء را با آن مسح می‌کردند، او هم مسـح شـده است،

ـ یـا جهتـــش مســح نمـودن جبـرئیـل اوراسـت در مــوقـع ولادت بــا بـال خـــود، تــا از وســوسـه شیطــان در امــان بــاشـد.

ـ یا به جهت مسح نمودن عیسی سر یتیمان، یا مسح نمودن چشم کور و شفا دادن

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام (۱۸۵)

آن، یا مســح نمودن بیمــاران را با دست خــود و بهبــودی پیدا کردن آن‌ها، می‌باشد.

این‌هـا وجـوهی اسـت کـه برای تسـمیه عیسـی به" مسـیح "ذکر شـده، لکن آن‌چه در این بـاره قابـل اعتمـاد است، آن است که لفظ "مسیح "در ضمـن بشـارتـی کـه جبـرئیـل به مـریـم داده، واقع شده است، آن جـا کـه مـی‌فـرمـایـد:

«خدا بشارت می‌دهد تو را به کلمه‌ای از خود،

که نامـش" مسیح عیسی بـن مـریـم "اسـت!»

و این لفظ" مسیح "به عینه معرب"مشیحا "است که در کتب عهدین نام برده شده است. و از طرفی هم عادت بنی‌اسرائیل بر آن بوده که چون پادشاهی از ایشان می‌خواست به امر پادشاهی قیام کند"، کهنه مقدس "او را مسح می‌کردند تا پادشاهی برایش مبارك باشد، و او را هم" مشیحا "می‌گفتند.

(۱۸۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بنابراین معنی مسیح یا" مبارك "است و یا" ملك. "

از کتب اهل کتاب هم چنان استفاده می‌شود که جهت نام نهادن او به" مشیحا "آن بوده که در بشارت دادن به مریم تصریح به دوام "ملك عیسی "شده، و وی را" ملك منجی بنی‌اسرائیل "شمرده است.

در انجیل لوقا باب اول داردکه:

"و ملك وی را گفت که مترس ای مریم! زیرا که تو یافته‌ای نعمت خداداد را – و اینك تو آبستن خواهی شد، و خواهی زائید، و او را عیسی خواهی نامید – و او شخص بزرگی خواهد بود، و فرزند خدای تعالی خوانده خواهد شد، و خداوند تخت پدرش داود را به وی خواهد داد – و بر دودمان یعقوبی تا ابد سلطنت رانده و سلطنتش را نهایت نخواهد بود. (انجیل لوقا – ۳۴)

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام (۱۸۷)

بعید نیست نام نهادن آن حضرت در ضمن بشارت به" مسیح "برای افاده مبارك بودن اوست، زیرا تدهین و مسح نمودن با روغن زیتون هم در نزد آنان برای مبارك شدن بوده است. و آیه زیر آن را تأئید می‌کند:

«آن طفل به امر خدا زبان گشود و گفت:

– من بنده خاص خدایم!

که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده،

و مرا هر کجا که باشم" مبارك "قرار داده است!»

۳ ـ عیسی پسر مریم

"عیسی "اصلش" یشوع "است که به منجی یعنی شخص نجات دهنده تفسیر شده، و در بعض اخبار" عیسی "را به معنی" یعیش "یعنی "زندگی‌می‌کند "تفسیر نموده‌اند.

(۱۸۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

واضح است که به واسطه نامیده شدن فرزند زکریا به" یحیی "و مشابهت داشتن آن دو با یکدیگر، این تفسیر درمورد کلمه "عیسی "مناسب‌تراست. این که‌در ضمن بشارت"، عیسی "را به" بن مریم "مقید نمود، برای آگاهی به این مطلب است که او بدون پدر آفریده خواهد شد، و با این وصف هم معروف شده، و مادرش" مریم "نیز در آیت بودن او شریک است.

«وَ جَعَلْناها وَابْنَها ایَةً لِلْعالَمینَ!» (۹۱/انبیاء)(۱)

اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد

۱– المیزان، ج ۶، ص ۱۰.

اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد (۱۸۹)

«مِنْهُاسْمُهُ‌الْمَسیحُ‌عیسَی‌ابْنُ‌مَرْیَمَ‌وَجیها فِی‌الدُّنْیا وَالاخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبینَ!»

(۴۵ / آل عمران)

زمانی که ملائکه بشارت تولد عیسی علیه‌السلام رااز جانب خدا به مریم‌دادند، مشخصاتی برای این نوزاد شمردند که مقام و منزلت او رادر دنیا و آخرت نشان می‌دهد:

«او کلمه‌ای است از خدا، و اسمش مسیح عیسی پسر مریم است،

او دارای وجاهت دنیوی و اخروی است،

و همو از مقربین است!»

"وجاهت "عبارت است از مقبولیت، و مقبولیت حضرت عیسی در دنیا روشن است، و در آخرت نیز با نص این آیه شریفه قرآن ثابت می‌شود.

(۱۹۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

عیسی" مقرب "درگاه خدای تعالی نیز بوده، و داخل در صف اولیاء خدا و همچنین از مقربین از ملائکه از نظر تقرب می‌باشد.

آیه زیر در قرآن مجید آن حضرت را در صف مقربین از ملائکه شمرده است:

«هرگز مسیح از بنده خدا بودن استنکاف نداشته،

و فرشتگان مقرب همچنینند!»

معنی" مقرب بودن "یا مقرب شدن بنده‌ای به خدای سبحان، آن است که در سلوك و پیمودن راه بازگشت و رجوع الی اللّه بر سایر افراد نوع خود پیشی گیرد و سبقت پیداکند، راهی که همه افراد، خواه و ناخواه، آن را طی می‌کنند. این معنی را خداوند متعال در آیات سوره واقعه و انشقاق شرح داده است.

انسان، اگر در این که" مقربین "صفت یک دسته از افراد انسان و همچنین

اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد (۱۹۱)

صفت یک دسته از ملائکه می‌باشد، تأملی کند، خواهد فهمید که آن مقام، یک مقام اکتسابی حتمی نیست، زیرا روشن است که ملائکه مقاماتی که دارند با اکتساب پیدا نکرده‌اند، پس ممکن است آن مقام را به ملائکه به طور بخشش عطا کنند، و به انسان به واسطه عمل و اکتساب! (۱)

تشبیه ولادت عیسی علیه‌السلام با خلقت آدم علیه‌السلام

«اِنَّ مَثَلَ عیسی عِنْدَ اللّهِ کَمَثَلِ ادَمَ....» (۵۹ / آل عمران)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۴ .

(۱۹۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در آیه فوق تولد عیسی علیه‌السلام را به خلقت آدم تشبیه می‌فرماید تا روشن سازد که این طرز ولادت (یعنی بدون واسطه پدر آفریده شدن) به بیشتر از بشر بودن و مخلوق بودن عیسی علیه‌السلام دلالت ندارد.

خدای متعال می‌فرماید:

«کیفیت خلق عیسی در نزد خدا، شبیه کیفیت خلق آدم است،

که اجزایش‌را از خاک جمع‌نمود،

و با گفتن کلمه" باش "بدون واسطه پدری او را آفرید!»

آیه شریفه فوق دارای دو دلیل بر نفی الوهیت و خدائی عیسی است:

۱ ـ عیسی را خدا بدون پدر خلق کرد، کسی هم که مخلوق باشد به ناچار بنده خدا خواهد بود، نه آن که مقام

الوهیت داشته باشد!؟

تشبیه ولادت عیسی علیه‌السلام با خلقت آدم علیه‌السلام (۱۹۳)

۲ ـ آفریدن عیسی بالاتر از آفریدن آدم نیست. پس اگر سنخ خلقتش مقتضی الوهیتش باشد، باید مسیحیان برای آدم هم مقام الوهیت قائل شوند، با این که درباره آدم چنان عقیده‌ای ندارند!

پس باید درباره عیسی هم قائل به خدائی او نشوند، زیرا هر دو در این که بدون پدر آفریده شده‌اند، شبیه یکدیگرند.

از آیه شریفه مطلب دیگری هم استفاده می‌شود، و آن این که: خلقت عیسی مانند خلقت آدم خلقتی طبیعی است، گرچه از نظر سنت جاری در نسل (که نیازمندی پدر باشد)، خارق العاده است. (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۴۱ .

(۱۹۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

(۱۹۵)

فصل پنجم:وظایف اصلی رسالت عیسی علیه‌السلام

دو وظیفه اصلی رسالت عیسی

«وَ مُصَدِّقا لِما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْریةِ وَ لِاُحِلَّ لَکُمْ بَعْضَ الَّذی حُرِّمَ عَلَیْکُمْ!»

(۵۰ / آل عمران)

عیسی علیه‌السلام رسولی است که بر بنی‌اسرائیل فرستاده شده و خدای تعالی در

(۱۹۶)

اول این سلسله آیات این وظیفه را با عبارت: «وَ رَسُولاً اِلی بَنی اِسْرائیلَ» (۴۹ / آل عمران) بیان فرموده است.

در آیات فوق از زبان خود آن بزرگوار می‌فرماید:

«کتاب تورات را تصدیق می‌کنم،

و برای شما بعض چیزهائی که تاکنون حرام بود، حلال می‌کنم،

برای شما معجزه و نشانه" نبوت "آوردم،

پس از خدا بترسید، و مرا هم اطاعت کنید،

همانا خداست پروردگار من،

و شما او را بپرستید!

که راه راست همین است!»

دو وظیفه اصلی رسالت عیسی (۱۹۷)

۱ ـ تصدیق تورات

تصدیق نمودن عیسی علیه‌السلام تورات متداول درزمان خودش را،به آن اندازه‌ای بوده که خدااز تورات حقیقی نازله برموسی علیه‌السلام به او تعلیم کرده است.پس درتصدیق او دلالتی بر عدم تحریف توراتی که در آن زمان بین یهودیان متداول بوده، نیست. (چنان که تصدیق نمودن پیغمبر اکرم اسلام صلی‌اللهعلیه‌وآله هم تورات را، دلالتی بر عدم تحریف تورات متداول زمان خود ندارد.)

۲ ـ حـلال کردن بـرخـی حـرام‌ها

خدای متعال به واسطه ظلم یهود، بعضی از طیبات و روزی‌های حلال را بر آنان

(۱۹۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

حرام کرده بود، تا این که عیسی علیه‌السلام آمد و آن‌ها را نسخ کرده و برایشان طیبات حرام را حلال فرمود. ایـن مطلـب را خـدای تعـالی در سـوره نسـاء چنین فرموده است: «به جهـت ظلمـی که یهـودیـان (دربـاره پیغمـبران و نفس خود) کردنـد، مـا نعمت‌هـای پاکیزه خود را کـه بر آنـان حـلال بـود، حرام کردیم!»

آیه شـریفه دلالـت‌دارد که عیسـی علیه‌السـلام احکام مـذکور در تورات را امضاء فرموده و به غیر از احکـام شـاقـی را که نسـخ فرمود، بقیـه احکـام آن را قبـول داشته است. (۱)

عیسی مبعوث به بنی‌اسرائیل و کل مردم

«وَ رَسُولاً اِلی بَنی اِسْرائیلَ!» (۴۹ / آل عمران)

۱– المیزان، ج ۶، ص ۲۴ .

عیسی مبعوث به بنی‌اسرائیل و کل مردم (۱۹۹)

آن‌چه از ظاهر آیه فوق استفاده می‌شود آن است که عیسی علیه‌السلام تنها مبعوث بر بنی‌اسرائیل بوده است، اما با توجه به تفسیر آیه «کانَ النّاسُ اُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیّینَ....» (۲۱۳ / بقره) روشن است که عیسـی علیه‌السـلام هم مانند موسـی علیه‌السلام از پیغمبران اولـواالعـزم بوده، و مبعوث به تمام مردم دنیا گردیده است.

البته بـا توجه به فرق وامتیاز بین" رسول "و" نبی، "داشـتن رسالت به یک قوم، با مبعوث شـدن به آنان و غیر آنان، منـافات نـدارد. یعنـی ممکن است شخصی نسبت بـه عده خاصی" رسـول "بـاشـد و در عیـن حـال نسبـت بـه آن‌هـا و غیـر آن‌هـا منصـب" نبـوت" را داشتـه بـاشـد، مانند مـوسی و عیسـی علیه‌السلام .

(نبوت، منصب بعث و تبلیغ است. رسالت، سفارت خاصی است که پیرو حکم و

(۲۰۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

قضـاوت بین مردم می‌باشـد. یعنی" نـبی "انسـانی است که برای بیـان نمـودن دین مبعـوث شـده، لکن" رسول "برای ادا کردن پیـام خاصی است که رد آن به هلاکت منجر می‌شود، و پذیرفتن آن موجب بقاء و سعـادت مردم است.)

بنابراین، وقتی قبل از بعثت پیغمبر اکرم، اهل روم و عده‌ای بی‌شـمار از غربی‌ها و شـرقی‌هـا بـه عیسی علیه‌السلام ایمـان آوردنـد، بـا ایـن کـه از بنی‌اســرائیل نبودنـد. در خطاب‌هـای قرآن نیز نسبت بـه مسیحیان تنهـا مسیحیان بنی‌اسرائیل مـورد نظر نیست، بلکـه مسیحیـان کل جهان مورد خطاب است! (۱)

۱– المیزان، ج ۶، ص ۲۰ .

عیسی مبعوث به بنی‌اسرائیل و کل مردم (۲۰۱)

(۲۰۲)

فصل ششم:شریعت عیسی و انجیل او

شریعت عیسی از نظر قرآن

«وَ اتَیْناهُ الْاِنْجیلَ فیهِ هُدیً وَ نُورٌ....» (۴۶ / مائده)

خداوند متعال در قرآن مجید درباره تفصیل نزول انجیل و مشخصات آن چیزی نفرموده است. همین قدر برابر با بیان نزول تورات بر موسی علیه‌السلام در این سلسله آیات،

(۲۰۳)

و نزول قرآن بر محمـد صلی‌الله‌علیه‌وآله نـزول آن را هـم تـذکر داده است.

این می‌رساند که آن هم کتابی در عرض آن دو کتاب است:

«به دنبال آنان (یهود) عیسی بن مریم را آوردیم،

که تورات را که پیش از او بود، تصدیق می کرد.

و به او انجیل دادیم،

در آن هدایت و نوری است،

و تورات را که پیش از آن است، تصدیق می‌کند،

و برای پرهیزکاران هدایت و پندی است.

انجیلیان باید طبق آن‌چه خدا در آن فرستاده، حکم کنند،

و کسانی که به آن‌چه خدا فرستاده حکم نکنند، آنان همان فاسقانند!»

(۲۰۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

منظور از جمله" به دنبال آنان عیسی بن مریم را آوردیم "،این است که عیسی هم همان مسلکی را که انبیاء پیش از او رفته‌اند، پیموده است، که همان راه دعوت به توحید و تسلیم به خداست.

"انجیل "که در آیه ذکر شده است، و معنایش به حسب لغت" بشارت "است، کتابی است که بر مسیح علیه‌السلام نازل شده است، نه این که صرفا یک بشارت بدون کتاب باشد، ولی خداوند تعالی آن طور که درباره نزول تورات و قرآن به تفصیل سخن گفته، کیفیت نزول انجیل را در کلمات خود بیان ننموده است.

این که خداوند سبحان در برابر توصیف تورات به داشتن" هدایت و نوری است "،منظور آن معارف و احکامی است که در آن است. ولی این که دوباره در این

شریعت عیسی از نظر قرآن (۲۰۵)

آیه می‌فرماید! هدایت و پندی برای پرهیزکاران "،می‌رساند که هدایتی که در اول گفته شده، غیر از هدایتی است که کلمه" موعظه و پند "آن را تفسیر کرده و در مرتبه دوم ذکر شده است.

هدایتی که اول ذکر شده، نوعی از معارف است که در باب عقاید باعث هدایت یافتن و ره‌بردن است، و هدایت دوم نوعی از معارف است که به طرف تقوی در دین سوق می‌دهد و رهبری می کند.

روی این حساب کلمه" نور "مصداق و فردی جز احکام و قوانین فرعی نخواهد داشت. این‌ها اموری هستند که از نورشان استفاده شده و در نور و روشنائی آن‌ها راه زندگی پیموده می‌شود.

از این‌هابه دست می‌آید که منظور از" هدی "در توصیف تورات و بار اول ذکر انجیل

(۲۰۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نوعی معارف اعتقادی چون" توحید و معاد "است، و منظور از" نور "در هر دو جای نوعی احکام و قوانین است، و منظور از "هدی "دوم که در وصف انجیل بیان شده، نوعی پندها ونصیحت هاست.

این که در وصف انجیل تکرار شده" تصدیق کننده کتاب قبلی تورات "منظور تبعیت انجیل از شریعت تورات است. در انجیل چیزی جز امضاء شرع تورات و دعوت به آن نیست، مگر آن مقداری که عیسی علیه‌السلام استثنا کرده و خداوند سبحان هم فرموده است: «تا برخی چیزها که برایتان حرام بود، حلال کنم!»

عبارت «هُدیً وَ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقینَ!» (۱۳۸ / آل عمران) می‌رساند که در انجیلی که بر مسیح علیه‌السلام نازل شده، علاوه بر آن معارف اعتقادی و احکام عملی که در تورات است، عنایت مخصوصی به تقوای در دین شده است.

شریعت عیسی از نظر قرآن (۲۰۷)

دقت در توراتی که امروز میان اهل کتاب رایج است، با این که قرآن به طور کامل قبولش ندارد، و نیز توجه به انجیل‌های چهارگانه که منصوب به" مَتّی و مِرْقِسْ و لُوقا و یُوحَنّا "است، گرچه غیر از آن انجیلی است که بر مسیح نازل شده است، نیز این معنی را تأئید می‌کند.

قضاوت و حکم بر اساس انجیل

خداوند متعال در انجیل تصدیق شرایع و احکام تورات را نموده، مگر آن مقدار از احکامی که نسخ شده، و در انجیل نازل بر عیسی علیه‌السلام تذکر داده است.

انجیل چون احکام تورات را تصدیق کرده و قدری از محرمات آن را حلال کرده

(۲۰۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

است، عمل به تورات (در غیر آن‌چه که انجیل حلال کرده است،) خود عمل به آن‌چه خدا در انجیل فرستاده، می‌باشد، و منظور از حکم به آن‌چه در انجیل نازل شده، همین است. و از این جا سستی دلیل پاره‌ای از مفسرین که به آیه «اهل انجیل باید طبق آن‌چه خدا در آن نازل کرده، حکم کنند!» استدلال کرده‌اند که انجیل خود احکامی مفصل مانند تورات دارد، روشن می‌شود.

اما برای تحکیم این مطلب، خداوند متعال می‌فرماید: «هر کس که حکم نکند بدان چه خدا نازل کرده، آن‌ها فاسقانند!» این عبارت را خداوند تعالی برای تشدید مطلب سه بار تکرار کرده است. دوبار راجع به یهود و یک‌بار راجع به نصاری، البته با اندکی اختلاف: یک‌بار فرموده: «آن‌ها فاسقانند» بار دیگر فرموده: «آن‌ها ستم‌گرانند» و بار سوم فرموده: «آنان کافرانند!»

قضاوت و حکم بر اساس انجیل (۲۰۹)

در مورد نصاری کلمه" فِسْق "را به کار می‌برد، و در مورد یهود کلمه" کفر "و" ستم "را، و این شاید بدان دلیل باشد که نصاری توحید و یگانگی خدا را به عقیده" تثلیث – سه خدا: پدر و پسر و روح القدس "،تبدیل کردند، و پیروی" پولس "که دین مسیح را یک دین مستقل و جدا از دین موسی قرار داد. و با" فدا شدن "عیسی،احکام شرع را برداشته دانست، دست از شرع موسی برداشتند و بدین وسیله و بااین تأویل‌هااز توحید و شریعت توحید خارج شدند، و از دین حق پروردگار فاسق گشتند. (فسق درلغت به معنی خارج شدن چیزی از محل خود است.) ولی یهود جریانات و احکام دین موسی برایشان مشتبه نبود، و آنان با علم به احکام و معارف الهی که در تورات اصلی بود، دست برداشتند، و از آن‌ها روی گردان شدند، و این کفر و ستم به آیات الهی است. (۱)

(۲۱۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

انجیل، کتاب عیسی علیه‌السلام

«...وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ التَّوْریةَ وَ الْاِنْجیلَ... .» (۴۸تا۵۰ / آل عمران)

در این قسمت از آن‌چه در قرآن شریف درباره" انجیل "بیان شده، و از آن‌چه از نظر تحول تاریخی" انجیل امروزی "در دست پیروان عیسی علیه‌السلام می‌باشد، بحث خواهد شد.

آیه فوق عباراتی را نشان می‌دهد که در لحظه بشارت تولد عیسی علیه‌السلام به مریم، از طرف ملائکه الهی بیان گردیده:

۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۲۱۵ .

انجیل، کتاب عیسی علیه‌السلام (۲۱۱)

«و خداوند به عیسی تعلیم کتاب و حکمت کند،

و تورات و انجیل آموزد،

و او را به رسالت بنی‌اسرائیل فرستد.

... کتاب تورات را تصدیق می‌کنم ،

و برای شما بعض چیزهائی که تاکنون

حرام بود حلال می‌نمایم!»

قرآن مجید در آیه دیگر در سوره زخرف چنین می‌فرماید:

«چون عیسی با ادله روشن آمد، گفت :

- برای شما حکمت آورده‌ام!

و می‌خواهم بعضی از احکامی که از تورات در آن اختلاف دارید،

برایتان بیان سازم...!»

(۲۱۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سه جنبه مشخص انجیل از نظر قرآن

قرآن کریم برای انجیل دو جنبه نسخ و اثبات قائل است:

۱ ـ از طرفی می‌فرماید: احکام در تورات است، و در انجیل تنها مقداری از احکام ناسخه ذکر شده است، مانند آن‌چه در آیه اولی اشاره شد.

۲ ـ از طرف دیگر علاوه بر احکام ناسخ، بعض احکام اثباتی هم قائل است، مانند آیه «انجیل را نیز بر او فرستادیم که در آن هدایت و روشنی دل‌هاست، تصدیق به درستی تورات نموده، و وسیله راهنمائی و اندرز پرهیزکاران است - اهل انجیل باید بر طبق آن‌چه خدا در آن کتاب فرستاده، حکم کنند.»

سه جنبه مشخص انجیل از نظر قرآن (۲۱۳)

۳ ـ قرآن هم چنین انجیل و تورات را کتاب هائی می‌شناسد که مشتمل بر بشارت به نبوت پیامبر اکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشند: «آنان که رسول نبی امی را پیروی کنند، آن که را در تورات و انجیل در نزد خود نوشته می‌یابند.» (۱۵۷ / اعراف)

انجیل واحد از نظر قرآن

قرآن شریف" انجیل "را کتاب واحدی که به عیسی علیه‌السلام نازل شده، و وحی مختص به او بوده، معرفی می‌کند. پس انجیل‌های چهارگانه که به" متی، مرقس، یوحنا و لوقا "منسوبند، کتاب هائی است که بعد از عیسی علیه‌السلام تألیف شده‌اند.

کتاب هائی که بین نصاری موجود است به شرح زیر است:

(۲۱۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- انجیل‌های چهارگانه (به شرح فوق)

- کتاب اعمال حواریون

- نامه‌های متعدد مانند چهارده نامه از پولس، نامه یعقوب، دو نامه از پطرس، سه نامه از یوحنا، و نامه یهودا.

- رؤیای یوحنا (مکاشفات یوحنا)

همان طور که قبلاً گفتیم قرآن شریف هیچ یک از کتاب‌های مخصوص به نصاری را نام نبرده، تنها متذکر شده که کتاب آسمانی نازل بر عیسی بن مریم همانا" انجیل "است. آن هم یک انجیل بیشتر نبوده است.

طایفه نصاری گرچه" انجیل "نازل شده بر عیسی علیه‌السلام را با خصوصیات نام‌برده نمی‌شناسند، و اعتراف به وجودش نمی‌کنند، لکن در کلمات رؤسای آن‌ها جملاتی یافت

انجیل واحد از نظر قرآن (۲۱۵)

می‌شود که متضمن اعتراف به این حقیقت است، چنان که در نامه پولس حواری به" گلیتان "باب اول آیه ۶ چنین دارد:

«و من تعجب می‌نمایم که شما به این زودی برگشتید از آن کس که شما را به فضل مسیح خوانده بود به مژده دیگر - که فی الحقیقه مژده دیگر نیست، مگر این که بعضی هستندکه شما را مضطرب می‌سازند، و می‌خواهندکه" انجیل مسیح "را منحرف نمایند.»

"نجار "نویسنده کتاب" قصص الانبیاء "به آیه فوق از نامه" پولس "و همچنین به موارد دیگری از کلمات" پولس "در نامه هایش استشهاد کرده که - غیر از انجیل‌های چهارگانه، انجیلی بوده که به" انجیل مسیح "معروف بوده است.

قبول انجیل‌های فعلی از نظر قرآن

(۲۱۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

قرآن مجید با این وصف اشعار دارد، هم چنان که قسمتی از تورات حقیقی در کتب مقدسه فعلی یهود موجود است. همچنین از" انجیل واقعی "در" کتب مقدسه فعلی " نصاری آورده شده است.

دو آیه در قرآن شریف دلالت روشنی بدین مطلب دارد:

۱ ـ درباره یهود می‌فرماید: «چگونه به حکم تو سر فرود آرند در صورتی که تورات نزد آن‌هاست، و در آن حکم خدا مذکور است!» (۴۳/ مائده)

۲ ـ درباره مسیحیان می‌فرماید: «از نصاری پیمان گرفتیم، پس آنان نصیب بزرگی را از انجیل از دست دادند!» (۱۴ / مائده) (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۸ و ۱۸۹.

قبول انجیل‌های فعلی از نظر قرآن (۲۱۷)

تاریخ انجیل‌های چهارگانه

آن‌چه مسیحیان درباره مسیح و انجیل و بشارت قائلند، مدرک تمام سخنانشان نوشته‌های کتب مقدس انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا، و انجیل یوحنا، و نامه‌های پولس و پطرس و یعقوب و یوحنا و یهودا است: و چون اعتبار تمام کتب مقدس منتهی به اعتبار انجیل‌های چهارگانه می‌شود، اکنون راجع به وضع هر یک از آن‌ها بحث می‌کنیم.

انجیل مَتّی

(۲۱۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

انجیل متی قدیمی‌ترین انجیلی است که تاریخ تصنیف و انتشارش از همه جلوتر بوده است. بعضی تاریخ تصنیف آن را سال ۳۸ میلادی، بعض دیگر بین ۵۰ تا ۶۰ نوشته‌اند. با توجه به این که عمر حضرت عیسی علیه‌السلام حدود ۳۳ سال بوده است، روشن می‌شود که این انجیل بعد از آن حضرت تألیف یافته است. (رجوع شود به مبحث مدت عمر حضرت عیسی علیه‌السلام در همین بخش.)

محققین از قدما و متأخرین مسیحی عقیده دارند که انجیل متی اصلاً به لغت عبری نوشته شده و سپس به یونانی و غیر آن ترجمه شده است. نسخه اصلی آن مفقود گردیده و وضع ترجمه‌اش روشن نیست. گذشته از این مترجمش نیز شناخته نشده است.

انجیل متی (۲۱۹)

انجیل مِرْقِسْ

مرقس شاگرد پطرس بوده، و خود از حواریین نیست. گویند وی انجیلش را به توصیه و دستور پطرس نوشت. او عقیده به خدائی مسیح نداشت.

روی این حساب که او قائل به الوهیت مسیح نبود، بعضی از متعصبین مسیحی به انجیلش اهمیت نداده، و گفته‌اند: مرقس انجیلش را برای عشایر و چادرنشینان نوشته، لذا مسیح را به عنوان پیغمبری که رساننده شرایع الهی می‌باشد، معرفی کرده است.

در هر حال مرقس انجیل خود را در سال ۶۱ میلادی تألیف کرده است.

(مستر هاکس در" قاموس کتاب مقدس "گوید:- آنچه از اخبار متواتر پیشینیان صریحا به دست می‌آید آن است که "مرقس "انجیلش را در رومیه نوشته، و پس از وفات

(۲۲۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

پطرس و پولس آن را انتشار داده است، لکن چندان اعتباری ندارد، زیرا چنان پیداست که وی انجیلش را برای اهل قبایل و دهاتیان نوشته، نه برای شهرنشینان، و بالخصوص اهل روم!) در گفته‌های این شخص خوب دقت فرمائید!!

انجیل لُوقا

"لوقا "نه خود از حواریین بوده، و نه مسیح علیه‌السلام را دیده است.او کسی است که مسیحیت را از" پولس "گرفته است. "پولس "از یهودیان متعصبی است که در ابتداء علیه پیروان عیسی سخت می‌کوشید و وضع آنان را آشفته می‌ساخت، تا این که یک‌باره مدعی شد که وی بی‌هوش شده و در

انجیل لوقا (۲۲۱)

عالم بی‌هوشی مسیح او را لمس کرده و از آزار کردن مسیحیان منع فرموده است.

او گفت به مسیح ایمان آوردم و مسیح مرا برای بشارت دادن به انجیلش فرمان داد. همین" پولس "کسی است که ارکان مسیحیت کنونی را محکم کرد.

از تعلیمات" پولس "می‌توان نکات زیر را شمرد:

۱ ـ ایمان به مسیح را برای نجات کافی دانست!

۲ـ خوردن مردار و گوشت خوک را برای نصاری مباح کرد!

۳ـ از ختنه کردن واحکام دیگری که در تورات بود، نهی نمود!

(با این که انجیل برای تصدیق تورات بوده، و جز اشیاء معدود چیز دیگری را حلال نکرد، و آمدن عیسی علیه‌السلام برای تقویت شریعت تورات، و توجه دادن منحرفین به آن کتاب آسمانی است، نه این که عمل به احکام الهی راباطل و سعات و نیک بختی

(۲۲۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

را تنها و تنها در سایه ایمان خالی بداند!)

به هر حال، لوقا انجیلش را بعد از انجیل" مرقس "نوشت، و پس از مرگ" پطرس "و" پولس "انتشار داد.

عده‌ای از دانشمندان مسیحی تصریح کرده‌اند که" انجیل لوقا "مانند انجیل‌های دیگری که جنبه کتاب الهامی دارند، یک کتاب الهامی نیست، چنان که جملات اولیه انجیل لوقا خود شاهد صادقی بر این مطلب است:

انجیل لوقا با این جملات شروع می‌شود:

«... از آن جا که جمعی شروع نموده‌اند آن وقایعی را که در میان ما به یقین پیوسته است تبیین نمایند - به نهجی که آنان که از آغاز به چشم خود می‌دیدند و خادمان کلام بوده و به ما رسانیده‌اند - من نیز مصلحت چنان دیدم که آن وقایع را تماما من البدایه کمال تبعیت نموده و بر حسب

انجیل لوقا (۲۲۳)

اتصالشان تحریر نمایم برای تو ای ثیوفلس گرامی!» چنان که ملاحظه می‌فرمائید جملات فوق به طور آشکار می‌رساند که انجیل لوقا یک کتاب نظری بیش نیست، و در رساله" الالهام "هم همین مطلب از" مستر کدل "نقل شده است.

"جیروم "صریحا نوشته: بعض قدما در دو باب اول انجیل لوقا نظر شک و تردید داشته‌اند. آن دو در نسخه فرقه "مارسیونی "نبوده است.

"اکهارن "نیز در کتاب خود در صفحه ۹۵ به طور قطع اظهار نظر می‌کند که از فصل ۴۳ تا ۴۷ از باب بیست و دوم انجیل لوقا، به آن کتاب الحاق شده، و هم چنین در صفحه ۶۱ همان کتاب گوید: معجزاتی که" لوقا "در انجیلش نقل کرده، بادروغ‌های روایتی مخلوط است و معلوم می‌شود که" لوقا "آن‌ها را با یک نظر شاعرانه اضافه کرده است. متأسفانه در این زمان تشخیص صدق و کذب آن بسی دشوار است.

(۲۲۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

(مطالب فوق از کتاب قصص العلماء - نجار نقل گردید.)

انجیل یُوحَنّا

بسیاری از علمای مسیحی نوشته‌اند: یوحنای نام‌برده، یوحنا پسر زیدی صیاد است، که یکی از شاگردان دوازده‌گانه عیسی علیه‌السلام و مورد محبت شدید وی بوده است.

(قاموس کتاب مقدس ماده" یوحنا) "

و نیز تذکر داده‌اند که چون" شیرنطوس "و" ابیسون "و پیروانشان درباره عیسی علیه‌السلام عقیده مخلوقیت داشته، و معتقد بودند که وجود عیسی بر وجود مادرش سبقت ندارد. روحانیون واسقفهای آسیا و غیر آن که با عده گذشته مخالف بودند، در

انجیل یوحنا (۲۲۵)

سال ۹۶ میلادی نزد یوحنا رفته و از او درخواست کردند که انجیل جدیدی برایشان بنویسد، و به طرز مخصوصی لاهوت مسیح، یعنی مخلوق نبودن او را توضیح دهد. یوحنا درخواست آنان را پذیرفت وانجیلش را به همین منظور نوشت، (این مطلب در "قصص الانبیاء "از کتاب" جرجس زدین فتوحی لبنانی " نقل شده است.)

در هر صورت کلمات نصاری در تاریخ تألیف آن مختلف است، بعضی تألیفش را در سال ۶۵ و بعض دیگر ۹۶ و دسته سوم در سنه ۹۸ میلادی دانسته‌اند.

عده دیگر از مسیحیان اساسا مؤلف انجیل یوحنا را خود" یوحنا "نمی‌دانند. بعضی آن را تألیف یکی از طلبه‌های مدرسه اسکندریه دانسته و برخی دیگر گویند تمام انجیل یوحنا و نامه‌های منسوب به او، هیچ یک از تألیفات خود یوحنا نیست، بلکه آن‌ها را یکی از نصاری در اوائل قرن دوم میلادی نوشته، و برای مقبولیت عامه به یوحنا نسبت داده

(۲۲۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

است. بعض دیگر عقیده دارند که انجیل یوحنا در اصل بیش از بیست باب نبوده، و کنیسه" افاس "پس از مرگ یوحنا باب بیست و یکم را به آن اضافه کرد.

این بود داستان انجیل‌های چهارگانه:

اما اگر قدر متیقن طرق آن‌ها را حساب کنیم، به هفت نفر (متی، مرقس، لوقا، یوحنا، پطرس، پولس و یهودا) بیشتر منتهی نمی‌شوند.

تمام اتکاء نصاری به این چهار انجیل است، و پایه اصلی آن چهار نیز" انجیل متی "می‌باشد، که از همه قدیمی‌تر است. متأسفانه چنان که بیان شد، آن هم ترجمه مفقود الاصلی بیش نیست. نمی‌دانیم چه کسی آن را ترجمه کرده، و روش تعلیم مدرک اصلی، روی رسالت مسیح بوده یا خدائی او!!؟ (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۹۵ .

انجیل یوحنا (۲۲۷)

خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود

انجیل موجود دعوت عیسی علیه‌السلام را چنین شرح می‌دهد:

«در بنی‌اسرائیل مردی که معروف به عیسی پسر یوسف نجار بود ظاهر شد و مردم را به خدا دعوت کرد. او مدعی شد که پسر خداست، و از غیر پدر بشری به وجود آمده است.

می‌گفت: - پدر مرا فرستاد تا کشته شده و به دار آویخته شوم تا فدائی مردم گشته و آنان را از گناهانشان نجات دهم.

(۲۲۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

او مرده را زنده کرد، کور مادرزاد و مبتلای به پیسی را شفا داد، دیوانگان را با خارج کردن جن از بدنشان سالم کرد.

دوازده شاگرد داشت که" متی "صاحب انجیل، یکی از آنان است. عیسی شاگردانش را مبارک گردانید، و برای دعوت و تبلیغ دین مسیحی فرستاد!»

این خلاصه چیزی است که دعوت مسیحی با همه توسعه‌ای که به شرق و غرب عالم پیدا کرده، به آن منتهی می‌شود.

چنان که در مباحث قبلی ملاحظه شد، مدرک اصلی، یعنی" انجیل متی " خبر واحدی بیش نیست، و آن هم واحدی که نه از نام صاحبش اطلاع قطعی در دست است، و نه کسی بر احوال او شناسائی پیدا کرده است!

سستی عجیبی که در اصل و مبدأ داستان وجود دارد، یکی از بحث کنندگان آزاد

خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود (۲۲۹)

اروپائی را وادار کرد تا صریحا مدعی شود که مسیح عیسی بن مریم جز یک فرد افسانه‌ای بیش نیست، که دست توانای انقلابات دینی علیه حکومت‌های وقت، یا به نفع آن‌ها وی را صورت‌گری کرده است! سپس نظر خود را با استشهاد به موضوع خرافی دیگری که به طور کلی به داستان عیسی علیه‌السلام شبیه است، تأئید می‌کند. موضوع خرافی مورد استشهادش داستان "کرشنا" است که بت‌پرستان هند باستان، او را پسر خدا می‌دانند و قائلند که از مقام لاهوتی پائین آمد، تا به واسطه آویخته شدنش به دار، فدائی مردم شده، و آنان را از آثار زشت گناهان نجات بخشد.

هم‌چنین بی‌پایگی ریشه داستان، محقق دیگری را بر آن داشت که در سایه کنجاوی‌ها معتقد شود: دو نفر مسیح نام بوده، یکی مسیح غیر مصلوب، دیگری مسیح مصلوب، که فاصله زمانی آن دو زاید بر پنج قرن می‌باشد!

(۲۳۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سپس نتیجه می‌گیرد که تاریخ میلادی معروف بر هیچ یک از دو مسیح تطبیق نمی‌کند، زیرا مسیح اول - آن که به دار آویخته نشد - زیادتر از ۲۵۰ سال بر تاریخ معروف تقدم داشته، و خودش نیز قریب ۶۰ سال زندگی کرده است، لکن مسیح دوم - آن که به دار آویخته شد - زیادتر از ۲۹۰ سال از تاریخ معروف متأخر، و خودش نیز قریب ۳۳ سال زندگی کرده است". (بهروز "فاضل بزرگوار در کتابی که جدیدا در بشارت‌های نبویه نگاشته، این موضوع را تفصیلاً بیان داشته است.)

علاوه بر این که منطبق نبودن تاریخ میلادی، بر میلاد مسیح، فی‌الجمله جای انکار نصاری نیست. (قاموس کتاب مقدس، ماده مسیح)

اضافه بر آن‌چه ذکر شد، موضوعات دیگری مربوط به داستان مسیح در میان هست، که آدمی را کاملاً در شک و تردید می‌اندازد: مثلاً ذکر شده که در دو قرن اول

خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود (۲۳۱)

میلادی، انجیل‌های فراوانی نوشته شده بود که شماره آن‌ها به یک صدو چند عدد می‌رسید، و اناجیل چهارگانه معروف از آن‌ها به شمار می‌رفت، سپس کلیسا تمام آن‌ها را حرام کرد، مگر انجیل‌های چهارگانه که به واسطه موافقت داشتن متنهایشان با روش تعلیم کلیسا، صورت قانونی به خود گرفتند.

"شیلوس "در کتاب" خطاب حقیقی "نصاری را مورد سرزنش قرار داده و می‌گوید:

- آن‌ها با انجیل‌ها بازی کردند، آن‌چه امروز نوشته بودند، فردای آن روز محوش می‌کردند!

در سنه ۳۸۴ میلادی" پاپ داماسیوس "دستور داد ترجمه جدیدی از" عهد قدیم و جدید "به خط لاتین بنویسند تا در کلیساها صورت قانونی داشته باشد. (تئودوسیس "ملک هم از خصومت‌های جدلی که بین روحانیون نصاری متداول شده بود خاطری سخت رنجیده داشت.) بالاخره ترجمه نام‌برده که موسوم به" ترجمه فولکانا "و مخصوص

(۲۳۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

انجیل‌های چهارگانه بود خاتمه یافت، در صورتی که مرتب کننده آن چنین اظهار داشت:

"ما پس از آن که با عده‌ای از نسخ یونانی قدیم آن را مقابله کردیم، ترتیبش دادیم:

یعنی آن‌چه مغایر با معنی بود تنقیحش کردیم و باقی را به حال خود واگذاشتیم ".

این ترجمه را کمیسیون" تریدنتینی "سال ۱۵۴۶ - یعنی درست پس از گذشتن یازده قرن از تاریخ ترجمه - تثبیت کرد. سپس "سیستوس پنجم "سال ۱۵۹۰ آن را تخطئه کرده، و دستور داد نسخه‌های جدیدی طبع کنند، پس از او" کلیمنضوس هشتم" نسخه دومی را تخطئه نموده و خود فرمان داد تا آن را پس از تنقیح مجددا طبع نمایند. انجیل‌های چهارگانه‌ای که

اکنـون نـزد کـاتـولیک‌ها متـداول می‌بـاشد، همـان است. (تفسیر الجواهر - جزء دوم ص ۱۲۱)

انجیل‌های متروک و مغضوب

انجیل‌های متروك و مغضوب (۲۳۳)

(انجیـل بـارنـابا)

از انجیل‌هـای متروک یـا به عبـارت دیگر مغضوب کلیسـا، یکی " انجیل بارنابا " است، کـه یـک نسخـه از آن چنـد سال قبل پیـدا شـد، و بـه عـربی و فـارسی آن را تـرجمـه کـردنـد. ایـن انجیـل تمام قسمـت‌های داستـان مسیـح عیسی بـن مـریـم علیه‌السلام را عینـا مطـابق آن‌چــه قـرآن شـریـف در این زمینه بیـان داشته، معـرفی کرده است.

چنـد سـال قبـل ایـن انجیل به خط ایتالیائی به دست آمد و دکتر خلیل سعادت در مصر آن را به عـربی تـرجمـه کرد، سپس دانشمند محترم" سردار کابلی "آن را به فارسی برگردانید.

(نسـخه انگلیسـی این انجیل که جزو انتشارات دانشگاه اکسفورد بوده اخیرا در ایران تکثیر گردیـده و در دسترس عموم قرار گرفته است. دانشمند محترم جناب حجت الاسلام سید هادی

(۲۳۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خسـروشاهی نیز زمانی که در وین بوده، چند برگ از نسـخه موجود در موزه وین را عکس‌برداری کرده و ضـمیمه این مجلد نموده است. امین) (۱)

تــورات و انجیــل در عصــر نزول قرآن

«... وَ اَنْزَلَ التَّوْریهَٔ وَ الْاِنْجیلَ مِنْ قَبْلُ هُدًی لِلنّاسِ... .» (۳ و ۴ / آل عمران)

در مباحث بخش‌های قبل، این مطلب را بررسی کردیم که آیا قرآن مجید یهود و

۱- الـمیزان، ج ۶، ص ۱۹۹ .

تورات و انجیل در عصر نزول قرآن (۲۳۵)

نصاری را موحد می‌داند یا کافر، و یا اگر موحد می‌داند کفر آن‌ها را از چه نوع کفر حســاب مـی‌کنــد؟

اینک این مطلب را بررسـی می‌کنیم که آیا قرآن شـریف، تورات وانجیلی را که در زمان ظهور اسـلام موجود بوده، کتاب آسـمانی می‌داند یا نه؟

خـدای متعـال در سـوره مائـده ابتـدا از فرسـتادن تـورات و بعـد از آن از فرسـتادن انجیـل سـخـن بــه میان می‌آورد و بعـد از آن می‌فـرمـایـد:

«مـا به سوی تـو قـرآن را بـه حق فرسـتـادیـم کـه تصـدیـق کنـد - «لِمـا بَیْـنَ یَـدَیْـهِ مِـنَ الْکِتـابِ» یعنـی تـورات و انجیـل را....» (۴۸ / مــائـده)

از این آیـات که تـورات و انجیـل را مـورد تصـدیق قرار داده‌انـد، می‌تـوان اسـتفاده کرد که تـورات و انجیلی که فعلاً- میـان یهـود و مسیحیان متداول است، متضمن وحی‌هـای الهـی

(۲۳۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

هستنـــد، و از آن‌چـــه خـدای تعـالی بـه دو پیغمبـر عـالی قـدرش، مـوسـی، و عیسـی، علیه‌السلام فـرسـتـاده، در آن‌ها یافت می‌شود، اگر چه پاره‌ای دست‌خوش سقط و تحـریف واقع شـده است.

زیراتورات و انجیل‌های چهارگانه که فعلاً در بین آنان شهرت دارد. همان است که‌درزمان رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله در بین‌شان معروف بوده، ولی چون در قرآن شریف، تحریف واسقاط از آن دو صریحا تذکر داده شده، معلوم می‌شود که – متضمن بودن آن دو کتاب به وحی الهی – شامل تمام مندرجات آن دو نیست، بلکه فی الجمله ثابت است.

قرآن مجید می‌فرماید:

«کلمات تورات را تحریف نمودند... .» (۱۳ / مائده)

«از کسانی که خود را نصاری شمردند، همچنان پیمان گرفتیم، لکن پیمان شکنی کردند، و

تورات و انجیل در عصر نزول قرآن (۲۳۷)

از آنچه به آنان پند داده شده بود نصیب بزرگی را از دست دادند!» (۱۴ / مائده)

"تورات "کلمه عبری است که معنی شریعت دارد". انجیل "کلمه یونانی است یا ریشه فارسی دارد، که به معنای مژده می‌باشد.

قرآن شریف در سراسر بیاناتش هر جا که کتاب عیسی بن مریم علیه‌السلام را نام برده، با لفظ" انجیل "یعنی به صیغه مفرد تذکر داده است، و آن را هم نازل شده از جانب خدا می‌داند.

این دو صفت می‌رساند که اناجیل کثیری که در بین نصاری متداول بوده – حتی معروف‌ترین آن‌ها یعنی اناجیل اربعه که تألیف آن‌ها را به" لوقا، مرقس، متی و یوحنا "نسبت می‌دهند – هیچ یک از آن‌ها انجیل واقعی نیست، بلکه در آن اسقاط و تحریفی روی داده است. (۱)

(۲۳۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود؟

«قُلْ یاَهْلَ الْکِتبِ لَسْتُمْ عَلی شَیْءٍ حَتّی تُقیمُوا التَّوْریةَ وَالْاِنْجیلَ... .»

(۶۸ / مائده)

قرآن مجید نکته ضعف واقعی حاملین تورات و انجیل را در آیات فوق روشن ساخته و می‌فرماید:

«بگو ای اهل کتاب!

۱– المیزان، ج ۵، ص ۱۲.

چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود؟ (۲۳۹)

– شما بر دین و مسلکی که قابل اعتنا باشد، نیستید، و نخواهید بود، تا آن که تورات و انجیل را (که یکی از احکامش ایمان به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است،) و آنچه را که از طرف پروردگارتان به سوی شما نازل شده، اقامه کنید!

آنان علاوه بر این که اقامه نمی‌کنند، همین قرآنی که به تونازل شده، هر آینه طغیان و کفر بسیاری از آنان را زیادتر می‌کند،

پس بر قومی که کفر ورزیدند، متأسف مباش!»

این کنایه‌ای است از این که اهل کتاب جای پای محکمی ندارند، که بتوانند بر آن تکیه کرده، و تورات وانجیل و سایر کتب آسمانی را به پا داشته، و از انقراض آنها جلوگیری به عمل آورند.

این اشاره است به این که دین خداوند و فرامین او بار بس سنگینی است که آدمی به

(۲۴۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خودی خود از اقامه آن عاجز است، مگر این که بر اساس و پایه ثابتی تکیه داشته باشد، وگرنه کسی از روی هوی و هوس نفسانی نمی‌تواند دین خدا را اقامه کند!

در آیات قبلی به یهود و نصاری اعلام خطر شده است، که به زودی دچار مصیبت عداوت و بغضاء بین خودشان می‌شوند، ودر این آیه به آنان خبر می‌دهد که نخواهند توانست تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی‌شان را اقامه و احیاء کنند.

اتفاقا تاریخ هم این مطلب راتصدیق کرده و نشان داده که این دو ملت همواره به جرم بریدن رشته ارتباط از خدا دچار تشتت مذاهب و دشمنی و بغضاء بین خودشان بوده‌اند.

آیات دیگری از قرآن مجید مسلمانان را هم زنهار می‌دهد از این که مبادا روش اهل کتاب را اتخاذ کنند و از خدای تعالی بریده و بازگشت به سویش

چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود؟ (۲۴۱)

را فراموش کنند!

آیات ادامه می‌دهد که اسم و لقب هیچ اثری در سعادت آدمی ندارد. این که عده‌ای خود را به نام مؤمنین و جمعی به نام یهودی و طائفه‌ای به نام صابئین و فرقه‌ای به نام مسیحی نام‌گذاری کرده‌اند، از این نام‌گذاری‌ها چیزی از سعادت عایدشان نمی‌شود، زیرا اگر اثری داشت جلو این‌ها را از پیغمبر کشی و هم‌چنین از تکذیب پیغمبران، می‌گرفت، و از هلاکتشان به وسیله فتنه‌های هلاک کننده و گناهان بزرگ می‌رهانید. (۱)

۱- المیزان، ج ۱۱، ص ۱۰۹ .

(۲۴۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

فصل هفتم:معجزات عیسی علیه‌السلام

معجزات عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن

«.... اَنّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ اَنّی اَخْلُقُ لَکُمْ....» (۴۹ / آل عمران)

قرآن مجید در مواردی معجزات و نشانه‌های نبوت را که به حضرت عیسی علیه‌السلام از طرف خداوند متعال اعطا شده بود، و به اذن الهی آن‌ها را برای مردم

(۲۴۳)

ظاهر می‌ساخت، نقل فرموده است. در آیات فوق می‌فرماید:

«من از جانب پروردگارتان نشانه‌هائی آورده‌ام،

از گِل مجسمه مرغی می‌سازم و بر آن می‌دمم،

پس به امر خدا مرغی می‌گردد،

کور مادرزاد، و مبتلای به برص را شفا می‌دهم،

ومردگان را به اذن الهی زنده می‌کنم،

و به شما از غیب خبرمی‌دهم که چه می‌خورید،

و چه ذخیره می‌کنید،

این معجزات برای شما نشانه حقانیت من است، اگر اهل ایمان باشید!» از آیه فوق فهمیده می‌شود که:

(۲۴۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- اولاً، آن حضـرت ایـن معجـزات را مکـرر عملـی سـاختـه است.

- ثانیـا، صدور این معجزات به واسطه" اذن "خـداونـد متعـال اســت،

زیرا آن حضـرت با آوردن کلمه" اذن الهی"در پایان هر مورد، نشان می‌دهد که خودش در صدور آن‌ها اسـتقلالی نداشـته است، و آن کلمه را تکرار نموده تا مـوضـوعـاتـی را کـه بعـدهـا ممکـن اسـت مـورد گمـراهـی عـده‌ای شـود - و مقـام الـوهیـت را بـرای حضـرتـش قـائل شوند بـه طـور کـامـل از خـود نفـی کـرده است .

- ثالثا، از ظاهر آیات شـریفه استفاده می‌شود که معجزات نام‌برده از آن حضـرت صـدور خـارجـی داشتـه نـه ایـن کـه صـرفا قـولی بـاشـد کـه بـرای تحـدی و اتمـام حجـت بـر مخالفان ذکـر کرده باشد.

- رابعا، خبر دادن آن حضرت از غیب که مردم چه می‌خورند و چه ذخیره می‌کنند،

معجزات عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن (۲۴۵)

معجزه‌ای از اخبـار غیبی است که مخصوص خـدای متعال می‌باشـد، و جز خـدا و رسولی که خداونـد او را مخصوص به وحی کرده باشـد، کسـی دیگر برآن توانائی نـدارد،و اتفاقا از معجزاتی است که هیچ گونه شک وتردیدی به آن راه ندارد، زیرا انسان عادتا در آن‌چه خورده یا در خانه ذخیره کرده است، شک نمی‌کنـد. ناگفته نمانـد که معجزات اولی را همه به اذن خدا مقید فرموده ولی این معجزه را به عنوان" انباء "یعنی خبر دادن، قید کرده است، زیرا این کلامی است که قیام به عیسـی علیه‌السـلام داشته و لیاقت آن که به ساحت قدسی الهی مستند باشد، ندارد.

در خـاتمـه مـی‌فـرمـایـد:

ـ اگـر در ادعـای ایمـانتـان صـادقیـد، ایـن معجـزات نشـانـه حقـانیت من است! (۱)

۱- الـمیـزان، ج ۶، ص ۲۱ .

(۲۴۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سخـــن گفتـــن عیسی در گهواره

«وَ یُکَلِّـمُ النّاسَ فِـی الْمَهْـدِ وَ کَهْــلًا وَ مِـنَ الصّالِحیــنَ!» (۴۶ / آل عمران)

قرآن مجیـد یکی از معجزات تولـد فرزند مریم را ضـمن بشارت ملائکه به او سـخـن گفتن ایـن نـوزاد در گهـواره را یـاد مـی‌بـرد و مـی‌فـرمـایـد:

«فرزند تو، در گهواره و در سن کهولت بـا مردم سخن گوید،

و او از جمله نیکان و صالحین جهان می‌باشد!»

سخن گفتن عیسی در گهواره (۲۴۷)

از آیاتی که در سوره مریم همین قصه را شـرح کرده، نشان می‌دهد که - سـخن گفتن عیسـی با مردم در ساعت اولی صورت گرفته کـه مریـم او را در آغـوش گرفتـه و به میـان مردم آورد. قطعی است که خـود سـخن گفتن طفـل در آن وقت از معجزات و خـوارق عادت محسوب می‌شود.

«مـریـم طفل خـود را در آغــوش گـرفتـه و بـه سـوی قـومــش روان شــد،

آنــان از روی ســرزنـش گفتنـد": چیز منکری آوردی، ای خواهر هارون!

تو را نـه پـدری ناصالح، و نـه مـادری بـدکاره بود"!

مریم پاسخ آنان را با اشاره حواله طفل نمود،
آنان گفتند": چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوئیم"؟
آن طفل (به امر خدا به زبان آمد و) گفت:
(۲۴۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
- همانا من بنده خاص خدایم،
که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده،
و هر کجا که باشم مرا مبارك قرار داده است!» (۱)

انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام

«اِذْ قالَ اللّهُ یعیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتی عَلَیْکَ وَ عَلی والِدَتِکَ....»
(۱۱۰ / مائده)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۲۱ .

انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام (۲۴۹)
این آیه معجزات باهره‌ای را که به دست عیسی بن مریم علیه‌السلام ظاهر شده، می‌شمارد، الاّـ این که علاوه بر شمردن معجزات، بر او و مادرش منت می‌گذارد:
«به یاد آر روزی را که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید:
- یاد کن نعمتی را که بر تو و مادرت ارزانی داشتم،
زمانی که من تو را به روح‌القدس تأئید کردم،
و توانستی در عهد گهوارگی و بزرگی با مردم تکلم کنی،
و زمانی که کتاب و حکمت تعلیمت کردم،
و تورات و انجیلت آموختم،
زمانی که مجسمه‌ای از گِل به صورت مرغی می‌ساختی،
و درآن می‌دمیدی و به اذن من پرنده می‌شد و به پرواز درمی‌آمد،
(۲۵۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
و کور مادرزاد و بیمار برصی را به اذن من شفا می‌دادی،
و مردگان را به اذن من زنده و از گور بیرون می‌کردی!
به یاد آر روزگاری را که من تو را از شر بنی‌اسرائیل حفظ کردم،
همان بنی‌اسرائیلی که وقتی به ایشان معجزه و بینات می‌آوردی،
کفارشان می‌گفتند: این نیست مگر سحری آشکار!
و به یادآر روزی را که بر دل حواریون الهام کردم،
که به من و رسولم عیسی بن مریم ایمان بیاورید،
گفتند: ایمان آوردیم، و شاهد باش که ما مسلمانیم!»
تأمل در این آیات نشان می‌دهد که معجزات نام‌برده که بر حسب ظاهر مختص به حضرت مسیح علیه‌السلام است، در حقیقت

نعمت هائی است که خداوند بر او و مادرش هر دو

انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام (۲۵۱)

ارزانی داشته است. یعنی معجزه‌ها و موهبت هائی که از مختصات مسیح است، از قبیل ولادت بدون پدر، تأئید به روح القدس، آفریدن مرغ، شفای کور مادرزاد و پیسی، زنده کردن مردگان به اذن خدا، همگی برای مریم نیز کرامت و نعمت است. پس مسیح و مریم هر دو متنعم به این نعمت‌های الهی هستند!

قرآن کریم می‌فرماید:

«ما مریم و فرزندش را معجزه‌ای برای عالمیان قرار دادیم!»

همین تأئید به روح القدس بوده که مسیح را برای تکلم با مردم در گهواره آماده ساخته است، نه این که صحبت کردن او در گهواره کرامت دیگری باشد. علاوه بر این که اگر مراد از تأئید مسئله وحی و وساطت ملائکه (روح) بود، اختصاص به مسیح نداشت، زیرا سایر انبیاء هم این معجزه را داشتند. ضمنا کتاب و حکمت و تورات و انجیل

(۲۵۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

یک‌باره و بدون تدریج به آن حضرت القا شده و او همه آن‌ها را به یک امر الهی واحد تلقی نموده است!

و در عین حال خلقت طیر و شفا دادن کور مادرزاد و جذامی همه دنبال هم و بدون فاصله شدن زمان بوده است. همچنین آیه نشان می‌دهد که مردگانی را که مسیح علیه‌السلام زنده کرده، مردگان مدفون بوده‌اند، و آن جناب افاضه حیات به آنان کرده، و برای از سرگرفتن زندگی در دنیا از قبرها بیرون آورده است. و این مرده زنده کردن مکرر اتفاق افتاده است. (۱)

نزول مائده آسمانی

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۴۸ .

نزول مائده آسمانی (۲۵۳)

«اِذْ قالَ الْحَوارِيُّونَ... هَلْ يَسْتَطيعُ رَبُّکَ اَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنا مائِدَةً مِنَ‌السَّمآءِ....»

(۱۱۲ / مائده)

این آیات ماجرای نزول مائده آسمانی بر مسیح و یارانش را یادآوری می کند، و می‌فرماید:

«به یادآر زمانی را که حواریون عیسی به او گفتند:

- ای عیسی بن مریم!

آیا پروردگار تو توانائی آن را دارد که مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟

عیسی گفت:

(۲۵۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- بپرهیزید از خدا اگر مؤمن هستید!

گفتند:

- می‌خواهیم از آن مائده بخوریم تا قلبهایمان مطمئن شود،

و بدانیم که تو ما را در ایمانمان تصدیق کرده‌ای،

و بر آن ما از گواهان باشیم!

عیسی بن مریم عرض کرد:

- بار الها! ای پروردگار ما! نازل فرما بر ما مائده‌ای از آسمان تا برای ما و پیروان کنونی و آینده ما عید و معجزه‌ای از ناحیه تو باشد!

پروردگارا! روزی‌مان کن! که تو بهترین روزی رسانی!

خدای متعال فرمود:

نزول مائده آسمانی (۲۵۵)

- من به زودی آن مائده‌ای را که خواستی نازل خواهم کرد،

ولی اگر بعد از آن باز هم کسی کفر بورزد، باید بداند که من او را عذابی می‌کنم که احدی از عالمیان را دچار چنین عذابی نکرده‌ام!»

این آیات تصریح ندارد که چنین مائده‌ای نازل شده است، ولی از وعده‌ای که به طور قطع و بدون قید در آخر آیات داده‌شده که "من آن را برای شما نازل می‌کنم "...،معلوم می‌شود که چنین‌مائده‌ای نازل‌شده‌است.

در روایات اسلامی آمده که نوع این مائده آسمانی، نان و ماهی، یا نان و گوشت بوده است.

داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا

(۲۵۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در کتب مسیحیان داستان مائده ذکر نشده است. البته این موضوع قابل اعتنا نیست، زیرا کسی که از تاریخ اطلاع داشته باشد، و از مسئله گسترش مسیحیت و ظهور انجیل‌ها باخبر باشد، می‌داند که اخبار و کتب مسیحی قابل اعتنا نیستند، زیرا نه کتاب‌های مقدس مسیحیان به طور تواتر به زمان مسیح مستند می‌شود، و نه این مسیحیت فعلی به زمان آن جناب متصل می‌گردد!

البته در بعضی از انجیل‌ها این مطلب دیده می‌شود که مسیح علیه‌السلام شاگردان خود و جماعتی از مردم را به" نان و ماهی" مختصری به طور اعجاز اطعام کرده است، لکن این داستان با تاریخی که قرآن راجع به مائده بیان می‌کند، در هیچ یک از خصوصیاتش تطبیق نمی‌کند!

داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا (۲۵۷)

در انجیل یوحنا، اصحاح ششم، داستان نان و ماهی را چنین ذکر می‌کند:

۱ ـ بعد از آن مسیح گذشت به پل دریای جلیل (و آن دریای طبریه است.)

۲ ـ جمع کثیری هم به دنبالش رفتند. چون معجزاتی را که در خصوص بیماران انجام می‌داد، از او دیده بودند.

۳ ـ مسح بر فراز کوهی شد، و با شاگردانش در آن جا نشست.

۴ ـ و این داستان در ایامی بود که عید فصح یهود (روزی که یهود از مصر بیرون شدند،) نزدیک بود،

۵ ـ مسیح چشم انداخت و دید که جمع کثیری به سویش می‌آیند، رو به فیلپس کرد و گفت، از کجا نانی تهیه کنیم که این جمعیت بخورند....

۶ ـ یکی از شاگردانش که همان اندراوس برادر سمعان پطرس بود، گفت:

(۲۵۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

۷ ـ در این جا جوانی است که همراهش پنج گرده نان جو و دو عدد ماهی هست، ولکن این غذای مختصر کفاف این جمعیت را نمی‌دهد.

۸ – مسیح گفت: بگوئید مردم تکیه کنند... مردم که عده‌شان به پنج هزار نفر بالغ می‌شد، همه تکیه دادند.

۹ ـ مسیح نان‌ها را گرفته و شکر گذاشت و آن‌گاه آن‌ها را در بین شاگردان خود تقسیم نمود و شاگردان این نان‌ها را به مردمی که تکیه داده بودند، و هم چنین دو عدد ماهی را تقسیم کردند و هر کس هر چه خواست دادند.

۱۰ ـ پس‌از آن‌که همه سیر شدندمسیح به شاگردانش گفت:پاره نان‌ها را جمع کنید تا چیزی از آن ضایع نشود.

۱۱ ـ پس آن‌ها را جمع کرده و دوازده زنبیل را از آن پاره‌هائی که از پنج گرده نان

داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا (۲۵۹)

زیادی آمده بود، پر کردند.

۱۲ ـ وقتی مردم این معجزه را از مسیح دیدند گفتند: این مرد در حقیقت همان پیغمبری است که بنا بود به عالم بیاید،

۱۳ ـ و امامسیح چون دانست که آن‌ها بنادارند بیایند و او را ببرند و بر خود به پادشاهی منصوب کنند، از آنجا هم برگشته و به تنهائی بر فراز کوه شد.

این بود داستان" نان و ماهی " که در انجیل یوحنا آن را نقل کرده است.

همین‌طور که ملاحظه می‌کنید با داستان مائده قرآن مطابقتی ندارد.

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی

(۲۶۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نحوه سؤال کردن حواریون عیسی از آن حضرت با عبارت:

«آیا پروردگار تو توانائی آن را دارد که مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟» سؤالی است خالی از ادب، ادبی که رعایتش در حق خدای تعالی واجب است! قسمت آخر آیه نیز تهدید بسیار بی‌سابقه‌ای است که خدای تعالی فرموده:

- کسی که بعد از مشاهده این آیات و معجزات کفر بورزد،

چنان او را عذابی خواهم کرد که احدی از عالمیان را چنین عذاب نکرده‌ام!

آیا حواریون به چه جرمی مستحق کیفری شدند؟

در حالی که امت‌های پیشین نیز از انبیاء خود چنین معجزات و درخواست‌هائی کرده بودند - قوم نوح و خود و صالح وشعیب و موسی - و گاهی یهود معاصر پیامبر اسلام رفتار بسیار اهانت‌آمیز داشتند و به مقام پروردگار توهین

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی (۲۶۱)

می‌کردند. و پیغمبر خدا را به مسخره می‌گرفتند، لذا سؤال‌های بی‌جا و خارج از ادب باعث چنین تهدیدی نمی‌شود!

وقتی آن‌ها تهدید شدند که «بعد از مشاهده این آیات اگر کفر بورزند، چنان عذاب خواهند شد،» این کفر هر چند طغیان بزرگی است، ولی این اختصاص به حواریون نداشته است، و حتی کسانی بودند که بعد از رسیدن به مقام قرب حق و مشاهده آیات الهی مرتد شدند، ولی مستحق چنین تهدیدی نشدند!

وجه تمایز این سؤال چیست؟

این قضیه از جهت سؤالی که در صدر آیه است به معنای مخصوصی از سایر معجزات انبیاء که در قبال درخواست‌های امت‌های خود و یا در ضرورت‌های دیگر، اقامه کرده‌اند، متمایز می‌شود:

(۲۶۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

توضیح این که: معجزاتی که کلام اللّه مجید نقل کرده چند قسم است -

۱ ـ معجزاتی که پروردگار در همان اوایل بعثت پیامبران به آنان داده تا آن‌ها را تأئید کند و نشانه رسالتشان باشد، مانند:

– معجزه ید بیضاء و یا عصای موسی علیه‌السلام

– زنده کردن مردگان و خلق کردن پرندگان و شفای کور مادرزاد و پیسی به وسیله عیسی علیه‌السلام

ـ و یا معجزه خود قرآن مجید که به رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است.

۲ ـ معجزاتی که کفار پیامبران خود را به ارائه آن تکلیف کرده‌اند، مانند:

ـ ناقه صالح! که در قبال ادامه کفر آن‌ها بعد از نزول معجزه خداوند آن‌ها را به عذاب‌های مخوفی دچار کرده است.

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی (۲۶۳)

ـ یا عذاب‌های هفت‌گانه قوم فرعون مانند: ملخ و سن و قورباغه و غیر این‌ها،

ـ یا طوفان نوح، زلزله ثمود، باد صرصر عاد، و امثال آن،

۳ ـ معجزاتی که خداوند سبحان در مواقع لزوم ارائه کرده است، مانند:

ـ شکافته شدن چشمه از دل سنگ، نزول من وسلوی بر بنی‌اسرائیل در بیابان، از جا کندن کوه طور و نگه‌داشتن آن بالای سر بنی‌اسرائیل، شکافتن دریا به وسیله موسی علیه‌السلام .

ـ وعده فتح مکه و خذلان مشرکین قریش، و غلبه روم، و امثال آن در عصر پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله

حال مقایسه کنیم که سؤال و درخواست حواریون چرا این قدر شنیع بوده است!؟

ـ اصولاً معجزه برای ظهور حق و اتمام حجت است، و نه چیز دیگر، و برای این امر

(۲۶۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

یک معجزه کافی است، و سؤال از تکرار آن جزبازیچه گرفتن آیات خدا و لعب با مقام ربوبی و تردید بی‌جا، هیچ معنائی دیگر ندارد! و این خود بزرگ‌ترین طغیان و استکبار است!

ـ و اگر این عمل از مؤمنین سر بزند گناه و زشتی آن نمودارتر است، خصوصا مؤمنینی که معجزات الهی را با چشم خود دیده‌اند و بعد ایمان آورده‌اند!

ـ این حواریون که چنین سؤال و اشتباهی را مرتکب شدند، خود از اصحاب و از خاصان مسیح علیه‌السلام بودند، و تمامی معجزات آن حضرت را دیده بودند، و بالاتر از همه خود مسیح و مادرش را که بالاترین معجزه بودند، دیده بودند – تولد بدون پدر، تکلم در گهواره، تأیید به روح القدس، و کرامت‌ها و معجزه‌های روزانه او – با این حال درخواست کردن حواریون برای معجزه‌ای به سلیقه خودشان، یعنی مائده، بعد از

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی (۲۶۵)

مشاهده آن همه معجزه از طرف خدا، عمل بسیار زشتی بود، به طوری که بلافاصله مسیح علیه‌السلام آن‌ها را از خشم الهی متنبه می‌سازد، و می‌فرماید:

«اِتَّقُوا اللّهَ اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ!» «بترسید از خدا اگر مؤمن هستید!» (۵۷ / مائده)

چگونه حواریون درخواست خود را اصلاح کردند؟

زننده بودن درخواست حواریون چنان مشخص بود که خود آنان نیز، پس از شنیدن جواب عیسی علیه‌السلام شروع به توجیه خواسته خود کردند، و گفتند: غرض ما از این درخواست تنها خوردن و تفنن کردن به امور خارق‌العاده و بازیچه گرفتن آیات

الهی نیست، بلکه هدف ما تکمیل علم خود و ازاله خاطرات سوء از دل‌هایمان

(۲۶۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و گـواه بـودنمـان بـر آن معجـزه بـوده اسـت.

در هر صورت، از درخواست خود برای خوردن از مائده آسمانی صرف نظر نکردند، و در اثر پافشاری آن‌ها حضرت عیسی علیه‌السلام از پروردگار خود خواهش کرد که آن‌ها را به مائده‌ای که خواسته‌اند، اکرام نماید.

چون این معجزه در نوع خود منحصر است به امت عیسی علیه‌السلام و برخلاف سایر معجزات که در حال ضرورت انجام می‌شده، بدون هیچ ضرورت، و تنها به خاطر اقتراح در یک امر غیر لازم، انجام یافته است، از همین جهت عیسی علیه‌السلام به درخواست خود عنوانی داد که صلاحیت داشته باشد، و سؤال خود را از ساحت عظمت و کبریائی خداوند به آن عنوان توجیه نماید، لـذا عـرض کرد:

«بارالها! نازل کن بر ما خوانی از آسمان،

چگونه حواریون درخواست خود را اصلاح کردند؟ (۲۶۷)

تا برای همه ما، از اولین و آخرین، عیدی باشد!»

پروردگار مسیح دعای او را مستجاب کرد، الّا این که شرط کرد که هر کس نسبت به این معجزه کفر بورزد، عذاب آن کس هم بی‌سابقه و هم عذابی خواهد بود که کسی تاکنون به آن معذب نشده است!(۱)

درخـــواست مـــائـــده، و ادب دعـــای عیســـی علیه‌السلام

قرآن‌مجید از تاریخ حیات حضرت عیسی علیه‌السلام زمانی را برای ما نقل می‌کند که برای

۱- المیـزان، ج ۱۲، ص ۵۴.

(۲۶۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نزول مائده آسمانی به درگاه الهی دعا می‌کند. عیسی علیه‌السلام با ادب خاصی درخواست بی‌جای شاگردان خود را در برابر ساحت پروردگار خود چنین توجیه می‌کند:

«بارالها! پروردگارا!

نازل فرما بر ما، مائده‌ای از آسمان،

تا برای ما، و پیروان کنونی و آینده ما عید باشد،

و از ناحیه تو نیز یک معجزه باشد،

پروردگارا!

روزی‌مان کن! که تو بهترین روزی دهندگانی!» (۱۱۴ / مائده)

از سیاق داستان درخواست حواریون مسیح از آن جناب، در قرآن کریم چنین استفاده می‌شود، که درخواست نزول مائده از سؤالات شاق بر آن جناب

درخواست مائده، و ادب دعای عیسی علیه‌السلام (۲۶۹)

بوده است، زیرا گفتاری که از آنان حکایت کرده که گفتند:

«- ای عیسی!

آیا پروردگار تو توانائی آن را دارد که مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟!»

این درخواست به ظاهرش مشتمل بوده بر پرسش از قدرت خدای سبحان، و این پرسش با ادب عبودیت نمی‌سازد، اگر چه مقصود در واقع پرسش از مصلحت بوده و نه از اصل قدرت، لکن رکاکت تعبیر در جای خود محفوظ است!

این سؤال از لحاظ دیگر درخواست معجزه‌ای دیگر بوده است، و این نیز بی ادبی آنان را می‌رساند زیرا معجزات باهره عیسی مسیح علیه‌السلام از هر جهت بر آنان احاطه داشت. و با آن همه معجزات که قبلاً دیده بودند، نیاز به این معجزه دلبخواهی نبود!

عیسی علیه‌السلام خودش، و وجودش بدون پدر، تکلمش در گهواره، زنده کردن مرده،

(۲۷۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خلق مرغ، شفای اکمه و ابرص، خبردادن از غیب، علم به تورات و انجیل و حکمت، همه و همه معجزه بود، و برای کسی جای شکی باقی نمی‌گذاشت. پس این که حواریون با چنین معجزاتی از مسیح درخواست معجزه‌ای مخصوص به خود کردند. بی‌شباهت به بازیچه گرفتن آیات خدا و بازی گرفتن خود آن جناب نیست! از همین جهت مسیح با عبارت" تقوا پیشه کنید، و از خدا بترسید، اگر مؤمن هستید "!آنان را توبیخ کرد.

لکن از آن جائی که حواریون درباره تقاضای خود پافشاری کردند و آن را با عنوان اطمینان قلب و شهادت و صداقت توجیه کردند، و بالاخره او را مجبور به چنین درخواستی از خدای متعال نمودند.

ناگزیر آن حضرت با ادبی که خدای سبحان به او ارزانی داشته بود، سؤال آنان را به نحوی که بتوان به درگاه عزت و کبریائی خدا برد، اصلاح کرد.

درخواست مائده، و ادب دعای عیسی علیه‌السلام (۲۷۱)

– اول، این که آن را عنوان" عیدی "داد که اختصاص به امت او و خود او باشد،

– دوم، این که توجیهات حواریون را با عبارت" آیتی از جانب تو "خلاصه کرد.

– سوم، غرض خوردن را که آن‌ها مقدم بر همه اغراض ذکر کرده بودند، او در آخر آورد و هم این که لباسی بر آن پوشانید که با ادب حضور موافق‌تر بود، و آن این که عرض کرد: «وَارْزُقْنا» و ذیل آن گفت:

«وَ أَنْتَ خَيْرُ الرّزِقينَ!» (۱۱۴ / مائده)

– چهارم، ادب دیگری که به کلام خود داد این بود که دعای خود را با کلمه" رب"و" ربنا "آغاز کرد، و این زیادتی ندا در دعای مسیح علیه‌السلام برای رعایت ادب نسبت به موقف دشوارتر خود بود. (۱)

۱– المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶۱ .

(۲۷۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خصوصیات دعای نزول مائده

«قالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ اللّهُمَّ رَبَّنا اَنْزِلْ عَلَیْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ....»

(۱۱۴/ مائده)

عیسی علیه‌السلام در مقابل تقاضای حواریون برای نزول مائده آسمانی دست به دعا برداشت، و از خداوند متعال درخواست مائده کرد.

با توجه به کیفیت خاص این دعا و موقعیتی بسیار خطیری که در قبال اصرار

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۳)

حواریون در درخواست این معجزه پیش آمده بود، مسیح علیه‌السلام با ادب خاصی که نشانه پیامبران بزرگوار الهی است،

درخواست آن‌ها را به درگاه خداوند چنین بیان کرد:

«بارالها! پروردگارا!

نازل فرما بر ما مائده‌ای از آسمان،

تا برای ما،

و پیروان ما از نسل حاضر و از نسل‌های آینده،

عیدی باشد، و آیتی از جانب تو!

پروردگارا ! روزی‌مان کن!

که تو بهترین روزی‌دهندگانی!»

در مطالب قبلی گفتیم که حواریون عیسی گفتند که آیا خدای تو می‌تواند برای ما

(۲۷۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مائده‌ای از آسمان نازل کند، و این درخواست آنان پس از سال‌ها مشاهده معجزات الهی به دست عیسی دارای چندان قباحتی بود که عیسی علیه‌السلام آن‌ها را به ترس و پرهیزکاری از خدا دعوت کرد. ولی در قبال اصرار آن‌ها و عذرخواهی‌شان - که این مائده را به خاطر " خوردن "آن و اطمینان قلبشان و تصدیق ایمان و گواهی‌شان، می‌خواهند ـ حضرت مسیح دست به دعا برداشت و خدای خود را چنین ندا کرد: «اَللهُمَّ رَبَّنا»

دراین‌جا شش خصوصیت عمده این دعا را ذکر می کنیم:

۱ ـ این دعا در میان همه دعاها و تقاضاهائی که در قرآن مجید از انبیاء علیه‌السلام حکایت شده است، دارای خصوصیتی است که در هیچ یک از آن‌ها نیست، و آن افتتاح دعاست به «اَللهُمَّ رَبَّنا!» و سایر دعاهای پیامبران با عبارت "رب "یا"رَبَّنا "شروع می‌شود، و دارای این خصوصیت نیست. آن

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۵)

خصوصیت صرفا به خاطر دقت مورد است و هول مطلع!

۲ ـ سپس مسیح علیه‌السلام عنوانی به مائده‌داد که صلاحیت‌داشته‌باشد،و غرض او و اصحابش قرار گیرد، و آن این بود که او و امتش روز نزول مائده را" عید "بگیرند. این ابتکار کار مسیح علیه‌السلام بود، و در درخواست حواریون از مسیح چنین عنوانی وجود نداشت.

۳ ـ دیگر این که مسیح علیه‌السلام با این که این پیشنهاد از طرف حواریون بود، به عنوان عموم" ما "مطلب را ادا کرد، و به همین تعبیر زیبا مطلب را از صورت درخواست معجزه با وجود معجزات بزرگ الهی در دسترس و پیش چشم همه بیرون آورد و طوری داد کرد که مرضی رضای پروردگار و غیر منافی با مقام عظمت و کبریائی او باشد، چون عید گرفتن دارای آثار حسنه‌ای است، مانند وحدت کلمه، و تجدید حیات

(۲۷۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ملی، و مسرت دل‌های مردم، و اعلان دین در هر بار که فرا می‌رسد. این عید از مختصات قوم عیسی است، و این معجزه هم بی‌سابقه و از خصایص مسیحیت است.

۴ ـ عیسی علیه‌السلام بعد از آن‌که فائده اساسی نزول مائده را که همان عید بودن است ذکرنمود، دنبالش عرض‌کرد: می‌خواهیم این‌مائده معجزه‌ای‌باشد، یعنی همان عیدبودن روز نزول مائده را از غرض اصلی خود اعلام کرد و نشان داد که غرض اصلی‌شان معجزه نیست، زیرا سراسر زندگی آن حضرت معجزه بوده است، و اگر غرض اصلی معجزه بود نتیجه این درخواست نامطلوب

می‌شد.

۵ـ خوردن از مائده آسمانی را حواریون به عنوان اولین غرض خود از این درخواست اعلام کرده بودند، ولکن مسیح علیه‌السلام آن را در ضمن فواید ضمنی و در آخر از همه ذکر کرد، و جمله را با اعتراف به «خَيْرُالرازِقين» بودن خدا تمام کرد، و نشان داد که خداوند بدون درخواست هم روزی‌رسان است.

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۷)

۶ـ کلمه" خوردن "را هم برداشته و به جایش کلمه" رزق "را به کار برد و بلافاصله گفت": تو بهترین روزی دهندگانی"!

این نکات دلیل است بر این که این پیغمبر عظیم الشأن خدا تا چه اندازه نسبت به پروردگار خود مؤدب بوده است، مخصوصا وقتی کلام او را با کلام حواریون مقایسه کنیم، با این که هر دو در مقام ادای یك چیز یعنی" نزول مائده "بودند. می‌بینیم که عیسی علیه‌السلام حرف آن‌ها را گرفته و چیزی بر آن اضافه و کم کرد، و بعضی حرف‌ها را حذف یا مقدم و مؤخر نمود تا بدین وسیله کلام سراپا اشکال حواریون را به صورتی درآورد که برای عرضه به درگاه عزت و ساحت عظمت پروردگار لایق شود، و از جهت مشتمل بودن آن بر آداب عبودیت، زیباترین کلام شود، و خواننده را بیش از پیش دچار

(۲۷۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

شگفتی سازد! (۱)

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶۱ .

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۹)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب ســــــــایت: www.ghaemiyeh.com ایمیــــــــــل: Info@ghaemiyeh.com فروشـــــگاه اینترنـــــتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹